

# انکشاف

نشریهء سه ماهه  
هماهنگی کمکها برای افغانها



اشتراک کنندگان ورکشاپ تربیوی CoAR در مقر دفتر کابل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# انکشاف

Inkeshaf

نشریهء هماهنگی کمکها برای افغانها

سال دوم - شماره پنجم و ششم (دلو ۱۳۷۵ - سرطان ۱۳۷۶) Vol. No: 5 - 6 January - June 1997

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان	سرمقاله
۱		
۲	فشرده گزارش پیرامون فعالیت های سال ۱۹۹۶ مرکز انکشاف	
۶	دهات شش قلعه ولایت وردگ	
۱۲	د افغانستان کرنی ته پوه کتنه	
۱۶	اقسام و انواع پیوند	
۱۹	نقش منرال ها در زندگی حیوانات	
۲۳	د ټولنې پراختیا	
۲۷	زبان و نقش آن در صلح و انکشاف	
۲۹	نزول قرآن	
۳۰	علم او پوهه	
۳۲	شعر و ادب	
۳۶	کشت کرابیه در هرات وللمی کاری در افغانستان	
۳۷	رول زن در اجتماع	
۳۷	معرفی کتاب سبزیجات	
۳۸	ورکشاپ تربیوی کابل- کورس انکشاف جامعه	
۳۹	گردش های آزاد و تاثیرات آن بالای صحت انسان	
۴۶	په افغانستان کښې د غنمو اصلاح شوو تخمونو کرلو لنده تاریخچه	
۴۷	معلومات دلچسپ	
۵۰	نظری به استعمال کودهای کیمیاوی در افغانستان	
۵۲	په اسلام کی د کار او کارگر ارزښت	
۵۸	حیات وحش به توجه و عاطفه شما نیاز دارد	
۵۹	خاطرات داکتر، پیچکاری اعطای خون	
۶۰	طرز پختن سبزی ها	
۶۰	تربوز	
۶۰	مناجات	

اداره نشر کننده :

هماهنگی کمکها برای افغانها

سال تأسیس:

۱۳۷۵ هـ ش مطابق ۱۹۹۶ عیسوی

هیئت تحریر

- پوهاند داکتر عبدالقهار «ثمین»
- محقق محمد اکبر «بابری»
- عبدالاحمد «آموزگار»
- داکتر غلام سعید

مدیر مسئول: محقق محمد اکبر بابری

معاون مدیر مسئول: ذکیه «وردک»

دیزاین و عکاسی: احمد شاه

آدرس دفتر

خانه نمبر ۹۳ سرک ۵ سکتور N3

فیز نمبر ۴ حیات آباد تیلیفون نمبر ۸۱۳۲۹۹

نمبر پوست بکس ۱۳.۱۳ BOX ۱۳.۱۳

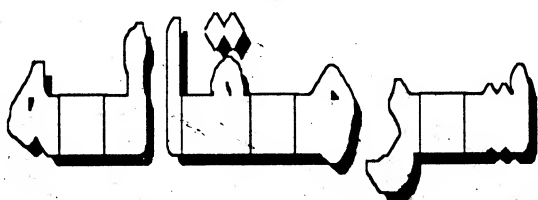
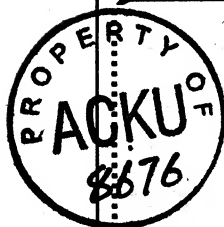
پشاور پاکستان

یادداشت

مدیریت مجله انکشاف مسرت دارد که از همه هموطنان عزیز و دست اندر کاران صمیمانه دعوت به عمل آورد تا مطالب ارزشمند خود را در رابطه به اعاده صلح و اعنار مجدد افغانستان بخصوص در بخش های تعلیم و تربیه، صحت عامه، زراعت، ساختمان و غیره به ما ارسال داشته که از طریق مجله انکشاف به نشر سپرده شود تا ازیک طرف باعث غنا و تنوع مطالب مجله گردد و از جانب دیگر سهم خود را ایفا نموده و مصدر خدمات به هموطنان خود شوند.

از همکاری تان قلباً سپاسگذاریم. با عرض حرمت





حتماً محسوس و قابل لمس است. بنابراین تأمین غذا به مردم تعمیم تعلیم و تربیه و مجهز ساختن افراد جامعه به آن، و حفظ صحت و سلامتی مردم همه و همه مستلزم يك امر است و آن صلح است و پس، چه تنها در فضای صلح است که میتوان به افراد يك جامعه نیاز مندی های مربوط به غذا، تعلیم و تربیه، صحت و غیره را تأمین نمود. زیرا در عدم موجودیت صلح و امنیت در يك جامعه تحقق هر نوع پلانی اولاً ممکن نیست اگر ممکن هم باشد خالی از نواقص نبوده و موثریت لازم را با خود نخواهد داشت. صلح ضرورت بشر است، صلح نیاز زمان است، صلح اولین شرط برای زندگی تماماً جوامع بشری است.

کشور عزیز ما افغانستان طی سالهای جنگ ویران کن در حقیقت به يك ویرانه مبدل شده و تماماً ساحات زندگی اقتصادی و اجتماعی آن شدیداً صدمه دیده و حالت غم انگیزی بخود گرفته است. بناً زمان آن فرا رسیده است تا همه ملت يك دست و يك صدا در جهت تأمین و برقراری صلح مطلق در کشور گام برداشته و هريك از افراد جامعه افغانی فارغ از هرگونه تعصب، فقط با شور و احساس وطن دوستی و مردم دوستی و بخاطر کسب رضای خداوند (ج) سهم خویش را درین مورد ادا نماید.

به امید آن روزی نشسته ایم که هیچ گونه درگیری در کشور وجود نداشته و همه افراد ملت در يك فضای برادری، هم خونی و هم سوئی دست به دست هم داده و در آبادی ویرانی های کشور و ارتقا و پیشرفت آن سهم شوند.

از لحاظ داشتن ظرفیت های طبیعی نسبتاً بلند جهت پذیر و زراعت انواع مختلفه نباتات مساعد بوده و دارای اراضی بکر و دست نا خورده و آب وافر میباشد که با تحقق پلان های وسیع، علمی و عملی در ساحه زراعت از قبیل ایجاد ستیشن های تحقیقاتی، میکانیزه ساختن زراعت، ترویج و تکثیر تخم های اصلاح شده انواع مختلفه نباتات، ایجاد تسهیلات برای دهاقین جهت دستیابی به کودکیمیای و ادویه ضد امراض و آفات زراعتی و فراهم نمودن زمینه های بازار یابی و مارکتینگ به آنان، و ارتقای سطح زندگی دهاقین، همه انواع مشکلات را درین زمینه میتوان حل نمود.

بهین گونه درجه ارتقا و رشد يك جامعه ارتباط دارد به چگونگی سطح رشد و ارتقای تعلیم و تربیه افراد آن جامعه و میتوان حکم نمود که جامعه که از نعمت تعلیم و تربیه و سواد بهره مند نباشد تحقق هیچگونه پلان در هیچ يك از ساحات اقتصادی و اجتماعی آن عملی و موفق نخواهد بود، بنابراین توجه به این بخش زندگی جامعه وظیفه تماماً ادارات و موسسات ملی و بین المللی میباشد.

غذا و تعلیم و تربیه دو اصلیت که مسله صحت را در يك جامعه میتواند تحت شعاع خویش قرار دهد و بهین گونه صحت نیز نقش خود را در پیش برد فعالیت های مختلفه در يك جامعه دارد که برین بنیاد میتوان گفت که جامعه که به کسب صحت مواجه بوده و از سلامتی لازم بر خود دار نباشد سایر کمبودی ها نیز در آن جامعه

بشر در زندگی روز مره خود جهت تأمین نیازمندی های خویش از رهگذر غذا، صحت تعلیم و تربیه و غیره به صلح ضرورت دارد، زیرا تنها در فضای صلح و صفا و صمیمیت است که میتوان همه فعالیت های حیاتی و انسانی را به وجه احسن و قابل ملاحظه آن انجام داد. ولی با تأسف تداوم جنگ و عدم موجودیت صلح پایدار در گوشه و کنار جهان بخصوص کشور عزیز ما افغانستان مشکلاتی را در زمینه های مختلف تهیه غذا، تعلیم و تربیه، صحت و غیره بوجود آورده است که ایجاب تعمق و تلاش های بیشتر را در مورد مینماید، زیرا که غذا یکی از ضرورت های عمده در زندگی نوع بشر جهت تأمین کالوری مورد نیاز و ادامه فعالیت های حیاتی بحساب میآید و بهین دلیل تماماً سازمانها و ادارات ملی و بین المللی بر آن اند تا جهت دستیابی به منابع مطمئن و غنی مواد غذایی پروژه های مختلفی را ایجاد نمایند، چه کمبود مواد غذایی یکی از عوامل اساسی مریضی ها و مصایب اجتماعی بحساب رفته و نمونه های بسیار بازرزی در گوشه و کنار جهان دیده شده که انسانها بخاطر تهیه مواد غذایی برای خود و فامیل خود دست به اعمال ناشایسته و خلاف معیار های انسانی زده اند. نگرانی عمومی در جهان از آن جا ناشی میشود که يك تناسب نا موزون میان رشد مواد غذایی و رشد نفوس در جهان وجود دارد، زیرا که رشد مواد غذایی در جهان (۲) فیصد و رشد نفوس در جهان (۳) فیصد نشان داده شده است.

خوشبختانه کشور عزیز ما افغانستان

# فشرده گزارش پیرامون فعالیت های سال ۱۹۹۶

## مرکز انکشاف دهات شش قلعه ولایت وردک

### بخش زراعت

فرکسیون و هشت عراده روسی و هم چنان پنج عراده تریش در اختیار داشته که دایم الوقت در خدمت زارعین محترم قرار میداشته باشد.

مرکز انکشاف دهات شش قلعه از چند سال به اینطرف چند نوع گندم را تحت تحقیق قرار داده که در سال جاری

مرکز انکشاف دهات شش قلعه به مقدار ۶۴۹۶ کیلو گرام کود کیمیای (یوریا و نایتروفاس) و به مقدار ۵۶۰ کیلو گرام گندم اتایا را در ولسوالی های جغتو، سید آباد و چک در اوایل بهار سال ۱۳۷۶ و خزان سال ۱۳۷۵ برای

دفتر CoAR با در نظر داشت هدف اساسی خود مبنی بر انکشاف و رشد اقتصاد روستائی بر اساس ارزبایی و معلومات دقیق از سطح زندگی و وضع اقتصاد مردم در ساحه اینک گزارش پیرامون فعالیت های سال ۱۹۹۶ مرکز انکشاف دهات شش قلعه که قام فعالیت های دفاتر ساحوی ولایت وردک از همین مرکز انکشاف اجرا میگردد از طریق مجله انکشاف به اطلاع خواننده گان گرامی می سپارد. دفتر انکشاف دهات شش قلعه در ابتدا فعالیت های خویش را در بخش ترمیم و پاک کاری کاریز ها، توزیع تخم اصلاح شده و کود کیمیای انجام میداد بعد ها با تحلیل مشکلات و نیازمندی های مهم منطقه مرکز انکشاف دهات شش قلعه ولایت وردک کمک انسانی خویش را در بخش های تعلیم و تربیه، صحت، هایدرولیک آب رسانی و مالداری توسعه بخشید که متضمن رشد اقتصاد روستائی بوده و ما به گونه مثال گوشه های از فعالیت این مرکز را غرض آگاهی خواننده گان عزیز خویش به نشر می رسانیم.



گوشه از توزیع کود کیمیای و تخم اصلاح شده گندم

دهاقین غرض ارتقای سطح تولیدات زراعتی توزیع نموده است، مرکز انکشاف دهات شش قلعه پانزده عراده تراکتور داشته که هفت عراده میسی نیز هشت نوع گندم را با اندازه های مختلف کود یوریا، دابی امونیم فاسفیت و سوپرفاسفیت در ۷۲ تریمننت و (۳) تکرار که مجموعاً ۲۱۶ کرد



میشود تطبیق و عملی نموده است. نتایج که تا به حال بدست آمده است نشان میدهد که تخم گندم اتایا نتیجه قناعت بخش داشته و از همین لحاظ در بین زارعین کشت آن مروج میباشد. در بخش تجارب تحقیقاتی باید گفت که در سال ۱۹۹۶ پروژه، تاثیرات زراعت مکانیزه را بالای حاصلات نباتات، خواص خاک و محیط تحت تجربه قرار داده است، که البته نتایج آن در سالهای بعدی معلوم خواهد گردید.

مرکز انكشاف دهات شش قلعه چندین قوریه نهال های مشر در ولسوالی های خروار، زنخان سیدآباد احداث و در جریان سال ۱۹۹۶ فعالیت های را از قبیل استعمال کود کیمیای و خیشاوه گیاه هرزه انجام داده و در حدود ۵۰۰۰ اصله نهال سیب، زرد آلو، ناک را در قوریه جات پیوند نموده است همچنان در اوایل بهار ۱۹۹۶ به تعداد ۹۲۴۷ اصله نهال سیب را خریداری و برای باغداران محترم توزیع نموده است.

قوریه های FAO نیز یکی از پروگرامهای دیگر موسسه CoAR بوده که در قریه ملاه حفیظ ولسوالی جفتو، در قریه نوده و قریه ملی خیل ولسوالی سید آباد احداث گردیده اند که هر يك از این قوریه جات ساحه يك جریب زمین را احتوا کرده است که حرای مالکین قوریه همکاری های ذیل که عبارت از توزیع ۱۳۰ سیر گندم، يك

عراده کراچی دستی، يك پایه پمپ محلول پاش، سیم خار دار برای احاطه قوریه و يك تعداد سامان آلات قوریه جات از طریق موسسه CoAR برای ایشان توزیع گردیده است. مرکز انكشاف دهات شش قلعه يك مقدار ادویه زراعتی را برای کنترل امراض و آفات زراعتی برای زارعین و باغداران به تخفیف ۱۵ فیصد از نرخ بازار در ولسوالی سید آباد، زنخان جفتو، و چك در سال ۱۹۹۶ توزیع نموده است همچنان تخم ۱۹ نوع سبزی های مختلف النوع را برای ۷۸ نفر زارعین در ولسوالی زنخان، جفتو، چك و سیدآباد بطور رایگان به منظور تکثیر در ساحه توزیع شده است.

مرکز انكشاف دهات شش قلعه برای ۱۲ کاریز مربوط ولسوالی زنخان و سید آباد نظر به طول و عمق کاریز كمك نقدی نموده است و این كمك باعث گردیده تا مالکین کاریز ها بالای کاریز ها کار نموده آن را پاك کاری و یا تونل جدید حفر نموده اند.

#### بخش وترنری:

در بخش وترنری باید تذکر داد که مرکز انكشاف دهات شش قلعه دو کلنیک حیوانی یکی در مرکز شش قلعه و دومی در سید آباد داشته و خدمات شایسته به مالداران منطقه انجام داده است.

برای صد نفر بیوه زن مستحق ولسوالی های زنخان و سیدآباد به تعداد

۲۰۰ راس گوسفند توزیع نموده است. مسئول کلنیک ها بعد از تشخیص مرض ادویه لازم را به مالداران توزیع و هم به قدر کافی پودر منرال ها را در اختیار مالداران قرار داده است.

در وقت مناسب واکسین های مختلف تطبیق گردیده است.

طور خلاصه گفته میتوانیم که به صورت مجموعی ۱۱۱۳۶ راس حیوانات تداوی، ۳۸۸۸ راس حیوانات واکسین و از فعالیت متذکره مجموعاً ۶۲۳۲ فامیل مستفید گردیده است. همچنان مرکز انكشاف دهات شش قلعه ۳۰ صندوق زنبور عسل برای ۱۵ نفر دهقان کم زمین در ولسوالی سید آباد و ۱۰ صندوق زنبور عسل برای ۵ نفر دهقان در ولسوالی زنخان طور رایگان توزیع نموده است و ۴۰ صندوق باقیمانده در دفتر سید آباد نگهداری گردیده است.

#### بخش ساختمانی و هایدرولیک:

مرکز انكشاف دهات شش قلعه چندین پروژه ساختمانی در جریان سال ۱۹۹۶ داشته که هر يك را طور فشرده و مختصر ذیلاً تذکر میدهم:

الف: پل و پلچك های پید مشك در جفتو.

يك پایه پل و دو پایه پلچك که قبلاً دیوار های آن از سنگ کاری خشکه و چوب اعمار گردیده بود و مردم مشکلات خیلی زیاد داشتند مرکز انكشاف دهات شش قلعه آنرا به شکل

اساسی و پخته اعمار نموده است که مردم محل در اعمار پل سهم فعالانه گرفتند.  
ب: اعمار پل و پلجک های کيوتر در ولسوالی چک:

کار اعمار يك پل و پلجک های مذکور تکميل گرديد، سهم جامعه تنها تهيه ريگ و جغل بود.  
ج: پلجک سيد آباد:

يك پايه پلجک در قريه تاجيکي سيد آباد که قبلاً از چوپ ساخته شده بود به شکل اساسی و پخته توسط مرکز انکشاف دهات اعمار و کار ساختمانی آن مکمل گرديده است.  
د: ديوار استنادی تنگی در سيد آباد:  
نظر به خواست مکرر مردم ديوار

شده بود. که ۹۵ فيصد کار آن انجام گرديده سهم مردم محل تهيه سنگ و تهيه جغل ميباشد.  
ه: مکتب جوزين تنگی:

مکتب متذکره که در جريان انقلاب بصورت کلی تخریب گرديده بود توسط مرکز انکشاف دهات شش قلعه به شکل اساسی اعمار گرديد و کار ساختمانی آن تکميل گرديده است. سهم مردم محل تهيه سنگ و جغل توسط وسايط پروژه ميباشد.

و: بند آبگردان پاينده خيل زنخان:  
مرکز انکشاف دهات نظر به خواست مکرر مردم قريه جات پاينده خيل، دورخان خيل و راخت خيل بند آبگردان متذکره را به شکل اساسی اعمار نموده



نمای مکتب جو زین در تنگی وردک

استنادی سرک وردک و لوگر به شکل اساسی اعمار گرديده و نظر به سردی هوا کار ساختمانی آن معطل قرار داده و کار ساختمانی آن اکمال گرديده سهم مردم محل تهيه سنگ و جغل ميباشد.  
ز: اعمار گراج های دفتر شش قلعه:

مرکز انکشاف دهات شش قلعه برای حفاظت و نگهداری تراکتور های خود ۱۲ باب گراج به شکل خام اعمار نموده که فعلاً قابل استفاده ميباشد.

ح: کانال ملی خيل:  
نظر به خواست مکرر مردم قريه جات ملی خيل، حسن خيل برات خيل و اکا خيل کانال بطول ۷۵ متر که به اثر سيلاب خیلی زياد تخریب گرديده بود در سنگ کاری با گيبن اعمار گرديده و کار آن تکميل گرديده است. سهم جامعه تهيه سنگ و انتقال آن توسط وسايط پروژه و همچنين کندنکاری تهذيب ميباشد.

ط: کاریز شیر خيل:  
نظر به خواست مکرر مردم قريه جات شیر خيل، اسحق خيل، ممو خيل که کانال کاریز متذکره تخریب گرديده بود توسط مرکز انکشاف دهات شش قلعه به شکل اساسی اعمار و ۸۰ فيصد کار آن تکميل گرديده. سهم مردم محل تهيه سنگ، جغل و همچنين کندنکاری تهذيب دو طرفه کانال ميباشد.

ی: تهيه آب آشاميدني:  
دفتر انکشاف دهات شش قلعه در جريان سال ۱۹۹۶ در بخش تهيه آب آشاميدنی خدماتی انجام داده است و سهم مردم محل در مورد نصب پمپ ها تهيه سنگ و جغل برای کانکريت ريزی آن ميباشد.

و در ولسوالی های ذيل در ولايت وردک پمپ های آب نصب گرديده است.

- ۱- پروژه میز و چوکی کانادا فند:  
در مجموع برای ۲۲۵ نفر شاگرد  
میز و چوکی تهیه گردیده است و برای  
لیسه های غازی محمد جان، شش قلعه،  
چک (لیسه بمبی) در دسترس شاگردان  
قرار گرفته است.
- ۲- پروژه نجاری دروازه وکلکین (S.V):  
مجموعاً ۴۳۸ باب دروازه و کلکین  
تهیه گردیده و در مناطق پغمان و میدان  
برای مهاجرین و مستحقین توزیع گردیده  
است.
- ۴- پروژه نجاری دروازه وکلکین NCA:  
مجموعاً ۶۳۷ باب دروازه و کلکین

عبارت اند از:

- ۱- لیسه انصار المومنین
  - ۲- لیسه انخی
  - ۳- ابتدائیه لاجی خیل
  - ۴- ابتدائیه ملا نوح بابا
  - ۵- ابتدائیه محمدیه
  - ۶- ابتدائیه دائیر داد
- که در بخش تعلیم و تربیه مجموعاً  
۵۳ نفر معلم و ملازم و یک نفر مسئول  
تعلیم و تربیه مصروف فعالیت بوده و  
مجموعاً برای ۱۳۲۴ نفر متعلم درس  
داده شده است که در سال ۱۹۹۷  
پروگرام تعلیم و تربیه نظر به مشکلات

- ۱- جفتو ۱۰ پایه پمپ
  - ۲- سیدآباد ۱۱ پایه پمپ
  - ۳- چک ۶ پایه پمپ
- همچنین از پروگرام (S.V) سه پایه  
پمپ در میدان نصب گردیده است.  
بخش صحنه:

دفتر انکشاف دهات شش قلعه در  
پهلوی سایر بخش ها در بخش صحنی  
نیز خدماتی را انجام داده که از جمله  
هفت کلینیک صحنی را در ولایت وردک  
از نگاه معاشات پرسونل و ادویه اکیال  
نموده است که در سال ۱۹۹۷ تعداد این  
کلینیک ها به سه کلینیک تنزیل کرده  
است.

مجموعاً ۳۵ نفر پرسونل در بخش  
صحنی کار نموده و در جریان سال ۱۹۹۶  
در حدود ۱۳۵۴۹ نفر مرد ۱۴.۸۳  
زن و ۱۱۸۳۳ اطفال معاینه تداوی و  
معالجه گردیده اند.

دو دفعه در جریان سال ۱۹۹۶ ادویه  
خریداری گردیده و به قیمت نازلتر از  
بازار برای مریضان توزیع گردیده است.

مسئول بخش صحنیه و همچنین  
مسئولین مرکز (RDC) وقتاً فوقتاً از  
کلینیک دین به عمل آورده و از کار آن  
واریسی گردیده است.

تعلیم و تربیه:

مرکز انکشاف دهات شش قلعه در  
جریان سال ۱۹۹۶ دو لیسه و چهار  
مکتب ابتدائیه را از نگاه معاشات  
معلین و غیره اکیال نموده است که



توزیع میز و چوکی، کلکین، دروازه به مکاتب و اهالی ولایت وردک

بودجوی توقف نموده است.  
پروژه های نجاری:  
مرکز انکشاف دهات شش قلعه  
پروژه های نجاری ذیل را تکمیل نموده  
است.

تولید گردیده و در ولسوالی ناوه مقر در  
پل علم و برکی لوگر برای مستحقین و  
مهاجرین به قیمت ۵۰ فیصد توزیع  
گردیده است.



# د افغانستان کرنی ته یوه کتنه

پوهاند ډاکټر عبدالقهار ثمين

شوی. دا هم باید په یاد ولرو چې افغانانو د تل د پاره په عزت کې ژوند کړی نو د همدې کبله د پنځه میلیونو په شاه او خوا کې افغانان پاکستان او ایران ته مهاجر شول تر څو یې خپل ناموس خوندي ساتلی وي.

د جگړې په موده کې د افغانستان د څارویو شمیر هم بیخي لږ شو ځکه بزگرانو خپلې د شیدو غواګانې او د قلبی غویان خرڅ کړل چې زیات شمیر یې قصابی شول. د کرنې د وزارت د شیدو اصلاح شوی غواګانې په شپوکیو او ننگرهار کې غلو بوتلی چې یوه زیاته برخه یې اوس هم په پاکستان کې لیدل کیږي. د قلبی غویان هم د شیدو د غواګانو په څیر یو په یو بی درکه شول چې د هغه په نتیجه کې د بزگرانو زیاتره ځمکې خاره پاتې شوی. په افغانستان کې د څارویو شمیر لاتر اوسه پورې هم بیخي لږ دی.

## کیمیاوی سرې

په افغانستان کې د جگړې څخه دمخه په کال کې لږ تر لږه ۱۰۳۲۸ متریک ټنه کیمیاوی سرې پر بزگرانو باندې ویشل کیدي.

د افغانستان د یوریا فاربریکي د

بیخي لږ شول او آن په کرنیزو ځمکو کې د غلی او دانی پر ځای ماینونه وکړل شول چې تر اوسه پورې هم نه دي پاک شوي. په افغانستان کې کرنیز محصولات د جنگ په دوره کې په بی ساری توګه لږ شول ځکه د جنگ په موده کې ویالې او کاریزونه چې کروندی به یې خړوبولي بیخي وچ شول. د افغانستان بزگران خپلې ویالې او کاریزونه عمدتاً د وري په میاشت کې د اشر په ډول بشپړ

د افغانستان د یوریا فاربریکي د هیواد په شمال کې په کال کې په منځني توګه ۱۰۵ زره متریک ټنه یوریا تولید کوله د جنگ په لومړیو وختو کې روسان د یوریا تولیدات په کال کې آن ۱۲۰ زره متریک ټنه ته لوړ کړل دي کار د اوبندول چې د روسانو زړونه په افغانانو او یا د دوی په فابریکو باندې هېڅ نه سوځیدل

کوي. خود بده مرغه د افغانستان زیاتره بزگرانو یا د روس د عسکرو په مقابل کې په پاک جهاد پیل وکړ چې د هغه په نتیجه کې د بزگرانو زیاتره برخه د کرنې د چارو څخه پاتې شول ځکه یو زیات شمیر بزگرانو خپل ژوند په دی مقدسه لاره کې د لاسه ورکړ همدارنګه د بزگرانو یو بل د کتنې وړ شمیر معیوب شول او د کرنې چارې ورڅخه پاتې

افغانستان یو کرنیز هیواد دی چې په سلو کې ۸۵ نفوس یې د کرنې په چارو کې مصروفیت لري. د افغانستان اقتصاد د جنگ څخه په مخکې دورو کې عمدتاً د کرنې په محصولاتو پورې تړلی وه. افغانستان تر ۱۳۵۲ لمریز کال پورې د کتنې وړ یوه اندازه غنم کال په کال د باندینو هیوادونو څخه راوړل تر عیسوی ۱۳۵۲ کال پورې افغانستان د غنمو یو واردونکی هیواد وه چې په کال

کې یې په منځني توګه ۱۱۵۰۰۰ متریک ټنه غنم واردول خو د ۱۳۵۳ کال په اخر کې افغانستان د غنمو د واریدولو په خاطر نه یوازې په ځان متکی شو بلکې د کرنیزو محصولاتو صادرو یې باندینو هیوادو ته په زړه پورې زیات شول.

د بده مرغه د افغانستان د جنگ په دوره کې د کرنیزو محصولاتو تولیدات

هيواد په شمال کې په کال کې په منځنۍ توگه ۱،۵ زره متریک تنه پوريا توليد کوله د جنگ په لومړيو وختو کې روسانو د پوريا توليدات په کال کې آن ۱۲۰ زره متریک تنه ته لوړ کړل دي کار د اوښودل چې د روسانو زړونه په افغانانو او يا د دوی په فابريکو باندې هيڅ نه سوځيدل. نو څرنگه چې فابريکې په نوموړی موده کې د حد څخه زيات توليدات درلودل نو د همدی کبله د پوريا فابريکه کال په کال

ښه توگه پر مخ بوزی نو په همدی وخت کې د پوريا د فابريکې د سم ترميم امکان دمنځه تللی وه.

کله چې د پوريا توليدات په خپل اعظمی حد دوام درلود نو په همدی وخت کې يو شمير نوری سړي لکه ډای امونيم فاسفيټ، غليظ سوپر فاسفيټ او داسی نوری هم په افغانستان کې استعماليدی د مثال په ډول په هغه وخت کې په کال کې په منځنۍ توگه ۶۰ ميليونه تنه ډای



د تکثيری غنمو يود کوندد

امونيم فاسفيټ افغانستان ته د باندنيو هيوادو څخه راوړل کيدل که چيری د افغانستان د خړوبيدو وړ ځمکه ۲،۶ ميليون هکتاره په نظر کې ونيسو او په کال کې لږ تر لږه ۱۲۰ زره تنه پوريا او ۶۰ زره تنه ډای امونيم فاسفيټ چې په بزرگانو باندې په هغه وخت کې ويشل کيده په نظر کې ونيسو نو په کال کې په هغه وخت کې په يوه هکتار کې ۶۹ کيلو گرامه سره او که چيری ټوله کرنيز،

خرابيده خو تر هغه پورې چې روسان په افغانستان کې موجود وه نو د نوموړی فابريکې پالتو سامانونه يی د روسی څخه راوړل او فابريکه يی په داسی ډول چلوله تر څو خلک ونه وایي چې فابريکه د کار څخه لويديده. کله چې روسان د افغانستان څخه په بی شرمانه توگه ووتل نو د پوريا د فابريکې تنظيم لا نور هم خرابه شو ځکه روسانو داسی افغانان نه، روزلی تر څو د فابريکې چاری په

ځمکه ۵،۲ ميليونه په نظر کې ونيسو نو په هکتار کې ۳۴ کيلو گرامه سره استعماليده (په دی شرط سره چې ټوله سره په افغانستان استعمال شوی وی) حال دا چې په ۱۹۸۹-۱۹۹۰ کال کې په افغانستان کې په يوه هکتار کې يوازی ۶،۶ کيلو گرامه سره استعمال شوی وه.

دا هم بايد په يادو لرو چې په افغانستان کې پرته د پوريا څخه کومه بله سره په هيواد کې دننه نه جوړيږی. همدا اوس په افغانستان کې د ډای امونيم فاسفيټ او غليظ سوپر فاسفيټ سړی په سختی سره موندل کيږی او بزرگان د همدی کبله سخت په تکليف دی.

په لوگر، غزنی، وردگو او غنيی نورو ولاياتو کې همدا اوس د ډای امونيم فاسفيټ ځای يوی پاکستانی سړی چې د نايټروفاس په نوم ياديږی نيولی دی. نايټروفاس په سلو کې ۲۳ نايټروجن او ۱۰ فاسفورس لری چې د نبات غذايي موادو مجموعی اندازه يی په سلو کې ۳۳ په داسی حال کې چې د ډای امونيم فاسفيټ د نبات د غذايي موادو مجموعی اندازه په سلو کې ۳۸ کيږی. که چيری د دواړو سرو بيی او د نبات د غذايي موادو اندازه په نظر کې ونيسو نو د ډای امونيم فاسفيټ استعمال اقتصادي بريښی دا هم بايد په ياد ولرو چې د نايټروفاس فاسفورس عمدتاً د ډای کلسيم فاسفيټ په شکل دی په داسی حال کې چې د ډای امونيم

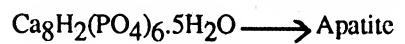
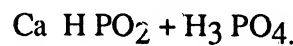
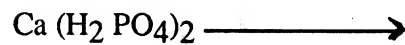
ډای امونیم فاسفیت یا غلیظ سوپر فاسفیت چې فاسفورس یی عمدتاً د مونو کلسیم فاسفیت په ډول دی او د افغانستان په آهکی خاورو کې په نسبی توګه ښی نتیجی ورکوی استعمال شی. په دی آخرو وختو کی ددی سری استعمال په افغانستان کی بیخی زیات شویډی او دهغه مخه باید ونیول شی.

### ډای امونیم فاسفیت

د افغانستان په زیاتره خاورو کې مونو امونیم فاسفیت او ډای امونیم فاسفیت په زړه پوری نتیجی ورکوی. د مونو امونیم فاسفیت د استعمال په نتیجه کې  $\text{CaHPO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$  او ترناکیت (Taranakite) منځ ته راځی. په هغو ځایو کې چې کلسیم په زیاتی پیمانی سره موجود وی نو په دی صورت کې د مونو امونیم فاسفیت څخه په خاورو کی یوه زیاته اندازه ډای کلسیم فاسفیت په لاس راځی. همدا تعامل د افغانستان په زیاتره خاورو کی صورت نیسی خو په تیزابی خاورو کې د مونو امونیم فاسفیت د استعمال څخه وروسته کولایډی  $(\text{Fe, Al, x})\text{PO}_4 \cdot n\text{H}_2\text{O}$  په لاس راځی. په هغو خاورو کې چې د مګنیشم اندازی یی زیاتی وی د مونو امونیم فاسفیت د استعمال څخه وروسته هنایت (Hannayit) چې فورمول یی  $\text{Mg}_3(\text{NH}_4)_2(\text{HPO}_4)_2 \cdot 8\text{H}_2\text{O}$  او یوه اندازه سترویت (Struvite) چې فورمول یی  $\text{MgNH}_4\text{PO}_4 \cdot 6\text{H}_2\text{O}$  په لاس راځی.

په نوموړی معادله کې هم اپتایت د عادی سوپر فاسفیت په شان په مونو کلسیم فاسفیت او هایدرو فلوریک اسید باندی اوړی.

د عادی سوپر فاسفیت او غلیظ سوپر فاسفیت فاسفورس عمدتاً د مونو کلسیم فاسفیت په شکل دی. د نوموړو سرو تعامل په خاورو کې په لاندی ډول دی:



په پورتنیو دو تعاملونو کې مونو کلسیم فاسفیت په ډای کلسیم فاسفیت او د هغه څخه وروسته ډای کلسیم فاسفیت په ترتیب سره په اکتا کلسیم فاسفیت او اپتایت باندی اوړی. په پورتنیو تعاملونو کې په ترتیب سره د فاسفورس انحلال لږ کیږی.

### فایټرو فاس:

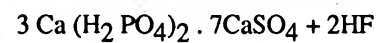
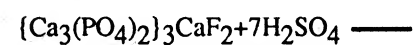
ددی سرې په جوړیدو کې په سلو کې ۷۴ ترای کلسیم فاسفیت د ښوری د تیزاب سره معامله کیږی او د هغه په نتیجه کې فاسفوریک اسید، کلسیم نایتريت او یوه اندازه د ښوری تیزاب پاتی کیږی. کلسیم نایتريت په امونیم نایتريت او کلسیم کاربونیت باندی اوړی. ددی سرې فاسفورس عمدتاً د ډای کلسیم فاسفیت په ډول وی چې د افغانستان په آهکی خاورو کې ښه نتیجه نه ورکوی او د هغی پر ځای باید

فاسفیت فاسفورس د مونو کلسیم فاسفیت په ډول دی چې انحلال یی د ډای کلسیم فاسفیت په پرتله د کتنی وړ اندازی سره زیات دی.

ښه به دا وی چې د افغانستان په مروجو فاسفورسې سرو باندی هم لږ څه رڼا واچوله شي.

### عادی سوپر فاسفیت:

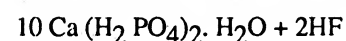
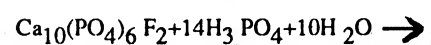
عادی سوپر فاسفیت په سلو کې ۷،۸ فاسفورس لری. ددی سرې د سلفر او کلسیم اندازی د فاسفورس څخه لوړی دی. دا سره د هغو نباتاتو د پاره مناسبه بریښی چې زیات کلسیم ته اړتیا لری لکه رومی بانجان او مرچ. عادی سوپر فاسفیت په لاندی ډول په لاس راځی:



په پورتنی تعامل کې اپتایت په اوبو کې منحل مونو کلسیم فاسفیت باندی بدلیږی. همدارنگه په پورتنی معادله کې یوه اندازه گچ د مونو کلسیم فاسفیت سره یو ځای په لاس راځی. همدارنگه په پورتنی معادله کې یوه اندازه د هایدروجن فلوراید زهری غاز هم په لاس راځی.

### غلیظ سوپر فاسفیت

دا سره عموماً په سلو کې له ۱۹ څخه تر ۲۳ فاسفورس لری. ددی سرې فاسفورس په سلو کې له ۹۵ څخه تر ۹۸ پوری په اوبو کې منحل دی. دا سره په لاندی ډول سره په لاس راځی.





د ډای امونیم فاسفیت د استعمال  
څخه وروسته په خاورو کې

$\text{Ca}_4\text{H}(\text{PO}_4)_3 \cdot 3\text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{Ca}_2(\text{NH}_4)_2(\text{HPO}_4)_3 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{Ca}(\text{NH}_4)_2(\text{HPO}_4)_2 \cdot \text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{Ca}_8\text{H}_2(\text{PO}_4)_6 \cdot 5\text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{NH}_4\text{Al}_2(\text{PO}_4)_2 \cdot \text{OH} \cdot 8\text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{Mg NH}_4\text{PO}_4 \cdot 6\text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{CaHPO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$ ,  
 $\text{CaNH}_4\text{PO}_4 \cdot \text{H}_2\text{O}$ ,  
کولایډی اپتایت او  
 $\text{Ca}_{10}(\text{PO}_4)_6(\text{OH})_2$  ډای کلسیم  
فاسفیت (دوه مالیکیونه اوبه).

په هغو خاورو کې چې زیات کلسیم  
موجود وي لکه د افغانستان آهکې  
خاوري د ډای امونیم فاسفیت د استعمال  
څخه وروسته ډای کلسیم فاسفیت (دوه  
مالیکیونه اوبه) او اکتا کلسیم  
فاسفیت  $\text{Ca}_8\text{H}_2(\text{PO}_4)_6 \cdot 5\text{H}_2\text{O}$   
په زیاتې پیماني سره په لاس راځي.

**د مونو کلسیم فاسفیت لرونکو سرو  
تعامل:**

وروسته د مونو کلسیم فاسفیت  
لرونکو سرو د استعمال څخه په آهکې  
خاورو کې چې د افغانستان خاوري یې  
ښه مثال دي په زیاتې پیماني سره ډای  
کلسیم فاسفیت په لاس راځي او په هغو  
خاورو کې چې په زیاتې پیماني سره  
کلسیم کاربونیت ولري د مونو کلسیم  
فاسفیت لرونکو سرو د استعمال څخه  
نیو بیرایت  $(\text{Mg HPO}_4 \cdot 3\text{H}_2\text{O})$  په  
لاس راځي.

په نتیجه کې ویلی شو چې د مونو  
کلسیم فاسفیت سرو سره یو ځای د  
امونیم سلفیت، امونیم نایتریت، امونیم  
کلوراید، پتاشیم نایتریت، پتاشیم  
سلفیت او پتاشیم کلوراید استعمال د  
سري د استعمال په ځای کې د فاسفورس  
رسوب لږ کوي.

د نایتروجن او فاسفورس متقابل عمل:

### نایتروجن سري:

په افغانستان کې یوریا د یوې  
نایتروجن سري په ډول په زیاتې پیماني  
سره استعمالیږي. یوریا د افغانستان په  
شمال کې د سري او بجلې په فابریکې  
کې تولیدیږي. یوریا د امونیا او کاربن  
ډای اکساید د تعامل څخه په لاس  
راځي. یوریا په سلو کې ۴۶ نایتروجن  
لري. یوریا وروسته د استعمال څخه په  
خاورو کې په امونیم کاربونیت باندې  
بدلیږي چې یو بی ثباته مرکب دی. د  
هغه د تجزیې په نتیجه کې یوه اندازه  
امونیا آزادېږي. یوه اندازه امونیا په  
خاورو کې د ښو شرایطو په لرلو سره په  
نایترایت باندې اوړي. نایترایت هم یو  
بی ثباته مرکب دی او ډیر ژر په نایتریت  
باندې اوړي. نایتریت په اوبو کې ښه  
منحل دی او یوه اندازه یې ښایي په  
خاورو کې ښکته ومینځل شي. که  
چیرې نوموړی نایتریت د ځمکې لاندې  
اوبو ته په زیاتې پیماني سره ورسېږي د  
اوبو د ککړیدو (Nitrate Poisoning) په نوم یادېږي.

### امونیم نایتریت:

امونیم نایتریت لومړنې نایتروجنې  
سره وه چې استعمالیده او تر اوسه هم  
استعمالیږي. دا سره د امونیا او د  
ښوړي د تیزاب د تعامل څخه په لاس  
راځي. ددی سري استعمال په لنډو  
خاورو کې د نایتروجن د ضایع کیدو  
سبب گرځي. ددی سري استعمال د  
خاوري پي اچ ټیټوی چې د هغه په نتیجه  
کې یوه اندازه کلسیم، اوسپنه، منگنیز  
او جست ښایي د نبات د گټې وړ  
وگرځي. امونیم نایتریت په سلو کې ۳۳  
نایتروجن لري. ددی سري نایتروجن د  
امونیم او نایتریت د اوبو په شکلونو  
باندې وي. دا سره د خپلو انفلاقي  
خواصو د کبله خالصه نه جوړوي او  
ځینې نور شیان لکه سوپر فاسفیت  
ورسره گډوي.

### امونیم سلفیت:

دا سره په سلو کې ۲۰،۵ نایتروجن  
لري. ددی سري استعمال هم خاوري  
تیزابي کوي چې په نتیجه کې یوه اندازه  
اوسپنه، منگنیز، جست او داسې نور د  
نبات د گټې وړ گرځي. امونیم سلفیت په  
هغو خاورو کې ښه نتیجه ورکوي چې د  
نباتاتو د پاره د سلفر د کمښت ښیي.

### اصلاح شوي تخمونه:

په افغانستان کې په تخمیني توگه  
په کال کې ۱،۳ ملیونه هکتاره آبي او  
یو ملیون هکتاره للمی غنم کرل کیږي.  
په ۱۳۵۴ ه.ش. کالې کې په  
افغانستان کې په سلو کې ۳۰ اصلاح

شوی غنم کرل شوی وه. خو اوس د اصلاح شویو غنمو اندازه دلوگر، وردگ او غزنی ولایتونو په سلو کې ۵۰ تخمین کیدای شی.

په افغانستان کې د اصلاح شویو تخمونو استعمال د ډیری پخوا مودی څخه رواج موندلی دی. د جگړې څخه دمخه د کرنې او ځمکو د اصلاحاتو وزارت خو ډوله غنم پر بزگرانو باندې ویشلی دی چې ښه مثال یې مکسی پک، لندنی قبقاز، او داسی نور دی. دا هم باید په یاد ولرو چې زیاتره غنم چې بزگرانو ته ویشل کیدل د عملی څیړنو د نتیجې څخه منځ ته نه وه راغلی او د همدې کبله یې نتیجې ښی نه وې د مثال په ډول په بامیانو او هزاره جات کې به داسی ډولونه د غنمو ویشل کیدل چې په پنجاب کې به یې ښی نتیجې ورکولې. د مثال په ډول د CoAR د موسسې علمی څیړنو دا ثابتې کړه چې په منی کې په لوگر، وردگو او غزنی کې پک ۸۱ ښه نتیجه نه ورکوي اود Attay-85 حاصلات د هغو څخه د کتنې وړ اندازه زیات دی د CoAR موسسې اوس پک ۸۱ د خپلو پروگرامونو څخه لیری کړی او پر ځای زردانه او پامیر شامل کړیدی. ددی د پاره چې یو ډول غنم په سیمه کې د خلکو د خوا په ښه توگه ومنل شي نو د ژورو علمی څیړنو پر اساس یې باید گټور توب ارزیاې شوی وی او بزگرانو دا ډول څیړنی باید په خپلو سترگو لیدلی وی. د همدې کبله د CoAR موسسه د غنمو یوه علمی څیړنه د لوگر،

وردگو او غزنی په ولایتونو کې پر مخ بیایی. په نوموړې علمی څیړنه کې ۸ ډولونه غنم د سرو ۹ مختلفې اندازې او نسبتونو تر څیړنې لاندې نیولې دی ددی علمی څیړنې د څلور کلونو نتیجې تیر کال نشر ته ورسیدی.

### د اوبو لگولو سېستمونه:

اوبه لگول په افغانستان کې خاص ارزښت لري ځکه په زیاتره ځایو کې پرته د اوبو لگولو څخه د زیاتره نباتاتو کرل د اقتصادي حاصلاتو د لاس ته راتلو سبب نه گرځي. د سرې استعمال هغه وخت اقتصادي کیدی شي چې د نباتاتو د پاره په کافي اندازې سره اوبه موجودې وي. په افغانستان کې د خړوبولو د اوبو منابع د ویاو او کانالونو، چینو، کاریزو او څاگانو څخه عبارت دي. په افغانستان کې په لمريز ۱۹۷۸ کال کې په مجموعي توگه ۷۸۲۲ ویاوې او کانالونه، ۵۵۵۵۸ چینی، ۶۷۴۱ کاریزونه او ۸۵۹۵ څاگاني موجودې وې. د یوه راپور پر اساس د افغانستان ۳۵۵۰۰ هکتاره ځمکه مخکې د جگړې څخه د کاریزونو په وسیله اوبیده. کاریزونه د څاگانو په شکل لیدل کیږي چې د یوې څاه فاصله د بلې څخه په معمولي توگه ۵۰ فته (۱۵،۲۴ متره) وي. دا هم باید په یاد ولرو چې د جگړې څخه دمخه د افغانستان ۱۲۰۰۰ هکتاره ځمکه د څاگانو په وسیله خړوبیده. د جگړې په موده کې د اوبو لگولو سیستم په سلو کې ۳۰ ویجاړ شو. د افغانستان بزگرو مخکې د جگړې څخه خپلې ویاوې،

کاریزونه او چینی د اشر په ډول سره پاکولې خو د جگړې په موده کې په زیاتره ویاو او کاریزونو کې ماینونه کینېدول شول چې د همدې کبله د ویاو پاکول د بزگرانو دسویي څخه لوړ شول او په همدې ترتیب سره زیاتره کرنیزې ځمکې خاره پاتی شوی. د هلمند او سردی ژور زاهیرونه د همدې کبله د خاورو څخه ډک شول چې د هغه په نتیجه کې د مالکینو اوبو سطحې لوړې شوی او زیاتره کرنیزې ځمکې شاري پاتی شوی. د جگړې څخه دمخه به دولت د ځینو غټو بندو په جوړیدو کې د بزگرانو سره مرستی کولې او د پروژې ټول خام مواد به خلکو د اشر په نوم برابرول او خلکو به دا مسؤلیت حس کاوه چې نوموړی بند د دوی دی او دوی یې باید ساتنه په غاړه ولري.

### د کرنې ماشین آلات

#### (Farm power):

د جنگ څخه په پخوا موده کې په سلو کې ۸۵ بزگرو په غویانو باندې قلبی کولې او خپلې ځمکې به یې په همدې ډول سره کرلې. د افغانستان په سلو کې ۷۰ بزگرانو خپل قبله یان درلودل او په سلو کې ۱۵ نورو یې یوازی یو غوډه یې درلود چې هغه به یې د یوه بل بزگر د غوایی سره تړه او دواړو بزگرو په همدې توگه د کرنې چاری پرمخ بوولې. په افغانستان کې پخوا د جگړې څخه بزگرانو په سلو کې ۳ خپل تراکتورونه درلودل او خپلې چاری یې په همدې ډول پرمخ بوولې او نورو خلکو به ددوی تراکتورونه د پیسو په مقابل کې

د ساعت پر اساس استعمالول. په نوموړي موده کې په سلو کې ۵ بزگرانو خپلې ځمکې د باغونو يا د سبو د پټيو په ډول سره استعمالولي. په دې وختو کې زياتره بزگران په تيره بيا هغه بزگران چې د مهاجرت څخه وروسته خپل هيواد ته ستانه شوي دي غويان نه لري او خپلې ځمکې د تراکتور په وسيلې کړي. دا هم بايد په ياد ولرو چې اوس هم زياتره بزگران خپل تراکتورونه او تریشرونه نه لري او د نورو خلکو تراکتورونه او تریشرونه د يوه ساعت پر اساس استعمالوي او د تراکتور چټکتيا ته د هغه پيسې ورکوي. اوس د افغانستان په زياتره سيمو کې تراکتورونه او تریشرونه په همدې ډول سره استعمالیږي د هيواد په ځينو ځايو کې بزگران په خړو او ان پر اوبنانو باندې قلبی کوي.

دا هم بايد په ياد ولرو چې د افغانستان زياتره بزگران زياتې ځمکې نه لري د تراکتورونو لاري د ټولو بزگرانو کړوندو ته موجودې نه دي. نو که چيرې د چا تراکتور د بل سړي په پټي کې ځي او راځي نو ښايي چې دا کار ددې سبب شي چې د خاورې جوړښت خرابه کړي. د CoAR موسسه همدا اوس په داسې يوې علمي څيړنې باندې بوخته دي ترڅو د وطني قلبی، نه پل او دو پل اغزي د خاورې پر جوړښت او د نباتاتو په حاصلاتو باندې وڅيړي.

### کيمياوي کرنيز مواد:

د افغانستان په زياتره برخو کې د نباتاتو حاصلات د نباتي مرضونو او حشراتو په وسيله اغيزمن کيږي. ددې د پاره چې نباتات د مرضونو او حشراتو

څخه خلاص شي د کيمياوي موادو لکه Herbicides, Fungicides, Pesticides او داسې نورو سم، پر ځای او په خپل وخت استعمال ضروري بريښي. مرضونه او افتونه برسیره پردې چې د نباتاتو حاصلات لږ کوي د حاصلاتو پر کيفيت باندې هم ناوړه اغيزه کوي. د دواگانو د استعمال يا رانيولو په وخت د دوا د جوړلو او استعمال آخری نيتي (Exiredate) ته جدې توجه پکار ده. څرنگه چې زياتره نباتي دواگانې زهری مواد دي نو د همدې کبله د هغوی د بې نظمه استعمال څخه بايد مخنيوی وشي. د دواگانو په استعمال کې هره غلطی د نبات پر زيان تماميږي. د مثال په ډول پرونو باندې د D.D.T استعمالول ښايي د بې د منځه تلو سبب وگرځي. په افغانستان کې په دې وختو کې د نباتاتو د ساتنې زيات شمير مامورين نشته د همدې کبله دي چې د مرضونو او افتونو زيانونه زيات ليدل کيږي. کيمياوي کرنيز مواد بايد په يوه سم ځای کې وساتل شي.

### مالداري:

مالداري په افغانستان کې يو ښه صنعت وه. د حيواني محصولاتو د خرڅلاو د پيسو څخه يو زيات شمير بزگران کولی شي چې خپل د ضرورت وړ نور مواد تر لاسه کړي. هغه کورنۍ چې مالداري لري د کور په غرو کې بې پروتئين د کمښت نښې نه ليدل کيږي ځکه زياتره بزگران په خپلو کورونو کې يوه غوا او څو چرگان لري. په عمومي توگه د جگړې څخه پنخوا په افغانستان کې د پسو او وزو شمير ۲۵ ميليونو ته رسیده په داسې حال کې چې دغويو او

غواگانو شمير ۳،۶ ميليونه ته رسیده. د آسونو، اوبنانو او خړو شمير په ټول هيواد کې دو ميليونو ته رسیده. دا هم بايد هير نکړو چې د جگړې په موده کې هم د څارويو شمير کم شو او هم د توليداتو په کيفيت کې بې ناوړه تغيرات رامنځ ته شول. همدارنگه د جگړې په موده کې د نباتي مرضونو په شان حيواني مرضونه هم زيات شويدي.

### ځنگلونه:

ځنگلونه د کليو او باندو د خلکو د پاره خاص ارزښت لري. ځنگلونه د انرجي، صنعتي لرگيو، انساني غذاگانو، د څارويو د وښو په برابرلو کې په زړه پورې مرسته کوي. ځنگلونه د پاکي هوا په پيدا کولو کې زيات ارزښت لري. زياتره وحشي حيوانات په ځنگلونو کې ژوند کوي. ځنگلونه د باد او اوبو په مقابل کې خاوره ساتي. په افغانستان کې د ځنگلونو د دومره گټورتوب ترڅنگ د ځنگلونو د څارنې او ساتنې يو منظم پروگرام نه ليدل کيږي ځکه د پکتيا لرگي زياتره پاکستان ته ولاړه او د پکتيا ځنگلي ځمکې اوس بيخي لوڅي بريښي د کنړ ځنگلونه هم په ډيره بې رحمۍ سره قطع کيږي او هيڅوک ددې کار مخه نه نيسي. ځيني غير دولتي موسسې (NGOs) په ځينو ځايو کې د ځنگلو په بيرته رامنځ ته کولو کې مرستې کوي خو دا کفايت نه کوي ځکه په کال کې د قطع شويو ونو شمير څو واري د نويو نيالگيو په پرتله زيات دي.



نویسنده: محمد اکبر «بابری»

# اقسام و انواع پیوند

میگردد تنها دنباله برگ را به اندازه (۶) ملی متر بالای شاخچه گذاشته و برگ های آن توسط چاقو یا قیچی باغبانی قطع شود. زیرا عملیه تبخیر از سطح برگ صورت گرفته و شاخچه به زودی شادابیت خود را از دست میدهد در صورتیکه عملیه پیوند برای چندین ساعت ادامه پیدا میکند، بهتر خواهد بود تا شاخچه ها را در يك طرف آب بگذارند تا مرطوبیت خود را از دست ندهد. اگر شاخچه ها به منظور پیوند به جا های دور ارسال میگردد شاخچه ها به طول مساوی بریده شده و در دسته های ۱۰-۲۰ عددی یکجا کرده و هر دسته توسط تار و یا رابر طوری بسته شود که خساره به پونگ ها نرسد و دو نوك شاخچه بعد از آنکه برگ ها قطع گردید با موم و یا برافین پوشانیده و انجام آن به تکه ثنناک پوشانیده شود و از هر درختیکه پیوند گرفته میشود باید نام همان نوع درخت نوشته شود تا در پیوند آن اقدام گردد عموماً برای اسکنه پیوند زیانچه پیوند قلمه پیوند (ساین) از دوره استراحت درختان میوه که يك فصل نمویی خود را سپری نموده باشد انتخاب میگردد.

تطبیق میگردد. بعد از عملیه پیوند (به هر طریقه که صورت بگیرد) نمو و انکشاف وقتی انجام میپذیرد که طبقه کامبیم (Cambium) و دیگر حجرات مرستمتیک که سازنده و تولید کننده دیگر انساج نمویی میباشد، با تماس یکدیگر یعنی طبقه کامبیم پایه مادری با طبقه کامبیم قلمه و یا پونگ در نقطه اتصال نماید. بر علاه کامبیم که بین پوست و چوب درخت موجود است) چندین طبقه حجرات نازک دیگر نیز موجود بوده که تفریق آنها از یکدیگر مشکل است بدین اساس در وقت عملیه پیوند بسیار احتیاط کرده شود که همین طبقه کامبیم از بین نرود و در غیر آن عملیه پیوند به ناکامی می انجامد.

## انتخاب پیوند:

شاخچه که از آن به منظور پونگ پیوند استفاده میشود اولاً باید از درخت های سالم بوده ثانیاً شاخچه نو به قدر کافی در همان سال نمو کرده و قطر شاخچه های انتخابی حد اقل باید به اندازه قطر پنسل بوده باشد شاخچه هائیکه برای گرفتن پیوند از درخت قطع

اینکه باغداران قوریه جات و باغ های خود را چه قسم و چه وقت پیوند نمایند مربوط میشود به نوع درخت، عمر درخت و وقت و زمان که هر کدام از پیوند ها دارای طرز العمل علیحده میباشد که ذیلاً از آنها یاد آور میشویم.

الف: پیوندیکه با اتصال پوست و پونگ صورت میگیرد مانند پونگ پیوند (تی پیوند) و نیچه پیوند.

ب: پیوند بر علاوه پوست و پونگ در اتصال آن از چوب درخت کار گرفته میشود مانند اسکنه پیوند، پیوند مجاورتی، زیانچه پیوند، پیوند به تماس پوست، پرخچه پیوند، پل پیوند و غیره. در قوریه جات برای نهال های دو سال عموماً باید از پونگ پیوند استفاده بعمل بیاید چرا که پوست از چوب به آسانی جدا میشود و در اثر مراقبت و آبیاری، موفقیت این نوع پیوند زیاد میباشد. پیوند که در اتصال آن از چوب درخت کار گرفته میشود عموماً در باغ ها و درختانی که عمر آنها زیاد و یا در اثر بعضی عوامل از قبیل عملیات زراعتی و امراض و آفات نباتی شاخچه های آنها از بین رفته باشد عملی و

## وقت پیوند:

عملیه پیوند در تمام فصل های سال امکان پذیر میباشد پیوندیکه در اوایل بهار صورت میگیرد در حالیهست که پونگ به حالت استراحت قرار داشته و نهال که پیوند بالای آن عملی میگردد تازه به نمو خود شروع میکند البته تا وقت آماده شدن نهال برای پیوند شاخچه هائیکه به این منظور استفاده میگردد در جاهای مرطوب زیر خاک نگهداری شود و یا اینکه در پلاستیک پوشانیده در جای سرد گذاشته شود. پیوند که در آواخر بهار و تابستان عملی میشود در این صورت شاخچه که از آن پیوند گرفته و بالای نهال عملی میگردد هر دو به حالت نمو میباشد کوشش شود پیوند در درجه حرارت بلند که باعث کندی جریان شیره نباتی به داخل پایه مادری و پونگ میگردد صورت نگیرد. و جهت پائین نگهداشتن درجه حرارت میتوان توسط آبیاری محیط قوریه را مرطوب و آماده عملیه ساخته و چانس گرفتن نموک پیوند را سریع ساخت. نسبت بطنی بودن نموی درخت در تیرماه پیوند تیر ماهی در طول زمستان به حالت استراحت بوده و در اوایل بهار شروع به نمو مینماید. دانستن وقت پیوند تیر ماهی در گرفتن و نموک پیوند اهمیت مهم دارد. زیرا پیوند قبل از وقت که باعث نموی پیوند در تیر ماه میگردد در زمستان نسبت سردی هوا و ضعیفی پیوند خشک میشود بهترین موقع برای

شروع پیوند اوایل برج جوزا میباشد. پیوند که در زمستان عملی میشود اینست که توسط پوست و پونگ صورت نگرفته بلکه طرزالعمل پیوند در زمستان طوری است که در اوایل زمستان نهال همراهی ریشه آن گرفته شده و عملیه پیوند که بنام زیانچه پیوند یاد میشود بالای نهال مذکور عملی میگردد. بطور عموم دو پونگ بالای نهال گذاشته جهت نگهداشت نهال باید

میباشد در غیر آن امکانات گرفتن پیوند کم است در کابل، لوگر، غزنی، وردک بهترین موقع برای پیوند از اوایل برج حوت الی ۲۵ حوت بوده که باز هم نظر به شرایط اقلیمی منطقه فرق میکند پل پیوند هم در اوایل بهار و قتیکه درخت شروع به فعالیت نماید و پوست درخت به آسانی جدا شده بتواند اجرا میگردد. اما بعضی اوقات نظر به ضرورت در آواخر بهار هم امکان پذیر میباشد.

عملیه پیوند در تمام فصل های سال امکان پذیر میباشد پیوندیکه در اوایل بهار صورت میگیرد در حالیهست که پونگ به حالت استراحت قرار داشته و نهال که پیوند بالای آن عملی میگردد تازه به نمو خود شروع میکند البته تا وقت آماده شدن نهال برای پیوند شاخچه هائیکه به این منظور استفاده میگردد. در جاهای مرطوب زیر خاک نگهداری شود و یا اینکه در پلاستیک پوشانیده در جای سرد گذاشته شود

## اهمیت فواید پیوند:

۱- برای تعویض نمودن درختان مشمر خصوصاً در باغ های میوه که امکان دارد يك تعداد درختان نظر به بعضی عوامل مثلاً عدم مراعات فاصله گذاری بین درختان در ابتدای احداث باغ که در نتیجه درخت ها بطور انبوه و جنگلی عرض اندام نموده باشد برای حل این معضله از طریق پیوند میتوانیم درخت ها را دو باره جوان ساخته و قابلیت بهره

آنها تا مساعد شدن شرایط محیط در جای مناسب و یا گل خانه به شکل افقی گذاشته و توسط ریگ مرطوب پوشانیده شود و همچنان زیانچه پیوند در تیرماه و اوایل بهار نیز نتیجه مثبت میدهد. بهترین موقع برای اسکنه پیوند و پیوند به قماس پوست که بنام پوست پیوند نیز یاد میگردد اوایل بهار زمانیکه پونگ به حالت باز شدن باشد و پوست درخت به آسانی جدا شده بتواند

دهی به آنها ببخشیم.

۲- تکثیر انواع درختان مقاوم برای جلوگیری از شیوع امراض و آفات نباتی که بدین منظور میتوان از پیوند استفاده نمود. بدین معنی که بعضی اوقات يك یا چندین نوع سیب و یا دیگر انواع درختان میوه در محیط ماحول خود به شرایط اقلیمی منطقه سازش نکرده و مبتلا به امراض و آفات نباتی میگردد برای اینکه از این نقیصه جلوگیری شده باشد بهتر است از انواع مقاوم توسط عملیه پیوند استفاده شود.

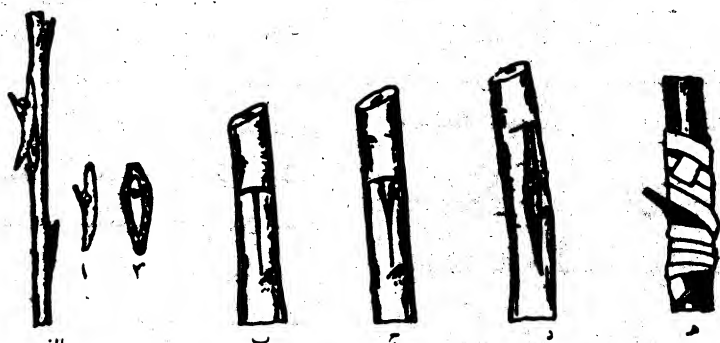
۳- برای تکثیر نمودن جنس مطلوب از انواع نباتات اصلاح شده از عملیه پیوند استفاده مینمایند، زیرا تکثیر از طریق تخم میوه جات سبب تغییرات ارثی در آن میگردد یعنی نباتاتی که ذریعه تخم (بصورت زوجی) تکثیر میشود خاصیت ها و مشخصات والدین خود را از دست داده و در آنها تفکیک (سگریشن) رخ میدهد. (جدا شدن صفات قابل رویت را در نسل دوم بعد از ترویج، تفکیک یا سگریشن مینامند) برای اینکه خاصیت های خوب درختان حفظ و در نسل های آینده شان انتقال یابد ایجاب مینماید که بصورت غیر زوجی تکثیر گردند.

۴- بعضی اوقات دیده شده است که حیوانات و یا ماشین آلات زراعتی يك قسمت درختان را صدمه رسانیده و برای اینکه درخت از بین نرود برای تعمیر و ترمیم قسمت های زخمی شده و متضرر

شده آنها ایجاب پیوند را مینماید.

۵- در بعضی باغ ها که میوه آنها از نگاه کمیت و کیفیت خوب نمی باشد و یا به اصطلاح مارکیت خوب نمی داشته باشد برای احیای مجدد باغ از طریق دو باره شانیدن نهال از انواع پر حاصل وقت زیادت را ایجاب مینماید تا درخت ها بتوانند به حاصلدهی خود

سیستم ریشه بسیار خوب و قوی بوده و در مقابل شرایط محیطی، خاک و امراض و آفات نباتی از خود مقاومت نشان داده ولی کمیت و کیفیت تولیدی شان خوب نمی باشد. لذا برای رفع این مشکل ایجاب مینماید از يك نوع مناسب و مورد نظر پیوند (ساین) را تهیه نموده و بالای پایه های مادری که



الف پیوند الف- طرز جدا نمودن پونگ از قلمه پیوند. ۱- پونگ قطع شده. ۲- قسمت داخلی پونگ. ب- طرز قطع کردن بشکل (T) بالای پایه مادری. ج- آماده شدن جای برای پونگ. د- جایجا نمودن پونگ در پایه مادری. ه- طرز بسته نمودن پیوند.

دارای سیستم ریشه خوب و مقاوم در مقابل امراض و آفات نباتی بوده و مقاومت در شرایط محیطی و خاک داشته باشد پیوند گردد.

۷- به نموی نهال ها و همچنان حاصل دهی درختان مورد نظر عملیه پیوند طوریکه دیده شده است سرعت میبخشد، به این معنی که درختان مشمریکه ذریعه تخم به وجود میآیند هرگاه به حال خود شان بشکل طبیعی گذاشته شوند تا سر حاصل بیایند، مدت

شروع نمایند. پس بهتر است از طریق های پیوند استفاده شود و یا امکان دارد تمام درختان باغ از نوع باشد که نتوانند یکدیگر را بصورت درست القاح نمایند. باز هم ایجاب مینماید که درختان از انواع مختلف پیوند شوند که نه تنها يك القاح کننده خوب برای خود بلکه برای دیگر درختان هم جوار خود نیز شده بتوانند.

۶- در بعضی انواع که پایه مادری ذریعه تخم به وجود میآید دارای



گذاشته شوند تا سر حاصل بپایند، مدت زیاد تر یعنی ۵-۷ سال را دور میگیرد اما توسط پیوند کردن به نموی نهال ها سرعت بخشیده و مدت سر حاصل آمدن را به حد اقل تقلیل میدهد.

۸- برای بقاء و تکثیر يك كلون امکان تکثیر بواسطه دیگر طریقه های تکثیر غیر زوجی نا ممکن و یا امکان آن بسیار کم است لذا يك نهائی را که دارای خاصیت خوب است و در اثر تکثیر زوجی و یا غیر زوجی به وجود آمده است، برای اینکه همین خاصیت خوب وی حفظ و نبات متذکره زیاد گردد باید نبات را بصورت غیر زوجی تکثیر نمود مثلاً کلون های بعضی از انواع درختان از قبیل بادام، چارمغز و یا بعضی درختان چوبی دیگر که بواسطه طریقه های دیگر تکثیر غیر زوجی شده نمی تواند بدین لحاظ برای تکثیر آنها از پیوند استفاده میشود.

#### پونگ پیوند (تی پیوند)

به دلیل اینکه پونگ پیوند و یا تی پیوند زیاد تر در قوریه جات و نهال های جوان مروج میباشد، طرز العمل آنرا به شکل فشرده یاد آوری مینمائیم تا از این طرز العمل در وقت پیوند استفاده اعظمی شود.

این نوع پیوند عموماً بالای نهال های دو ساله یعنی پایه و یا نهال که به شکل صحیح نمو کرده باشد صورت میگیرد. طرز العمل پیوند این است که ۸-۱۰ سانتی متر از سطح زمین به

سمت ورزش باد توسط چاقوی پیوند يك خط عرضاً کشیده و بعداً طولاً به طرف پائین نهال با اندازه ۲۰ سانتی متر نیز خط کشیده شود کوشش شود که نوك چاقو به چوب درخت و یا نهال نرسیده تنها پوست آنرا قطع نماید بعداً توسط نوك چاقو، پوست از چوب به آهستگی جدا گردد. در حصه پونگ که به منظور پیوند از شاخچه گرفته میشود بسیار احتیاط لازم است تا کدام صدمه به پونگ نرسد. بدین ملحوظ اولاً شاخچه بدست چپ طوری گرفته شود که انگشت شهادت زیر پونگ قرار گیرد.

بعداً بدست راست چاقو را گرفته انگشت کلان دست راست به زیر پونگ که قطع میگردد تماس داشته و توسط چاقو به اندازه (۳) سانتی متر پونگ همراه يك قسمت چوب از شاخچه جدا شود و بعداً قسمت چوبی را که در قسمت عقب پونگ میباشد به آهستگی

جدا کرده و احتیاط کرده شود که چشمك پونگ از بین نرود و بعداً به آهستگی از طرف بالا به پائین پونگ را به داخل حصه که به منظور پیوند قطع گردیده فشار داده تا بصورت درست جابجا گردد. در شکل به وضاحت مشاهده شده میتوانند، بعداً توسط تکه که با موم به همین منظور تیار گردیده یا بعضی مواد دیگر از قبیل پلاستیک، تیوپ بایسکل و یا

پوست درخت طوری بسته گردد که از جریان هوا در داخل پیوند جلوگیری گردد. و هم مانع داخل شدن حشرات و بعضی آفات نباتی گردد. بعد از عملیه پیوند حصه بالای نهال یعنی (۱۰) سانتی متر بالاتر از محل که پیوند در آنجا صورت گرفته قطع گردد. بعد از ۱۲-۱۵ روز وقتیکه بقدر کافی رشد نمود همان اندازه که قبلاً گذاشته شده بود بالاتر از محل پیوند قطع و به روی محل قطع شده موم مالیده شود. محل پیوند که توسط تکه موم زده شده یا تیوپ بایسکل و غیره مواد بسته گردیده بود بعد از دو هفته باز و یا قطع گردد طوری که برای پیوند کدام خساره وارد نشود. وقتیکه شاخچه های جانبی پائینتر و بالاتر از محل پیوند به وجود میآید به زود ترین وقت از بین برده شود تا مواد غذایی که از زمین گرفته میشود به صورت درست به محل پیوند برسد.



توریه تحت عملیه پیوند

# نقش منرال فاسفور زندگی حیوانات

داکتر غلام سعید

منرال های مهم که برای عضویت حیوانات نشخوار کننده ضروری شمرده میشود عبارتند از:

مس، کلسیم، فاسفورس، کربالت و نمک طعام.

ضرورت نمک در گا و های شیری ۴۶٪ غذای روز مره را تشکیل میدهد و در گاو های که شیر نمی دهند این ضرورت به ۲۵٪ تقلیل مییابد.

کلسیم و فاسفورس:

منابع مهم کلسیم را ریشه و شبدر تشکیل میدهد، این دو نبات در ترکیب خویش مقدار کم فاسفورس نسبت به کلسیم دارد. کمبود کلسیم باعث امراض استخوان شده خصوصاً يك مرض که بنام Osteoprosis یاد میشود از قلت کلسیم بمیان میآید. درین مرض حیوانات در حرکات و قدم زدن بسیار ضعیف به نظر میخورند، همچنان کمبود کلسیم باعث مریضی Milk Fever نیز میگردد. این واقعات اکثراً بعد از زایمان بر جسته و واضح میباشد تناسب کلسیم و فاسفورس برای تولید شیر نموی حیوان ۱:۱ تعیین شده است. حیوانات حامله دو هفته قبل از تولد چوچه روزانه به ۳۰ گرم کلسیم ضرورت

دارد. بعد از تولد این ضرورت در غذای روز مره حیوان به ۱۵-۲۰۰ گرم میرسد. منابع مهم کلسیم و فاسفورس را مغز برنج، کنجاره، پودر استخوان و دای کلسیم فاسفیت تشکیل میدهد. ارزانتترین منبع کلسیم را سنگ چونه (lime stone) تشکیل میدهد، غذا های حیوانی که در ترکیب آن کلسیم و فاسفورس شامل است عبارتند از: ریشه، شبدر، مغزگندم، کنجاره، مغز استخوان، سنگ چونه، دای کلسیم فاسفیت، پنیر و غیره.

فیصدی کلسیم و فاسفورس در نباتات مختلف قرار ذیل نشان داده شده است:

نوع نبات	فیصدی فاسفورس	فیصدی کلسیم
ریشه	۰.۲۷	۱.۹۱
شبدر	۰.۳۴	۲.۰۰-۳
مغزگندم	۱.۱۷	۰.۱۱
کنجاره	۱.۲۱	۰.۱۶
پودر استخوان	۱۳.۲	۲۹.۰۰
سنگ چونه	۰.۰۲	۳۶.۰۰

کمبود فاسفورس در بره های در حال رشد و جوان در عمر چهار ماهگی رخ میدهد درین حالت استخوان بره مبتلا به کمبود فاسفورس نرم بوده و پوره نمونی کند خصوصاً استخوان های قسمت

منابع مهم کلسیم را ریشه و شبدر تشکیل میدهد، این دو نبات در ترکیب خویش مقدار کم فاسفورس نسبت به کلسیم دارد. کمبود کلسیم باعث امراض استخوان شده خصوصاً يك مرض که بنام Osteoprosis یاد میشود از قلت کلسیم بمیان میآید.

الاشه پائین به اندازه نرم میباشد که به بسیار آسانی قات میگردد.  
آبودین:

آبودین برای حیوانات جهت ساختن هورمون های Thyroxin and Iodo thyro globuline مهم شمرده میشود هورمون های متذکره از غده تائیروئید افزاز میگردد و بالای نموی عضویت، تولید نسل و تولید شیر تاثیر میکند. اگر يك گاو

حامله به قلت آبودین مبتلا باشد در گوساله های نو تولد جاغور (Goiter) پیدا میگردد. بعضی مواد که بنام Goiterogenic یاد میشود اگر در غذای روز مره حیوانی موجود باشد پروسه تولید آبودین را متاثر ساخته و ضرورت آبودین و خود را اضافه میسازد. ازین مواد یکی آن Raw soybean کرم، شلغم زرد، دانه کتان و غیره میباشد.

واقعات قلت آبودین در گاو های که اضافه تر از چراگاه استفاده مینمایند کمتر میباشد، دلیل آن اینست که علوفه و گیاه های چراگاه قدرت جذب آبودین را از زمین دارد.

منابع مهم آبودین را اب، پودر ماهی، گیاه های هرزه بحری و نمک های

که در آن آبوداید علاوه شده باشد (Iodized salt-0.07) و پتاشیم آبودین (KI-0.01) و غیره تشکیل میدهد. قلت آبودین را میتوان ذریعه پودر های منرالی یا ذریعه نمک های که در ترکیب آن فیصد آبودین علاوه شده باشد علاج نمود. کمبود آبودین باعث بوجود آمدن جاغور، کم شدن افزازات Thyroxin و متاثر ساختن دوره



مرض Rickets (bent-leg) که از قلت فاسفورس و ویتامین D به میان آمده

حاملگی در حیوانات میشود.

### کوبالت:

کوبالت برای فعالیت های

Rumen حیوانات نشخوار کننده ضروری شمرده میشود. اگر کوبالت در غذا های روز مره گاو ها کم باشد تولید Vit.B12 متاثر شده بالاخره باعث کم خونی در حیوان میگردد. خاک و گیاه های بسیاری مناطق فاقد کوبالت میباشد، لهذا در حیوانات این مناطق قلت کوبالت دیده میشود. در بعضی ممالک مانند امریکا و نیوزلند برای جلوگیری از قلت کوبالت در زمین های زراعتی کوبالت را علاوه میکنند مثلاً در امریکا و نیوزلند در هر ۲.۸.۷ فت مربع زمین به مقدار پنج انس فی اکر سالانه یا ۱۵۰ گرام کوبالت سلفیت را علاوه میکنند. نباتات پلی دار در خوراکه حیوانی نظر به گیاه در ترکیب خویش مقدار زیاد کوبالت دارد. جواری نیز در ترکیب خویش مقدار کم کوبالت دارد. بر خلاف دانه کتان غنی از کوبالت میباشد. کمبود کوبالت در گاوها باعث کم خونی، کم اشتها، ضعف عمومی، کم شدن شیر و ناقص بودن اعضا، در چوپه نوزاد میگردد. برای جلوگیری از قلت کوبالت میتوانیم که در غذا ها روز مره گاو کوبالت را علاوه کنیم. مثلاً دو گرام (2gr) کوبالت سلفیت را در یک تن دانه باب مخلوط نموده به حیوان خوراندن شود در گوسفند ها برای علاج کوبالت میتوانیم که به اندازه یک ملی گرام (1mg) کوبالت را

هفته یکبار، به آنها بخورانیم.

به شکل وقایه میتوانیم که يك ملی گرام کوبالت در خوراك علاوه نمائیم. همچنان میتوانیم که در ۴۵ کیلوگرام نمك به اندازه ۱۵-۳۰ گرام کوبالت سلفیت یا کوبالت کلراید را مخلوط نمائیم و برای جلوگیری از قلت کوبالت در گاو ها و گوسفند ها استفاده نمائیم.

مس:

مس در فعال نگهداشتن سیستم های انزایمی که در ساختن هموگلوبین سهم فعال میگیرد يك عنصر مهم شمرده میشود.

همچنان مس در منسجم نگهداشتن مغز استخوان، تولید رنگ جلد، رنگ موها و نموی موها، رول مهم را بازی میکند. گاو های شیری مس مورد ضرورت عضویت خویش را از علوفه (Forage) بدست آورده میتوانند در صورتیکه در ترکیب نبات قابل استفاده مس کمتر از ده حصه دريك ملیون نباشد. کمبود مس در گاو ها سبب کم خونی، بطی شدن نمو، اسهال، بزرگ شدن قسمت های اخیر استخوان و کم رنگ شدن موها میگردد. همچنان تولید شیر در گاو های شیری پائین آمده و وضع عمومی حیوان بسیار ضعیف شده بالای سیستم عصبی (CNS) تأثیر نموده و در حرکات حیوان عدم توازن رخ میدهد که همراه با

از دست دادن بینائی چشم میباشد و بالاخره سبب مرگ حیوان شده این مریضی را بنام (Sway back) یا Enzotic- ataxia یاد میکنند. برای جلوگیری از قلت مس میتوانیم ۰.۲۵ گرام از کوپر سلفیت را در هر ۴۵ کیلو گرام وزن حیوان توصیه نمائیم.

• ضرورت مس برای گاوها ده حصه

مس در  
فعال نگهداشتن  
سیستم های انزایمی  
که در ساختن هموگلوبین  
سهم فعال میگیرد  
يك عنصر  
مهم شمرده  
میشود.

دريك ملیون و برای گوسفند ها پنج حصه دريك ملیون میباشد. درین زمینه باید که محتاط باشیم، زیرا اگر مقدار مس از حد معین آن اضافه میشود باعث تصمات در حیوان میگردد.

مگنیشیم:

مگنیشیم از جمله عناصر مهم و ضروری وجود حیوان به شمار میرود، تقریباً ۶۰ فیصد مگنیشیم در استخوان

ها پیدا میشود.

نسبت کلسیم و مگنیشیم برای وجود حیوان ۱:۵۵ میباشد. به تناسب مختلف تقریباً از ۱۵-۵۰ فیصد در پروتین سیروم یکجا میباشد و منحث فعال کننده در سیستم های انزایمی عمل مینماید خصوصاً در تبادل انرژی سهم فعال میگیرد. قلت کلسیم در گوساله ها باعث شخی عضلات (Tetany) شده همچنان در صورتیکه در تناسب کلسیم و مگنیشیم تفاوت قابل ملاحظه رخ دهد نیز واقعات Tetany می دهد قلت مگنیشیم عموماً در گوساله ها در عمر ۲-۴ ماهگی رخ میدهد. در صورتیکه به گوساله های جوان تنها شیر تغذیه شود یا در زمان تغیر ناگهانی خوراك از شیر به علوفه نیز باعث کمبود مگنیشیم میشود یا اینکه در سیستم هاضمه خرابی رخ میدهد. هرگاه مگنیشیم از طریق روده ها به اندازه کافی جذب نشود قلت مگنیشیم رخ میدهد قلت مگنیشیم را در گوساله ها میتوان در مرحله اولی با استعمال صد ملی لیتر محلول ۱۵ فیصده مگنیشیم سلفیت از طریق زرقی زیر پوست و بعداً به اندازه ۱۰-۱۵ گرام مگنیشیم اوکساید روز مره به حیوان از طریق دهن کنترل نمود. از همین طریق میتوان برای جلوگیری از قلت مگنیشیم در گوساله ها نیز استفاده نمود. ■



لیکونکی ډاکټر غلام محمد بهرام

# د ټولنې پراختیا

## Community Development

صورت کې ولټول شي خو د ټولنې دننه د پراختیا منبع د ټولنیزې پراختیا په ثبات کې ستر رول لوبوي.

ددې لپاره چې د پراختیا په مفهوم او خصوصیاتو باندې پوره رڼا اچول شوي وي ښه به دا وي چې د پراختیا (Development) او کمه پراختیا (Under development) افادې تر ژورې کتنې لاندې ونيول شي ترڅو ولیدل شي چې د ټولنې د پراختیا لپاره کوم کوم معیارونه او شاخصونه په نظر کې نیول کېږي.

### کمه پراختیا

(Under development)

کمه پراختیا او پراختیا سره دواړه ترلې افاده دي. ددغو افادو د ماهیت او خصوصیاتو پوهیدو سره دې چې دکمې پراختیا او پراختیا شاخصونه توپیرې ښې څرگندوي.

په دې اړه دا ضروري ښکارې چې د کمې پراختیا سره آشنائي او بلدیت حاصل شي. د کمې پراختیا ښې راسپړل او روښانه کول د پراختیا په لور د ستراتیژي په ټاکلو او بسیا کولو کې ستره مرسته کوي. ځینې خلک داسې

ددې کار لپاره د ستونزو ماهیت او خصوصیات په نظر کې نیول کیږي دا ځکه چې پروبلېمونه له یوې خوا زیات او په زیاتیدونکې حالت کې دي او بله خوا ډول ډول او پیچلې ښه لري. د ټولنې د پراختیا پلان په چوکات کې د دې ډول ستونزو او پراختیایي هدفونو ترمنځ انډول ته زیاته پاملرنه کیږي ترڅو د پراختیایي پلان د طرح او تطبیق په نتیجه کې ټولنیزه پراختیا د ټاکلې لوري په رڼا کې منځ ته راشي.

د ستونزو او هدفونو د بدلون په درشل کې پراختیا هم یوه دوام لرونکې پروسه ده دغه پراختیایي پروسه همیشه خوځنده حالت لري چې د ستونزو او هدفونو د خصوصیاتو او ماهیت له مخې منځ ته راځي. د ټولنې په بیلو سکتورونو کې لکه کرنه، صنعت، ښوونه او روزنه، روغتیا او داسې نور پراختیا تر نظر لاندې نیول کیږي او په دې توګه د ټولنې هره برخه لازم پراختیایي بدلون لاس ته راوړي. د ټولنې د پراختیایي منبع یا سرچینه کیدی شي په ټولنه کې دننه یا باندې او هم ددغو دوو منابعو د مختلط حالت په

ټولنه د یوې پدیدې په توګه د بدلون څخه خالي نه ده. ټولنه همیشه په بدلون کې وي او له یوه کیفی حالت څخه بل کیفی حالت ته بدلون مومي چې البته دا نوی ټولنیز کیفی حالت د یو لړ بدلونونو نتیجه ده. ټولنیزه پراختیا له همدې ځایه څخه پیل او د محاسبې وړ بلل کیږي. دا پوره روښانه ده چې هر بدلون د پراختیا سبب نه کیږي بلکې هغه بدلون چې په ټولنه کې مثبت او نور ماتیف رول ولري.

د ټولنې د پراختیا په لاره کې بدلون د یوه ځانګړي حالت څخه چې ورته ټولنیزه مبدأ (Bench mark) ویل کیږي پیل کیږي. له دې مبدأ څخه هر هغه مثبت بدلون چې منځ ته راځي د ټولنیزو ستونزو حل منځ ته راوړي هغه ته پراختیایي بدلون ویل کیږي. د پراختیایي بدلون په نتیجه کې ده چې پروبلېمونه حل او پراختیایي هدفونه سر ته رسیږي.

د ټولنیزو منابعو د محدودیت او کموالی له امله لازمه ده چې باید پراختیایي هدفونه په لږو اقتصادي او ټرینیز لګښتو سره ستره ورسېږي.

کر نیز محصولات زیاتوی خو بیا هم د هغو زیاتیدونکو لگښتونو په پوره کولو کې کم راځي کوم چې د روغتیا او ماشین آلاتو په راوړلو کې لگيږي. نه یوازې ځانگړې وگړي او ډلې بلکې حتی هیوادونه ورځ په ورځ غریب کیږي.

دا په دې معنی چې شتمن لا زیات شتمن او غریب لا غریب کیږي. همدغه

نه راځي چې د هغه د کورنۍ ورځ په ورځ زیاتیدونکې لگښتونه پوره کړي نو ځکه هم مجبور کیږي چې په غیر صحي شرایطو کې ژوند وکړي په کم غذایي موادو باندې ورځ تیره کړي، اولاد نې کمه او یا هیڅ ښوونه او روزنه تر لاسه نه کړي او ډول ډول ناروغيو سره لاس په گریوان شي. همدارنگه ددغې کمی

فکر کوي چې کمه پراختیا د ځینو شیانو لکه د پوهې، مهارت، تمویل او د خدماتو کموالی دی، په دې اړه پراختیا به هغه وخت منځ ته راځي چې د ښوونې او روزنې پروگرامونو ماشین آلاتو، پرسونلو، سرکونو، اوبو، فابریکو، کلینیکونو، د عایداتو او داسې نورو په برخه کې زیاتوالی راشي. دلته ډیره زیات په پاملرنه ددغو شیانو په زیاتوالی او سمبالولو کې ددې چې اقتصادي او ټولنیز پرمختګ په نتیجه کې منځ ته راځي. د ملي تولیداتو او عایداتو زیاتوالی چې د سړي په سر په سر تولید او عاید څرګندوي. دا ډول پرمختګ غوره شاخصونه بلل کیږي. کیدی شي چې ددغو شاخصونو او پرمختګ خصوصیاتو په چوکاټو کې د پرمختللو، لږ پرمختللو او ډیر لږ پرمختللو هیوادونو صنف بندی هم وشي.



CoAR د موسسې په مرکزي دفتر کې DHSA، CoAR او RDA غړي د ټولنې د پراختیا په یوه ورکشاپ کې لیدل کیږي

وجه ده چې د مجبوریت له مخې غریب په شتمنو تکیه کوي چې په حقیقت کې دغه ترلتوب یا تکیه د غریبي یوه ډیره فعاله پروسه څرګندوي او د کمې پراختیا سبب ګرځي په دې توګې سره دا ثابتیږي چې کمه پراختیا د ځینو شیانو او وسایلو په نشتوالي کې نه بلکې د ترلتوب یا تکیې په درشل کې منځ ته راځي.

که چیرې دا عقیده وي چې کمه پراختیا د شیانو او وسایلو په چمتو کولو پورې اړه لري نو د کار طریقه به دا

پراختیا په پروسه کې ډیر خلک حتی بیکاره یا کم بیکاره، مخفی بیکاره او یا موسومي بیکاري سره مخامخ کیږي چې ددې لښکر په زیاتیدو سره په ټولنه کې اقتصادي، سیاسي، ټولنیز او کلتوري فسادونه منځ ته راځي چې که چیرې مخه نې ونه نیول شي ټولنې او هیوادونه به له سترې تباهی سره مخامخ کیږي.

لیدل کیږي چې ډیر هیوادونه د داسې نسبي پراختیا په لور حرکت کوي

که پراختیا د شیانو په نشتوالي او یا کموالی پر بنسټ د پراختیا په لور ستراتیژي او لوري د یو لړ ګوډیو او ستونزو سره مخامخ کوي چې له داسې شرایطو څخه وتل ډیر ګران دي. دا ډول پوه د نه پراختیا حقیقي او رښتینې نه معرفي کوي. ددې ډول کمی پراختیایي پروسې په نتیجه کې دی چې ځینې وگړي او هیوادونه په ډیره چټکۍ سره ورځ په ورځ د غربت په لوري ګامونه پورته کوي. دا جوت ده چې عادي کار کوونکي که حتی سخت او زیات کار هم وکړي خو بیا هم دومره عاید نې لاس ته

وی چې د غریبو لپاره مرسته لکه خوراک، پوشاک او داسې نور ضروری وی چې ورکړل شي او یا دا چې د دوی سره کار وشي ترڅو د نورو په شان د پراختیا په لور وخوځي خو که چیرې کمه پراختیا یوه داسې پروسه وي چې د هغې په ذریعه په دوامداره او دینامیکه توګه سره خلک د غریبې او بی وزلۍ په لور خوځېږي نو په دې ډول سره د کار طریقه باید داسې وي چې ټولنه دوباره په نوي طریقې سره تنظیم او وخوځول شي. د ټولنې جوړښت باید داسې بدلون ومومي چې په راتلونکې کې قدرت او منابع په عادلانه ډول سره دوباره وویشل شي او خلک دا فرصت ولري چې د قدرت او منابعو د تر لاسه کولو لپاره کوم خنډ او مشکل سره مخامخ نشي.

### پراختیا

د پراختیا په برخه کې کوم مطالعات چې شوي څرګندوي چې پراختیا په حقیقت کې د خلکو پراختیا ده. سرکونه، تعمیرونه، د بوټو حاصلات او داسې نور پراختیا نه بلکې د پراختیا وسایل دي. نوی سرک د یو چا آزادي هغه وخت ترسره کوي چې هغه پری لار شي. د مکتبونو تعمیراتو زیاتوالی هغه وخت پراختیا ده چې دغه تعمیرونه د خلکو د پوهې د لوړولو په لاره کې تری ګټه واخیستل شي. د غنمو، جوارو یا لوییا محصولاتو زیاتوالی هم هغه وخت پراختیا ده چې د خلکو د خواړو په اصلاح او زیاتوالي کې استعمال شي او

خلکو ته نې مستقیمه ګټه ورسېږي. همدارنګه د صنعتي بوټو د حاصلاتو زیاتوالی هغه وخت پراختیا بلل کېږي چې هغه پیسې چې له دې لارې څخه راځي د خلکو د روغتیا، هوساڼۍ او پوهې په لوړتیا کې ولګول شي.

دلته د پراختیا اساسي هدف د خلکو واقعی آزادي ده خو په دې شرط چې دا خلکو پراختیا وي او هر څه چې کېږي هغه د خلکو د ژوند په ښه والي کې په کار ولوېږي. خو دا باید جوته شي چې خلکو ته پراختیا نه ورکول کېږي دوی یوازې ځانونو ته پراختیا ورکوي. د مثال په ډول یو باندیني سړی کولای شي چې چا ته یو کور جوړ کړي خو دا باندیني سړی نشي کولای چې ده ته د زړه ډاډګیرنه او خپل نني احساسات پیدا کړي دا ځکه چې هر څه انسان باید په خپل ځان کې په خپل عمل سره را پیدا او منځ ته راوړي او دغه ورته نور څوک نشي ورکولی. ددې څخه معلومېږي چې انسان خپل ځان ته په خپلو کړو سره پراختیا ورکوي، په خپلو هغو پریکړو سره چې په خپله نې نیسي پراختیا ورکوي، د خپلې زده کړې لوړولو کې چې په خپله نې کوي او ولې نې کوي د خپلې پوهې او قابلیت سره پراختیا ورکوي. او په هغه ټولنه کې چې اوسېږي د هغې د سمبالتیا او پرمختګ په لاره کې په مساوي ډول ګډون کولو سره دې چې پراختیا منځ ته راوړي. د مثال په ډول، یو څوک ځانته پراختیا ورکوي

چې د ځمکې څخه حاصل واخلي او دومره عاید لاس ته راوړي چې دې او کورنۍ نې پری ښه ژوند وکړي.

دې به پراختیا ونه کړي که چیرې دغه شیان ورته څوک چمتو کړي. یو څوک ځانته پراختیا ورکوي چې هغه خپله ښوونه او روزنه پیاوړې کوي، که څه هم هر څه نې زده کړل. دغه سړی ځانته پراختیا نه ورکوي چې د یو بل سړي امرونه چې له ده څخه زیات روزل شوي وي تطبیق کړي او بېله دې چې پوه شي چې ولې دغه امرونه نې ورکړيدي په اړه ګډون کوي. دې پراختیا نه کوي که چیرې دې په نوي موضوع کې پټي شترکي عمل وکړي. په حقیقت کې د انسان پراختیا په خپله انسان پوری اړه لري او د ده د کار او فعالیت تر اغېزې لاندې سو او صورت نیسي. د خلکو پراختیا لپاره دغه غوره شرطونه په نظر کې نیول کېږي هغه دا چې لومړی آیا خلک خپلې اړتیاوې پیژني؟ دویم آیا دوی پوهیږي چې دا څنګه ترسره کېږي؟ او دریم آیا دوی د پریکړې نیولو او په کار اچولو کې آزادي لري؟

### د ټولنې پراختیا متود

پراختیا د یوې پراخه پدیدې په توګې د ډول ډول علومو په چوکات کې مطالعه او څیړل کېږي خو په حقیقت کې پراختیا د ټولو علومو د نتیجه د په کار اچولو په لړ کې چې د پراختیا هدفونه په پام کې نیسي سو او صورت پیدا کوي چې په دې ډول سره پراختیا د یوه ځانګړي علم د

## بیلو بیلو مرحلو کی زیاتیری.

دعمل	عامه زده	تولنی ته	دعمل	دعمل	هڅونه
پیل	کرونیول	موضوع	مشروعیت	پیل	
کول	دمختلو	رسول با	یا تولنیزه		
یا	لیاروپه	دموضوع	اجازه تر		
پلان په	ذریعه	انتشار	لاسه کول		
کار					
اچول او					
ارزیابی					

## د پراختیا په لاره کې د تولنی غوره ستونزی.

د تولنی پراختیا د پیل موضوع د تولنی د ستونزو په چوکات کې مطالعه کیږي. ستونزی د تولنیزې پراختیا د هدفونو او پروگرامونو لپاره اساسی بنسټ تشکیلوي دا ځکه چې هدفونه او پروگرامونه د ستونزو له مخې جوړیږي او گټه بیا د خلکو او تیاوې او هیلې لکه څنگه چې لازمه ده تر سره کیږي. د تولنی غوره ستونزی په لاندې ډول سره وړاندې کیږي:

- ۱- بی وزلیتوب
- ۲- په نورو باندې تکیه یا اړه.
- ۳- د طبیعي منابعو او ځمکې کموالی.
- ۴- زیاته بیسوادۍ او د ښوونې او روزنې پروگرامونو کمښت.
- ۵- په پراختیایي پروگرامونو کې د خلکو کمه ونډه آخیستنه.
- ۶- ډیر نفوس
- ۷- د صنعت کمه وده او پراختیا.
- ۸- د حکومتی خدماتو کموالی او غیر اغیزه توب.

محتویاتو څخه لا هم پراخه مفهوم رسوي.

د تولنی پراختیا که څه هم په مختلفو علومو تکیه لري خو د پراختیا غوره طریقه نې ولسی بڼه لري چې د تولنی د ژوندانه په بیلو بیلو برخو کې د خلکو د گډون اندازې او د دوی د پریکړو نیولو په پروسې پورې اړه پیدا کوي. هر څومره چې پراختیا ژوند کې د خلکو گډون او د دوی د پریکړې نیولو اغیزه زیاتېږي په هماغه اندازه تولنه د پراختیا په لوري حرکت کوي. په دی ډول سره تولنیز پراختیا د پریکړو نیولو په پروسې ولاړه او له دی لاری خلک خپل پلان جوړ او په کار نې اچوي. پریکړه د مختلفو مرحلو په چوکات کې صورت نیسي چې په حقیقت دغه مرحلې د تولنی پراختیا یو غوره متود معرفی کوي.

دغه مرحلې دا دي:

۱- هڅونه

۲- د موضوع پیل

۳- د عمل مشروعیت

۴- د موضوع انتشار

۵- د موضوع په اړه د عامو پریکړو نیول.

۶- د موضوع په اړوند د عمل پیل او هغه بیا ارزیابی کول.

لاندینی شکل د پریکړو نیولو مرحلې وړاندې کوي چې په لومړي سر کې د خلکو گډون کم او وروسته نې په

- ۹- طبیعي آفات
- ۱۰- تولنیز تعصبات او بدبینی.
- ۱۱- په خلکو کې د ماتې خوړلو (Apathy) مفکوره
- ۱۲- په نړیوالې سوداګرۍ کې بی عدالتی.
- ۱۳- نامناسب چاپیریال.
- ۱۴- استعمار او استثمار.
- ۱۵- د لارښوونکي کموالی.
- ۱۶- د منابعو او قدرت غیر عادلانه ویش.
- ۱۷- بی غایه رواجونه او خرافات.
- ۱۸- د گمار لو کم امکانات.
- ۱۹- غیر اغیزمن تولنیز تاسیسات.
- ۲۰- بدې آخیستنه او اختلاس.
- ۲۱- د مسلکي اتحادیو نشتوالی.
- البته ډیری نورې ستونزې به هم وي چې ورباندې تولنیز پروگرامونه جوړیږي. تولنیز پراختیا زیاتره هغه وخت ثابته بڼه غوره کوي چې د تولنی دننه شرایطو په بنسټ منع ته راغلي او تولنیز پراختیایي پروگرامونه د ستونزو په حل کې اغیزمن رول ولوبوي.

# زبان و نقش آن در صلح و انكشاف

نویسنده: عبدالاحمد (آموزگار)

کامل ترین آن محسوب میشود.

زبان:

زبان عضو گوشتی متحرک در دهن بوده و با حس ذایقه آراسته میباشد. زبان افزاریست که بآن میتوان قله آهني را ساخته خود را در مقابل تمام حوادث مصنون نگاه کرد. زبان چنان سامان و وسیله است که بدون مصارف میتواند بر زمین وسیع را از خود ساخته فضاي زندگی را بیش از پیش وسعت و گسترش بخشد. زبان آله یست که از طریق آن میتوان دوستان زیاد پیدا کرده فضاي همکاری، برادري و همنوعي را وسیع ساخت. چنانچه دانشمندان گفته اند:

زبان زبان راحت جان: زبان زبان آفت جان: ژبه هم کلاه ده و هم بلا: علمای اهل فن بخشهای مثبت و منفی زبان را بدین ترتیب توضیح نموده اند.

زبان بمنزله اسباب تهاهی

۱- زبان مانند هیزم آتشی است که خشك و تر را در آن واحد به باد فناء میدهد.

۲- زبان مانند سیلاب است که طرفته العین سرمایه مادی و معنوي را

کریم (ص) را در قالب شعر آورده میفرماید.

بني آدم اعضاي يك ديگر اند  
که در آفرينش ز يك جوهر اند  
چو عضو بدرد آورد روزگار  
ديگر عضو ها را نماند قرار  
توکز محنت ديگران بيغمي  
نشايد که نامت نهند آدمي

خداوند (ج) انسان را با اعضاي موزون آراسته و ساخته است. هر عضو ازینرو از استعداد خاص بر خوردار است که در مقابل این نیرو و استعداد مسئوليتي را بدوش دارد. استعداد و قابليت هاي اعضاي بدن انسان مرز و حد نداشته از توانائي دائمي العمري بر خوردار میباشد. کشف و کاربرد استعداد هاي اعضاي بدن حيات مادي و معنوي را در روند بهتر سازي قرار داده زمینه را براي انكشاف بيشتري مساعد و آماده میسازد. درسلسله انكشاف و کار برد استعداد هاي اعضاي بدن موضوع مورد نظر ما درین متن صرف انكشاف مهارت افهام و تفهیم است که حسب ذیل مورد مباحثه قرار میدهیم. درجمله وسایل افهام و تفهیم زبان از مهمترین و

این يك امر واضح و مسلم است که خداوند واحد و لا شريك انسان را در زمره ساير مخلوقات با مقام خيلي عالي و برگزيده خلق کرده است نعمتهای بي شمار را بوي ارزاني گردانیده، زمین و سما و هر آنچه که در بين آنها است بخدمت وي قرار داده است. چنانچه درین مورد حضرت سعدي (ع) مفهوم حديث نبوي (ص) که درین مورد ارشاد شده در قالب شعر آورده میفرماید.

ابر و باد و مه و خورشيد همه در کار اند  
تا تواني به کف آري وبه غفلت نخوري  
همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار  
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبري

از مفهوم شعر مذکور چنین بر مي آید که انسان با تمام قواي جسمي و ذهني در جهت عبادت با اخلاص خداوند (ج) و رفاه مردم از هيچ گونه سعي و مجاهدت بليغ دریغ و مضائقه نفرماید. خداوند (ج) انسان را با روحیه اجتماعي خلق کرده است، يکي به کمک ديگر نیاز داشته و با روحیه همکاری و همدردی جریان زنده گی را به پیش میبرند. که درین مورد نیز حضرت سعدي (ع) مفهوم حديث حضرت رسول



از صفحه وجود نابود میسازد.

۳- زبان چنان خنجر است که زخم آن قابل علاج نبوده روز تا روز بتعداد مصائب می افزاید.

۴- زبان غذای مسموم است که مرض آن عالم گیر بوده دواي ناپاب دارد.

۵- زبان با چنان خباثت باطني و ظاهري آلوده میباشد که پاک کردن آن وقت طولاني را در بر میگیرد.

۶- زبان روز تا روز بتعداد دشمنان افزوده فضای زنده گی را تار و تاریک میسازد.

۷- زبان نیرویست که باآسانی اسباب تباهی انسان را فراهم میسازد.  
۸- زبان کشت میکند خار های مرغلان تهیه میکند اسباب آزار خورد و کلان.

۹- زبان زبان آفت جان.

۱۰- ژبه هم کلاه ده او هم بلا.

زبان بمنزله اسباب سعادت و خوشی:  
۱- زبان مانند گلهاي همیشه بهار است که رنگ و بویش زنگهای قلب ها را صیقل نموده فضای پاکي و صفایی را دامن میزند.

۲- زبان مانند آفتاب درخشان است که خیر و فیض آن منحصر بیک جا نبوده فاقد مرز و حد میباشد.

۳- زبان مانند آب دریا است که سر زمین وسیع را آبیاري نموده بوفرت نعمتها می افزاید.

۴- زبان چنان افزاریست که افراد و

جوامع بشری را باآسانی با هم نزدیک ساخته فضای دوستی و همکاری را گسترش میدهد.

۵- زبان مرهم زخمهایست که هیچ داکتر بتداوی آن فائق آمده نمیتواند.

۶- زبان چنان انرژی است که سرحد و حد ندارد.

۷- زبان مانند آب باران برای تشنه

ای برادر گر خبر داری قام نرم و شیرین گوی با مردم کلام زشت گفتن نیست کار عاقلان از برای نرم گفتن شد زبان بی استخوان  
با هر که هر چه گویی سنجیده بایدت گفت  
تا کفنه و قنارت پادر هوا نماند



کوشه از سیمینار تربیوی در ولایت لکر

گان دشت و بیابان است.

سخن سنجیده گوی تا دوست را دشمنی نگردانی  
ز حرف بی تأمل آشنا بیگانه میگردد

\* \* \*

ترا گویم ای نور ده چشمان  
دهن است در انسان مانند دکان  
زبان است در کام مالک آن  
می فروشند هر چه دارد در آن  
اگر جو دارد ای عزیزان  
و یا دارد لؤلؤ و مرجان

۸- زبان فرد و جامعه را بسوی سعادت ابدی رهنمونی کرده اسباب فلاح و رسته گاری را فراهم میسازد.

۹- زبان فضای دشمنی را به دوستی تبدیل کرده در امنیت و مصئونیت نقش با ارجی از خود بجا میگذارد.

۱۰- زبان زبان راحت جان.

پیرامون زبان دانشمندان اظهار عقیده نموده اند که برخی از آنها قرار ذیل اند.

دریای زبان خیلی پر فیض بوده در جهت فلاح و رسته گاری مردم يك وسیله مفید و مؤثري شده میتواند.

طوریکه خداوند (ج) انسان را با رنگ، چهره، بو، خواص و نشان انگشت يك سان خلق نکرده با رنگها، چهره ها، بو و نشان انگشت مختلف خلق کرده است بهمین ترتیب در دنیا انواع زبانها را پیدا کرده است. که انسان بدین وسیله عملیه افهام و تفهیم را به پیش برد. زبان اگر دري است یا ترکی، پشتو است یا اردو، عربي است یا عبرانی، انگلیسی است یا جرمني هر يك دارای اشکال و اصوات میباشد که با ترکیب آن پروسه افهام و تفهیم را در جریان حیات یومیه پیش برده زنده گي مادي و معنوي را رونق میدهند. زبان دریای است پر بار و پر فیض، این دریا نه تنها سر زمین وسیع را آبیاری کرده اسباب رفاه و راحت مردم را فراهم میسازد بلکه عمق آن با جواهر قیمت بها غنی بوده که در بلند بردن سطح دارائی و ثروت مردم نقش قابل ملاحظه را از خود بجا میگذارد، بلي این جواهر را کسی بدست آورده میتواند که با فن آبیاری آراسته باشد، بناء همین دریاست که زمینه را برای فن آبیاری مساعد ساخته است بخاطر باید داشت که این دریای پر فیض در مسیر خود بچار بخش منشعب گرهیده است که هر بخش آن در رسانیدن فیض انسانی و خیر انسانی یکی از دیگر سبقت می جویند که اینك

هر يك آن را به شرح ذیل مورد بر رسي قرار میدهیم.

#### ۱- بخش شنیدن:

شنیدن در عملیه افهام و تفهیم عموماً حکم تهداب را ارائه میکند بناء بهر اندازه که تهداب قوي میباشد بهمان اندازه تعمیر اطمینان بخش میباشد. بدین معنی اگر سطح عملیه شنیدن بالا میباشد مفاهیم و مطالب بخوبی درك شده از سوء تفاهم جلو گیری و زمینه وصل را بیشتر بین انسانها مساعد میسازد.

شنیدن دقیق در بلند بردن سطح معلومات علمي و مسلکي رول و نقش ارزنده را بازی میکند.

شنونده از شنیدن دقیق لذت برده ارضاً باطني بوي حاصل میگردد. در عملیه افهام و تفهیم شنیدن دقیق خیلی مهم و ارزنده بوده که درین مورد خداوند (ج) در قرآن کریم چنین ارشاد میفرماید.

ترجمه: حس سامعه، باصره و دل و حفره هر يك مسئول اند. (آیت ۳۶ بني اسرائيل پاره ۱۵).

تفسیر: حس سامعه مسئولیت دارد تا گفته ها را با دقت بشنود. حس باصره مسئولیت دارد تا حقایق را با دقت ملاحظه کند. قلب و دماغ مسئولیت دارد تا شنیدنی ها و دیدنی را در ترازوي احکام شرعي وزن نماید و بعد بر مبنای آن حکم صادر کند.

شنیدن دقیق و دیدن دقیق و تحلیل

و تجزیه دقیق از يك طرف در انکشاف حس سامعه، باصره و دماغ کمک میکند و از جانب هم در تخفیف تشنجات و برخورد های خورد و کلان نقش با ارزشي را بازی میکند. کسب معلومات ناقص و درك مفهوم ناقص ارزشهای مادي و معنوي را از بین برده و جامعه را بسوي نابودي سوق میدهد. باید گفت که در شنیدن دقیق نکات ذیل رول دارد.

۱- دیدن ما به چشمهای گورنده ۲- به مبتدا و مآخر جمله دقت کردن

۳- در درك مفهوم مطالب توجه نمودن ۴- بارتباط موضوع از خود سوال نمودن

۵- موضوع را با خود تحلیل نمودن ۶- خلاصه آن را یادداشت کردن ۷- موضوع را با دیگر موضوعات ارتباط دادن ۸- ضد آن را جستجو نمودن ۹- یا دیگر موضوع مقایسه نمودن ۱۰- در شنیدن تحمل و برده باری را پیشه نبودن ۱۱- در صورت امکان تشبیهات ان را پیدا کردن ۱۲- بوضع اجتماعی، اقتصادي، صحي و ثقافي ارتباط دادن ۱۳- نتایج آن را تحلیل کردن ۱۴- در صورت عدم درك مفهوم مؤدبانه سوال نمودن ۱۵- در سوال کردن نوبت را رعایت کردن.

#### بخش دوم مهارت گفتگو:

همه میدانیم که خداوند (ج) انسان را نسبت بدیگر مخلوقات بخاطر قدرت نطق و بیان ممتاز و برگزیده ساخته است.

اگر انسان تمام نعمتهای خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و دیگر مایحتاج را بدسترس داشته باشد ولی از قدرت نطق و بیان بر خوردار نباشد هرگز از زندگی لذت نبرده و درخت پر فیض و برکت شده نمیتواند. انسان با نعمت نطق و بیان از گفتار دیگران بهره برده و هم دیگران را بهره مند میسازد، علوم و فنون را از کنار بکنار انتشار داده و در رشد حیات اجتماعی، اقتصادی، صحي، ثقافتی، ساختمانی و تخنیکی کار کردهای مثمر و پر بار را انجام میدهد.

بسیار گوش گرفتن و کم حرف زدن احترام کرامت انسانی را در نظر گرفتن، همواره موقف بی طرفی را اختیار کردن، نظر هیچکس را بی احترامانه رد نکردن، کس را نا فهم و نادان احساس نکردن، و عیبها را پوشانیدن و ثقافت و عنعنات مردم را بنام نیک یاد کردن، از امتیاز جویی اجتناب ورزیدن، مردم را با نام نیکو یاد کردن از تولیدات منطقه و مردم تعریف کردن، مردمان مشهور منطقه را با نام نیک یاد کردن، از طعنه دادن جداً اجتناب ورزیدن، وطن و وطنداران و مردم را با احترام یاد کردن، پدر، قوم و ملیت مردم را بنام نیکو یاد کردن، مسلک مردم را احترام کردن، اگر در یک شعبه دو یا چند نفر میباشد یکی را تمجید و دیگر را توهین نکردن حقوق و منزلت هر کس را شناختن، گفتار را در کردار تکذیب نکردن، پوعده

وفا نمودن، نفع اجتماعی را نظر به نفع شخصی ترجیح دادن، در گفتار علاقه، سویه و نیاز شنونده را درک کردن، نفع اجتماع را همواره محراق توجه قرار دادن، بگذاریم که کار ما حرف زند نه اینکه در گفتار ماهر و در کردار کاهل باشیم، گفتار باید با تازه رویی و خوش سخنی صورت بگیرد. مباحثه پیرامون مال و جایداد دیگران در زرع تخم دشمنی یاری میرساند، هوشیاران همواره گفتار و کردار خود را ارزیابی نموده در پی کمی و کاستی های خود میشوند. از اینکه عملیه مهارت گفتگو در حیات بشر از اهمیت خاص بر خوردار است الله (ج) در قرآن کریم چنین ارشاد میفرماید (وقولوا للناس حسنه و) ترجمه: با مردم با زبان نیکو حرف بزنید.

حرف زدن با زبان نیکو حاوی صفات است که در زمینه معلومات ارائه شد. تجارب نشان داده که کلمات از قبیل (تو نمیفهمی، تو درست نمیگویی، شما غلط گفتید، باعث ایجاد معضلات گوناگون شده و اسباب ناراحتی را بار آورده است. درین مورد شاعری شیرین زبان میفرماید.

تازه رو و خوش سخن باش ای رخی  
تا بود نامت در عالم سخنی  
زشت گفتن نیست کار عاقلان  
از برای نرم گفتن شد زبان بی  
استخوان

بخاطر باید داشت که دخیل ساختن

احساسات در موضوع و بیان کلمات و جملات با لهجه، شری، بارتباط موضوع قصه های خوشی آور را گفتن، و حرکات موزون اعضا در شنیدن و درک مفهوم موضوع نقش قابل ارج از خود بجا میگذارد.

افهام و تفهیم بین والدین و فرزندان، آمر و مامور، کارمند و کارگر، آمر مکتب و معلمان، و شاگردان زمینه شناخت جانبین را مساعد ساخته از سوء تفاهم جلوگیری مینماید.

بخش سوم:

افهام و تفهیم بزبان قلم:

مهارت نوشتن یکی از اسباب مفید و مؤثر در جهت وسعت و گسترش علوم و فنون محسوب شده و میشود. ناگفته نماند که هر انسان باین استعداد فیاض آراسته است ولی برخی بدرجه اوسط و بعضی بدرجه اعلی، انکشاف این استعداد مستلزم کاربرد یک سلسله مهارتهای مقتضی میباشد که یک تعداد آن را در ذیل مورد مباحثه قرار میدهیم.

تشویق شاگردان مبنی بر اینکه فعالیتهای روزانه خود را بنویسند. شاگردان را وادار ساختن تا بارتباط لباس، اعضای بدن، مضامین، مکتب، انواع میوه ها، سبزیها، لوازم درسی و اوقات یومیه نوشته کنند، قصه های تریبوی را یاد گرفته و آنرا نوشته کنند، در صورت امکان کتابچه قصه و کتابچه اشعار تریبوی را تهیه کنند، از اینکه بقیه در صفحه (۳۵)

# نزول قرآن

تهیه کننده: واثق لسان  
پوهنحي شرعيات پوهنتون  
امهات المومنين

تصدیق نزول قرآن اساس ایمان به قرآن و نبوت حضرت محمد (ص) و حق بودن اسلام محسوب میشود و مقصود از عنوان فوق نزول سه گانه قرآن است که اینک شرح میگردد:

۱- نزول آن به لوح محفوظ: به دلیل این قول خداوند (ج) «بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ» ترجمه: «بلکه آن قرآن بزرگی است که در لوح محفوظ قرار دارد» و آن جای است که هیچ گونه تغییر و تبدیل در آن راه نمی یابد و طریق نزول و وقت آنرا به لوح محفوظ به جز از خداوند متعال کسی دیگر نمیداند.

۲- نزول آن به بیت المعزت: و آن جای است در آسمان که قرآن کریم از لوح محفوظ به آنجا در شب قدر نازل گردیده طوریکه خداوند متعال می فرماید «انا انزلناه فی لیلة مبارکه» یعنی ما قرآن را در شب مبارک و پر برکت نازل کردیم که آن شب عبارت از شب قدر است چنانچه آیت دیگر بان مطلق است که می فرماید «انا انزلناه فی لیلة القدر» ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم و در جای دیگر خداوند (ج) فرموده «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» یعنی رمضان ماهی است که در

آن قرآن نازل شده و شب قدر هم در رمضان میباشد که قرآن کریم درین شب از لوح محفوظ به آسمان دنیا فرو فرستاده شد. سپس در ظرف بیست و سه سال بر پیغمبر (ص) نازل گردید و ابتدای آن بر پیغمبر (ص) نیز در همین شب بوده است.

۳- نزول آن به حضرت محمد (ص) که این نزول توسط جبریل (ع) به حضرت محمد (ص) در ظرف بیست و سه سال صورت گرفته خداوند متعال میفرماید «نزل به الروح الامین علی قلبك لتكون من المذکرین»

ترجمه: آنرا فرشته امانت کار «جبریل (ع)» بر دل تو فرود آورد تا از جمله ترسانندگان باشی. جبریل (ع) از طرف خداوند (ج) لفظ و معنای قرآن را به حضرت نبی کریم (ص) می آورد و جزئی ترین تصرف در آن کرده نمی توانست. نظم، اسلوب، و ترتیب آن تماماً از جانب خداوند (ج) است.

«دلیل نزول قرآن به دفعات مختلف»

نزول قرآن کریم از ابتدای بعثت حضرت رسول اکرم (ص) شروع و تا هنگام وفات شان دوام داشت که مدت

بیست و سه سال را در برگرفت و این مدت نبوت و پیغمبری حضرت محمد (ص) است که از آن جمله سیزده سال را در مکه معظمه و ده سال را در مدینه منوره سپری نموده اند و درین مدت قرآن کریم به حسب وقایع و حوادث و یا به اثر ضرورت و سوال اصحاب کرام نازل میشد و یهود مشرکین بدفعات نازل شدن را اعتراض نموده می گفتند: که چرا آن به یک مرتبه نازل نمیشود؟ طوریکه خداوند (ج) می فرماید «و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جملة واحدة كذلك لثبت به فؤادك و رتلناه ترتیلاً» یعنی کسانی که کافر شدند اعتراض کنان میگویند که چرا همه قرآن بروی یکبارگی نازل نشد هم چنین کم کم فرود آوردیم تا بان دل ترا ثابت و استوار گردانیم و خواندیم آنرا اندک اندک به مهلت»

از این آیه «مبارکه دو چیز استنباط میشود.

۱- قرآن کریم بدفعات مختلف، اوقات مختلف در امکنه مختلف و مناسبت های مختلف نازل شده.

۲- اینکه تمام کتابهای آسمان پیش از قرآن کریم به یک مرتبه نازل گشته و

این امر مشهور و معروف بود به همین اساس اعتراض کنان گفتند: که چرا قرآنکریم مخالف دیگر کتب بدفعات و کم کم نازل میشود؟

\*\*\*

### «حکمت نزول در دفعات مختلف»

۱- ثبات، تقویت و استوار نمودن قلب حضرت نبی کریم (ص) زیرا، در تجدد وحی و به تکرار نازل شدن ملک و آوردن کلام خداوندی در هر دفعه باعث تقویت قلب و آرامی خاطر حضرت محمد (ص) میگشت و مطمئن میشد که او را خدایش ترک نداده، پیوسته در تائید و تقویت و پشتیبانی اوست.

۲- سهولت حفظ و فهم قرآن: اگر قرآنکریم یکبارگی و به یک دفعه نازل میشد حفظ و فهم آن بالای امت اسلامی آنهم که جدیداً اسلام را برگزیده اند سخت تمام میشد و نزول آن به دفعات این تکلیف را از بین برده است زیرا تا وقتیکه آیات و یا سوره دیگر نازل میشد آیات و سوره که پیشتر نازل شده بود حفظ شده و معانی آن هم فهمیده میشد.

۳- مراعات تدرج در تربیه امت: چون عربها در سر زمین حجاز در زمان جاهلیت در دوران اباحت و مطلق العنانی حیات بسر میبردند و کدام قانون وجود نداشت که ایشانرا از اجرای بعضی کارها منع و بانجام برخی دیگر امر مینمود بنابراین هر چه میخواستند آنرا میکردند و دارای عقیده معین هم

نبودند عده آفتاب پرست و عده دیگری بت پرست و طایفه ای این دو طایفه را تقبیح کرده فرشتگان را به حیث دختران خدا میشناختند و گروهی هم بود که برای خدا زن و فرزند را قائل می شدند، بنابراین عقاید، عنعات و افعال مختلف آنها را به یک مرتبه تغییر دادن کار سخت و مشکل بود و خداوند (ج) طبق حکمت و علم ازلی خود آیات را بتدریج و کم کم نازل کرد تا مردم به همان طور کم کم از عقاید خود روگردان شده باوامر و احکام خداوند (ج) رجوع کنند و چون اساس اسلامیت بنابر صحت و پاکی عقیده است بنابراین اولاً خداوند (ج) آیاتی را که متعلق به عقیده و اثبات وحدانیت بود نازل می فرمود و وقتیکه این عقیده در دل آنها راه یافته استوار و مستقر میگشت سپس آیات احکام و یا اوامر و نواهی را که مربوط به افعال و اعمال بود نازل میکرد حتی گاهی هم در یک موضوع معین تدرج مراعات شده بعد از سپری شدن مدتی در موضوع مذکور در امر قاطع است:

که اینجا ما طور مثال مسئله شراب را ارائه میداریم.

خداوند (ج) اولین بار در باره شراب و قمار که از عادت دیرینه و معمول عربها بود فرمود:

«فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما» یعنی در شراب و قمار گناه بزرگ بوده و مفادی هم برای مردم است اما گناه و ضرر آنها

نسبت به مفادشان بزرگتر و بیشتر است. طوریکه دیده میشود آیت مذکور به صراحت نگفته است که از آنها اجتناب کنید و در مرتبه دوم فرمود:

یاایها الذین آمنوا لاتقربوا الصلوة و انتم سکاری» ای مسلمانان در وقتیکه در حالت سکر و نشه باشید برای ادای نماز نزدیک نشوید تا چیزیراکه میخوانید و میگوئید بخوبی درک کرده بتوانید.

این آیه مبارکه نماز را در حالت سکر نهی میکند و نیز مؤکد برای آیت اولی است و در مرتبه سوم و بعد از سپری شدن مدتی چنین فرمود: «انما الخمر و المیسر و الانصاب و الاألزام رجس من عمل الاشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» یعنی ای مسلمانان جز این نیست که نوشیدن شراب و عمل قمار و نشان های معبودان باطل و تیر های فال پلید و نجس بوده از اعمال شیطان است لذا از آنها اجتناب کنید تا رستگار شوید.

طوریکه دیده میشود درین آیت خداوند امر قاطع کرد تا از ارتکاب این اعمال پرهیزند اگر در مرتبه اولی و در ابتدا برای شان گفته میشد که از شراب، قمار و دیگر رذایل اخلاقی اجتناب کنید چون این سخن بدون سابقه داری برای شان گفته میشد ممکن در جواب اظهار میداشتند که ما نمیتوانیم از این اعمال عنعنوی خود ها دست کشیده آنها را ترک کنیم لذا نتیجه اینجا معکوس میشد عین این روش و سیاست تدریجی را در تمام عبادات و معاملات اسلامی



## علم او پوهه

علم د هر مؤمن مسلمان لپاره ډیره ښه او مبرې رڼا ده ځکه چې د هر انسان عزت او شرافت او د هغه اسلام او ایمان پري مکمل او ټینگ وي او د انسان آینده پري ارامه او اسوده وي نو ناپوهه او بی علمه مثال د پړانده لری ځکه که ورځ هرڅومره روښانه وي نو پړانده ته تیاره او توره شپه ښکار پری او که په هر څومره سمه او همواره بی لاره وي نو ده ته کړنگونه او لوړي ژوري ښکاری نو علم د هر انسان د آینده ژوند لپاره یوه رڼا ده چې ددی رڼا او پوهی پواسطه خپل ژوند تر سره کوي. علم د چا څخه زده کیږي؟ او یا عالم چا پوه کړي دی؟ علم د خدای (ج) په اراده او فضل سره د پوه او دانا استاذ څخه زده کیږي او د علم پواسطه هر انسان د خپل گران ژوند د اړیکو د تگ اوراتگ لاره همواروي.

نو په کار ده چې هر استاذ شاگرد ته داسی شی ور زده کړی چې د تل لپاره ورسره وي او که څوک تاسی ته یو جوړ کالی درکړي او یا نور د کور سامان درکړي نو د ابد لپاره به ئی په ښو یادوي، خو استاذ تاسی ته داسی شی درکوي چې د آینده لپاره به هم درسره وي، نه به خرابیږي او نه به زیریږي. نوموړ باید په دې لاره کې کوښښ وکړو او باید د خپلی اسوده گۍ لپاره په علم او پوهه پسۍ وگرځو او خپل ځان ته ئی حاصل کړو، علم د هر انسان لپاره ډیره ښه او غوره لاره ده هر انسان باید په دې لاری کې تلاش وکړي.

علم زیب او زینت دي هر انسان ته  
جهالت لوي مصیبت دی هر انسان ته  
دنیا دار که مستغنی په سیمو زر وي  
هنرمند لره گنج د خپل هنر وی  
که ئی علم وي عمل ئی نوی  
بی عمله علم ابتر وي  
د انصار المؤمنین د لیسۍ د شپږم ټولگی زده کوونکي  
محمد حسین (نعیمی) وردگ.

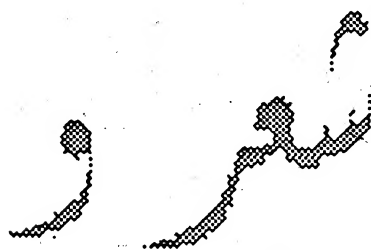
قیاس کرده میتوانیم.

۴- همنوائي با وقوع حوادث: مثلاً هرگاه يك حادثه بوقوع مي پيوست كه در حكم آن مېتردد ميشدند و يا كسي سوالی مینمود باساس آن حكم و يا جواب نازل ميشد و فهم و حكم جواب درين وقت مؤثر تر واقع میگشت و از طرف دیگر ثابت است كه سوال ها تماماً و به يكمرتبه صورت نمي گرفت بلكه بتدریج وبه اوقات مختلف ميبود بنابراین حكم و جواب هم در اوقات مختلف باید نازل ميشد تا كه همنوائي بين حكم و واقعه و جواب و سوال پیدا شود.

۵- تحقق اعجاز قرآن: زیرا بآنكه آیات قران در اوقات مختلف، در جاي مختلف و به مناسبت هاي مختلف نازل شده است با آنها در اسلوب، تركيب كلمات فصاحت و بلاغت و قرار گرفتن كلمات و آیات يكي پهلوي ديگري کدام نوع خلا و نقصان ديده نمیشود كه همه اينها دليل اعجاز و كلام الله (ج) بودن آن به شمار ميرود.

۶- تفریق ناسخ و منسوخ: چه اگر تمام قرآن به يكمرتبه نازل ميشد درينوقت در تفریق ناسخ از منسوخ مسلمانان دچار تكليف ميشدند زیرا در نسخ قاعده است كه در صورت تعارض و اختلاف، آيت كه پس تر نازل شده است آيت سابق را منسوخ ميسازد درصورتيكه همه قرآن به يكمرتبه نازل شده باشد پس تفریق آنها به نظر مېخورد.

## طفل یتیم



انسان نموده است

جز دست سرد سیلی انسان نموده ها  
دست نوازشی به سر گونه هام نیست  
بر خیز و سرد پیکر لرزنده مرا  
بهر خدا تو تنگ در آغوش مهر گیر  
دستان کوچکم  
از سردی و گرسنگی از کار رفته اند  
بر خیز!

بر... خیز...

\*\*\*

فردا که آفتاب

زد خیمه سپیده به دامان صخره ها  
وانگه که نور بوسه ز روی افق گرفت  
وز شرم گونه های افق گشت سرخ رنگ  
آن پیره زاغها  
هریک به روی لوحه قبری نشسته بود  
آرام میگریست  
احساس شان ز دیدن آن صحنه غمین  
بیدار گشته بود

\*\*\*

ناگاه صوت ناله آن درب کلبه باز  
تا نیمه راه گنبد نیلینه سر کشید  
و آن در گشوده شد  
بر دوش چند مرد غریب و خمیده قد  
تابوت چوبی بی به برون ره کشیده بود  
در سینه شکسته تابوت آرزو  
نعش جوان مادر آن طفل خفته بود  
آن مردم غریب  
تابوت را به مقبره ها راهبر شدند  
تا آرزوی سوخته را زیر سقف گور  
پنهان ز چشم کور دل آمان کنند  
چون ره تمام شد  
تابوت را نهشته بدیدند ناگهان  
آن طفل نیز بر سر آن گور مرده بود!

\*\*\*

محمد یاسین (فرخاری)

در خلوت سکوت

انگه که باد شانه به گیسوی شب کشید  
مهتابها به بستر مردابها شکست  
آنسو...

میان جنگل خاموش و خوفناک

جمعی کلاغ پیر

با بالهای ریخته منقار های سرد  
بنشسته بر فراز درختان جنگلی  
بر شاخه های خشک و پر از غوله های برف  
در زوزه های وحشی باد ستیزه جو  
ناگاه درب چوبی آن کلبه باز شد  
با صوت ناله بی

طفل یتیم برهنه پایی برون جهید

با جامه های پاره تر از قلب ریش من

از برکه های آبی چشمش زلال اشک

لغزیده بود نرم به دامان گونه ها

تصویر یاس بود

تصویر درد و رنج

تصویری از حکایت احساسهای ما

آهسته سوی گور پدر گشت رهنورد

تا اشک غصه ها بچکاند به روی قبر

بر روی گور سرد

آنجا رسید زود

در شهر خامشان

برداشت بانگ: کای پدر مهربان من!

این وقت خواب نیست

تاکی میان سینه این خاکهای سرد

آرام خفته بی؟

بر خیز!

در خانه نیست نان

آن مادر مریض من افتاده روی خاک

یخ بسته است اشک به دامان چشم او

امشب هزار مرتبه او را صدا زدم

گویي ز من فسرده جوابم نمیدهد

یا مرده است او

آن طفلکان کوچمه ما شاد و شادمان

همدوش با پدر سوی مکتب شوند و ما

در فکر آب و نان

بر خیز!

احساس مرده است

## مینۀ او دوستی

مینۀ گلزار ته بلبلان راولی

بلو دیوو ته پتنگان راولی

شاد و گدا زره ته نژدې کاندې

د خوار جونگرې ته سلطان راولی

که یو په ځمکه بل اسمان کې اوسی

ځمکی ته ستوری د اسمان راولی

د خوار عاشق د دلدارۍ د پاره

په توره شپه ماه تابان راولی

نیکلی چه گورم گبنی می نیسی

مینۀ په ما باندې پیریان راولی

په ښکلو مینۀ د هر چا راځی

خواران زما مینۀ په ځان راولی

د غریبانو او بیوزلو دوستی

سړی په خیر او په احسان راولی

زړونه باغ باغ شي د دوستی په هوا

دښمنی زړونو ته خزان راولی

دوستی د جنگ او جگړو مخه نیسی

صلح و سلام امن و امان راولی

یو دوست د بل دوست د خوښۍ د پاره

خواري زحمت تکلیف په ځان راولی

د تورو سپین او سرد دوستی خاطره ته

سپین مخ سړې شونډې تور چشمان راولی

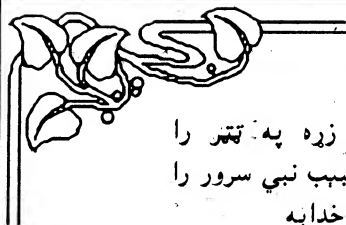
د سترگو کور کې سپین او تور چې گورې

درته د گډ ژوند شاهدان راولی

«الف»



## الهی



الهی له مینې ډک زړه په تهر را  
خوي خصلت د خپل حبیب نبي سرور را  
د حضرت محمد په روی وا خدابه  
خپله مینه باندي گرم تود ځیگر را  
چي احساس مي په موجودو په څپو شی  
داسې حس داسې لیده داسې نظر را  
ستا په ذکر چي مشغول یم لوبه خدایه  
داسي ورغ او داسې شپه داسې سحر را  
چې باطل ته مي سر تهېت نه شی خاونده  
شجاعت او متانت د خپل جېدر را  
ماښامي دي لاس مي لوړ ورته نیولي  
په محشر کي ربه جام د حوض کوثر را  
حنيفي درته زاری کوم خاونده  
ستا طرف ته مطمین تک او سفر را

## «ای کشور من»

ای کشور من، ای آشیانه من، ای که از آب و گل تو است  
جان و تن من، ای که در تو من آواره خواهم بود، در دامن مهربان  
تو آرام خواهم شد، در کنار تو پریشانی و غریب و بیگانگی را از  
یاد خواهم برد، نمیدانی که چه نیازی به گم شدن در تو دارم، به  
نیست شدن در تو دارم، دوست دارم در پیچ و خم دشت های نا  
پیدای تو گم شوم، در عمق دریا های اسرار آمیز تو غرق شوم، در  
قلب صحرا های خیال انگیز تو محو شوم، درد های کهنم را در زیر  
آسمان تو به فریاد سردهم، از درونم بیرون ریزم، عقده های بی رحم  
گریه را که حلقومم در چنگال ایشان اسیر است، و به خفقتانم آورده  
است، در دامن نوازش های عزیز تو بگشایم.

چه آشنا است این آفتاب و این کوه و این دریای تو، نسیمی  
که از سینه این دریا پیش میآید و در من میوزد خاطرات از یاد  
رفته را در قبرستان غمگین ضمیرم جان میدهد. من با تو داستان  
دیرینه دارم، دل مرا با تو سرگذشتی مرموز است. همه ذرات و همه  
رنگ های تو با جان من حرف میزنند! چه آشنا!  
چه صمیمانه! از تو بوی یاری می رسد.



## پاس ادب

پاس ادب به حد کفایت نگاه دار  
خواهی اگر زبی ادبان یابی ایمنی  
در خون نشست غنچه که شد همنشین خار  
گردن فراخت سرو، زیر چیده دامنی  
افتاده باش لیک نه چندان که همچو خاک  
پامال هر نبیره شوی، از فروتنی  
رازداری

خوشتن داری و خموشی را  
هوشمندان حصار جان داندند  
گر زیان بینی، از بیان بینی  
ور زبون گردی، از زیان داندند  
راز دل، پیش دوستان مگشای  
گر نخواهی که دشمنان داندند  
(رهی معیری)

## نکته ها

- ۱- آنچنان با مردم دوستی کن که میخواهی با تو آنگونه کنند.
- ۲- حسادت زهری است که به هیچ چیز التیام پذیر نیست، آدم حسود با غرایز انسانی رابطه ندارد.
- ۳- زن شالوده از غرایز و عواطف مخالف است
- ۴- افکار ما معرف شخصیت ما است.
- ۵- انسان واقعی از نیکی کردن به دیگران سرور میگردد، اما اینکه دیگران در باره آن نیکی کند خجل میشود. زیرا آن غایت بزرگواری و این نشانه کوچکی است.
- ۶- بهترین چیز ها سخت ترین آنها است.
- ۷- بخاطر داشته باشید امروز همان فردای است که دیروز در باره آن نگران بودی.
- ۸- لباس نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جامعه است بلکه معرف شخصیت تک تک افراد نیز هست.

# کشت «کرایه» در هرات و للمی کاری در افغانستان

توسط: جلیل احمد (عثمانی)

در عین حال باین امر نیز توجه بعمل آید که زمین های للمی کار به چه وسایل و بازرع چه نوع نباتات و با استفاده از چه شرایط چه قسم میتواند مورد استفاده جوئی و بهره برداری زیاده تر و اقتصادی تر قرار داده شود؟

به عقیده ای نویسنده این سوال از نگاه مسایل اقتصادی، زراعتی و اجتماعی و غیره قابل بحث بوده و ایجاب ارزیابی ها و تحقیق های دقیق و عمیق علمی و اساسی را مینماید وظیفه و وجیبه ای مسئولین امور و دانشمندان ذیربط و ذیعلاقه است تا در رابطه باین موضوع و سایر موضوعات و موارد مشابه و مماثل آن باغنائی تجربی و اندیشوی و علمی خود ابراز نظر نمایند که چگونه میتوان از عطیه های طبیعی و خدا داد که بصورت مجانی و رایگان برای ما و در کشور ما عرضه گردیده است حد اعظم استفاده را نمود و نگذاشت که این منابع بزرگ انرژی و امکانات طبیعی ضایع گردیده و غیر قابل استفاده باقیمانده و یا به هدر رفته و به باد داده شود. و لازم است که از همین حالا در رابطه باین موضوع اقلاً رهنمود های لازم برای آینده و آیندگان تهیه و فراهم گردد.

شده چنین نتیجه گیری شده میتواند که قسمت عمده و عظیم ساحات زراعتی در کشور را مناطق و اراضی للمی کار تشکیل میدهد. این ساحات و مناطق شامل اراضی زراعتی، باغداری، جنگل داری علف چر ها و غیره می باشد. و این موضوع مبین این حقیقت است که بصورت طبیعی اراضی و مناطق کشور بیشتر بزراعت و کشت و کار للمی مساعد و مناسب میباشد.

با در نظر داشت تذکرات فوق سوال دیگر که بذهن خطور مینماید اینست که آیا در آینده باید بزراعت آبی در کشور حق تقدم و توجه داده شود و یا اینکه کشت و کار للمی توسعه داده شده و رونق حاصل نماید؟ و باید این موضوع مورد توجه و واریسی قرار گیرد که کدام یک ازین دو نوع کشت و کار اقتصادی تر بوده و زیاده تر به صرفه بوده و مفید تر و نافع تر تلقی خواهد شد؟ و تفصیل زیاده تر به جهت روشنی انداختن بیشتر باین موضوع این نکته میباشد که ایا باید اضافه تر توجه باین مسئله معطوف گردد که چگونه و از چه طریق منابع آبی جستجو گردیده و طرف استفاده ای زارعین هرات گیرد؟ و یا اینکه در پهلوی این پژوهش و سعی و تلاش هم زمان و

یک بخش قابل ملاحظه زراعت و کشت و کار در افغانستان للمی کاری میباشد. این نوع کشت و زراعت از ازمه ای گذشته تا بحال به شکل عنعنوی در کشور موجود بوده و ادامه دارد. اینکه آیا امکان دارد که بیشتر بخش زراعت در افغانستان به شکل زراعت آبی تغییر شکل نموده و در عوض للمی کاری، زراعت آبی رونق پیدا کرده و توسعه داده شود؟

سوال است که با در نظر داشت منابع آب جاری و منابع آب های زیر زمینی و با در نظر داشت قابلیت فراهم نمودن یک سلسله امکانات علمی، تخنیکی و اقتصادی آینده بآن جواب خواهد داد و للمی کاری جای خود را بزراعت آبی عوض خواهد نمود. که البته برای رسیدن باین هدف وقت کافی و صرف مساعی اداری، علمی و سرمایه گذاری های عظیم اقتصادی مورد ضرورت بوده و از همه مهمتر استقرار سیاسی نظامی و تامین و تعمیم نظم و آرامش در سراسر این مرز و بوم حتمی و لازمی به نظر میرسد.

ازین ها که بگذریم با در نظر گرفتن یکنوع ارزیابی ای احصائیوی آفاقی و نظری و نه احصائییه ای رسمی و ثبت

برای اینکه به مطلب روشنی ای بیشتری انداخته شود پیوست بموضوع فوق مطالب آتی قابل یاد آوری و تذکر است.

ازان جایکه در زراعت و کشت کار للمی بمنابع آب جاری و یا آب زیر زمینی و صرف انرژی انسانی و وجوه مالی ضرورت مبرم احساس نه میشود و با استفاده از باران های موسمی بهاری اکتفی میگردد لذا با موجودیت و مساعدت شرایط اقلیمی و موسمی این نوع کشت و کار به صرفه بوده و اقتصادی به نظر میرسد. مهمترین عاملیکه در زراعتی للمی رول عمده و اساسی را بازی مینماید همانا عامل و توان مندی شخم زدن و قلبه کردن و تخم افشاندن و دروگری و رفع خرمن اراضی للمی کار میباشد. طوریکه مبرهن و واضح است در گذشته ها و حتی قسماً در حال جاری نسبت اینکه در کار شخم و قلبه و تخم افشانی و دروگری و رفع خرمن تنها و صرف از انرژی انسانی و حیوانی کار گرفته میشد و میشود بناء نظر به اینکه قوای بشری و حیوانی محدود بوده و از نگاه زمان و مدت فر آورد آن در سطح پایان قرار میگیرد و از نگاه اقتصادی قیمت تمام میشود لذا امکان اینکه ساحات و مناطق بیشتر اراضی للمی کار تحت کشت و زراعت قرار داده شود کمتر به نظر میرسد. ولی

به تدریج و از گذشته های نه چندان دور تجربه چنین نشان میدهد که در حصه کار شخم زدن و قلبه کردن اراضی للمی کار از وسایل تخنیک و انرژی غیر انسانی و غیر حیوانی یعنی (تراکتور) استفاده بعمل آمده و این جریان روز بروز با مساعد شدن شرایط بهتر مالی، اقتصادی، و اجتماعی رونق بیشتری گرفته و مالکین اراضی و للمی کاران آمادگی بیشتری برای استفاده ازین وسیله ای تخنیک نشان میدهند و داده اند. که این امر بالانویه باین نتیجه منجر میگردد که ساحات بیشتر و وسیع تر اراضی للمی کار تحت کشت و زراعت قرار گیرد.

از طرف دیگر تا جائیکه تجربه نشان داده است از زمان های گذشته الی حال در افغانستان کشت و زرع للمی به حبوبات و غله جات معدود از قبیل گندم، نخود، جو وغیره اختصاص داشته و زرع این حبوبات در زمین های للمی کار به شکل عنعنوی آن رایج بوده است ولی در سال های اخیر در ولایت هرات و مربوطات آن کشت یکنوع حبوب «گیاه دانه ای» بنام «کراپه» رواج یافته است که این گیاه به شکل للمی کشت گردیده و حاصل دهی آن قابل توجه زارعین و مالکین اراضی للمی کار قرار گرفته است و در مدت زمان اندک در زرع و کشت این «گیاه دانه» علاقه مندی و

توجه خاص و زیادی نشان داده شده است.

این گیاه دانه در داخل کشور مصرف نداشته و مورد استفاده ای اهالی مردم قرار نمیگیرد و عمدتاً به خارج صادر گردیده و در آینده قریب ممکن يك قلم عمده ای عواید اسعاری کشور قلمداد گردد.

عوامل عمده و مهمیکه علاقه مندی مردم، زارعین و مالکین اراضی للمی کار را در ولایت هرات و مربوطات آن در حصه کشت و زرع این «گیاه دانه» بدان معطوف داشته خلاصتاً قرار آتیست:

الف: کشت و زرع این «گیاه دانه» يك پروژه تقریباً زود رس و کوتاه مدت میباشد.

ب: در زرع و کشت این «گیاه دانه» به مصرف انرژی کمتر و مصرف وجوه کمتر مالی ضرورت احساس میگردد.

ج: حاصل دهی و بهره برداری این گیاه دانه در سطح تولیدات زراعتی بمائل چشم گیر بوده و قابل ملاحظه میباشد.

د: ازینکه قابلیت صدور به خارج را داشته و تقاضای زیاد در سطح بازار و تجارت بدان محسوس و موجود میباشد توجه زارعین و طبقه تجار را برای خود جلب نموده است.



ج: امکانات شخم زدن و قلبه کاری اراضی للمی کار توسط ماشین آلات تخنیک زراعتی (تراکتور) چه از طریق تشبثات دولتی و چه از نگاه فعالیت های شخصی و خصوصی در سطح قابل ملاحظه ای در ولایت هرات و مربوطات آن بدسترس زارعین قرار داشته است.

بناءً با در نظر داشت تذکرات فوق طوریکه قبلاً هم اشاره شد کشت و زرع این گیاه دانه در ولایت هرات و مربوطات آن بصورت نسبتاً سریع رشد و انکشاف حاصل نموده و وسعت و دامنه پیدا کرده است. البته قابل تذکر و یاد آوری است که زرع و کشت این «گیاه دانه» در ولایت هرات و مربوطات آن فقط و فقط به اساس معلومات و تجارب شخصی و عنعنوی زارعین صورت گرفته و متکی بکدام اساس و دستور فنی و مسلکی زراعتی نمی باشد و بدین لحاظ اینکه برداشت حاصل از نگاه حجم تولید در سطح ادنا، اوسط و یا اعلی صورت میگیرد و یا چطور؟ موضوع قابل سوال بوده و ایجاب ارزیابی و تحقیق های علمی و مسلکی را مینماید تا از کسرات و ضایعات ممکنه و قابل وقوع جلوگیری بعمل آمده و حجم تولید و حاصل دهی آن تا جائیکه ممکن باشد بلند برده شود. برای اینکه اراضی للمی کار بیشتر تحت کشت «این گیاه دانه» قرار داده

شده و سطح تولید و حاصل دهی آن تا حد ممکن بلند برده شود و از ضایعات و تلفات قابل وقوع تا حد ممکن جلوگیری بعمل آید مطالب و نکات آتی در مورد قابل تذکر و یاد آوری میباشد:

۱- احداث فارم های زراعتی تجربوی و تحقیقاتی در ولایت هرات و مربوطات آن تا از نگاه مسلکی و فنی چگونگی کشت و زرع این «گیاه دانه» به منظور حاصل دهی و تولید هر چه بیشتر و جلوگیری از تلفات و ضایعات آن مورد ارزیابی و تحقیقاتی علمی قرار گرفته و زارعین جهت برداشت حاصل بهتر و بیشتر، تشویق، ترغیب و رهنمائی گردند.

۲- احداث فارم های زراعتی و تجربوی در سایر محلات و مناطق مشابه تا زرع و کشت این «گیاه دانه» در سایر ولایات و محلات کشور رونق و توسعه پیدا نموده و به این وسیله یکمقدار زیاد اراضی لامزروع تحت کشت و بهره برداری قرار گیرد.

۳- تهیه وسایل و ماشین آلات تخنیک (تراکتور) بخاطر شخم زدن و قلبه کاری زمین های للمی کار که بدین وسیله در حصه وسعت دادن کشت کار این «گیاه دانه» و برداشت حاصل هرچه بیشتر اقدامات موثر و قابل ملاحظه صورت گرفته میتواند.

۴- تهیه وسایل و ماشین آلات

تخنیک به جهت درو نمودن و جمع آوری و برداشت هر چه بهتر و سریعتر حاصلات این «گیاه دانه» چه قرار معلوم با نزدیک شدن موسم درو هرگاه بفرصت مساعد و عندالموقع این «گیاه دانه» درو و جمع آوری نگردد با هجوم و حملات موش تلفات و ضایعات زیادی بدان وارد میگردد.

ازان جائیکه در شرایط و جریانات فعلی به مقامات حاکم در کشور این فرصت مساعد و میسر نیست که در زمینه رسیدگی لازم و مقتضی را عملی نمایند بناءً این مسئولیت به عهده ای اشخاص، موسسات و اداراتی است که در رابطه به همچو مسایل و ارزیابی های آن امکانات اداری، اقتصادی و اجتماعی لازم و کافی را در دسترس و اختیار دارند و میتوانند گام های مثبت و مفیدی را در این راسته به نفع اقتصاد عمومی کشور و مردم بر دارند. و در رابطه باین موضوع اینکه چگونه و از چه طریق درین زمینه امکان فعالیت و تشبث موجود خواهد بود موارد آتی تذکر داده میشود.

بیشتر و اولتر از همه ایجاب مینماید تا موضوع کشت، زرع و حاصل دهی این «گیاه دانه» از نگاه مسایل مسلکی و فنی مورد تحقیقات و ارزیابی های علمی و عملی قرار داده شود هرگاه نتیجه مثبت ارزیابی گردد امکانات

عملی ذیل قابل توجه و ملاحظه میباشد.

۱- اشخاص و موسسات مستعد و ذی‌علاقه میتوانند با داشتن و میسر بودن امکانات مالی و اداری و غیره خود به کشت این «گیاه دانه» مبادرت ورزند.

۲- زمین های وسیع للمی کار ملکیت اشخاص و یا دولت میشود که با ارزان ترین و سهل ترین امکانات مورد استفاده قرار گیرد.

۳- این اشخاص و موسسات با میسر بودن امکانات مالی و تخنیکی کافی و با دسترسی به معلومات مسلکی و فنی اساسی در حصه کشت و زرع این «گیاه دانه» میتوانند سطح حاصلات را به بلند ترین مقدار و بهترین نوع تولید ارتقا دهند.

۴- این اشخاص و موسسات میتوانند امکانات دست داشته ای مالی و تخنیکی و معلومات حاصله ای فنی و مسلکی ای خویش را تحت شرایط مشخص و معین بدسترس عموم زارعین این «گیاه دانه» قرار داده و در بلند بردن سطح تولید و برداشت حاصل بهتر مفید و موثر واقع گردند. و زارعین را به برداشت حاصل بهتر تشویق و ترغیب نمایند.

۵- این اشخاص و موسسات میتوانند که زمینه ای بازار یابی و صدور بهتر و مفید تر این گیاه دانه را باز یابی و جستجو نموده و در مورد

موثر و مفید واقع گردند.

۶- اشخاص انفرادی و موسسات انتفاعی میتوانند که با جلب و جذب سرمایه گذاری های خارجی و داخلی در کشت و زرع این گیاه دانه گام های مثبت و مفیدی را برداشته و با حصول این تولید و صدور آن بخارج منافع مشروع و سالم قابل ملاحظه ای را کسب نمایند.

توقع اینست که اشخاص و موسسات متعدد ذی‌علاقه و مشمول درین مورد و موارد مشابه آن داخل یک سلسله تشبثات و فعالیت های موثر و مثبت گردیده و با اغتنام وقت و فرصت مساعدیکه برای شان میسر میباشد در صورت امکان از نگاه نظری و عملی اقدامات لازمه را مرعی دارند هرگاه در شرایط حاضر از نگاه عملی مشکلاتی موجود باشد البته جمع آوری، ثبت و تنظیم و اشاعه نظریات فنی و مسلکی و علمی شان در آینده با رفع مشکلات جاری در ساحه عملی پیاده خواهد شد و یک‌کعبه خلا های بی شماری را که در آینده پیش بینی شده و تصور میگردد پر خواهد نمود، و این امر بذات خود مورد مشخص است که میباید طرف توجه قرار گرفته و از طریق یک اداره مرکزی و تنظیم کننده بصورت هماهنگ بالای آن کار شود و درین مورد در آینده در صورت لزوم بحث صورت گرفته و تفصیل داده خواهد شد.

## زبان و نقش آن ...

نوشتن در حیات مادی و معنوی از اهمیت فراوان بر خوردار است خداوند (ج) در قرآن کریم چنین ارشاد میفرماید. و (عَلَّمَ بِالْقَلَمِ تَعْلِيمَ دَادَهُ شَدَّ بِا قَلَمِ پیرامون اهمیت و ارزش قلم چندین بار در قرآن کریم تذکر بعمل آورده است.

قلم گفتا که من شاه جهانم  
قلم کش را به عزت میرسانم  
بخش چارم:

### مهارت بیان و یا خطابه

قدرت و برتری نظامی استعداد فطری و خدا داده ای است که هر کس بدین نعمت مفتخر نمیشد. از قدرت و قوت نظامی بیشتر آنان برخوردار اند که دارای آواز مایکرو فونی میباشند که این آواز از طرف اهل فن مشخص شده و در روند انکشاف قرار داده میشود آواز مایکرو فونی چنان آواز است که شنوند ها را با خود جذب کرده و تا اخیر با خود میدارد عموماً تلفظ درست کلمات، گراف نوسانی جملات، دخیل کردن احساس نظر بخاصیت جمله و تغیر لهجه، همه از مهارت های است که نطق ماهر در وقت نظامی در نظر میگیرد. نطق جملات را قبل از نظامی تنظیم نموده و مطابق آن عملیه نظامی را به پیش میبرد، زمانیکه نطق به نظامی خود حاکمیت پیدا میکند شیوه صحبت مهارت مندانه را بخود اختیار کرده در مؤثریت نظامی نیز می افزاید.

## نورضیا صالحی

## رول زن در اجتماع

برادران از جمله فعالیت های زنان در جامعه بشمار میرود که تاریخ کشور ما شاهد آن است.

حقیقت امر آنست که زن افغان مسلمان است، سمبول شجاعت و قهرمانی و پاکدامنی است، همچنان دین اسلام برای زن ارزش و مقام خاص قایل بوده است از بدو پیدایش اسلام همه زنان در فعالیت های اجتماعی و دینی سهم فعال داشته اند که تاریخ اسلام نمونه های خوبی از آن دارد.

بی بی خدیجه «رض» زن پیغمبر (ص) اولین زنی بود که مصایب پیغمبر (ص) را متقبل شده همراهی وی همکاری نموده و اولین زن بود که ایمان آورد.

بی بی سومه اولین زن بود که به شهادت رسید. بی بی فاطمة الزهرا «رض» نمونه بارزی از شخصیت زن بود. همینطور بی بی عایشه «رض» حافظ حدیث پیغمبر (ص) بود.

طوری که دیده میشود که حقوق و شخصیت زن در دین اسلام از هر لحاظ تثبیت است. پس زنان افغان هم منحصراً زن مسلمان و یک انسان که قابل تکریم و احترام است شناخته شده با در نظر داشت رعایت حقوق داده شده آنها از نگاه دین اسلام در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نقش ارزنده را دارا اند.

رعایت کردن حقوق مشترک بین زن و مرد هر یک را متوجه میسازد که با وحدت نظر و عمل هماهنگی و یک پارچه گی در تأمین پیشرفت و ارتقای جامعه بپردازند زیرا تفسیر آیت قرآنی است که «رعایت حقوق و آداب و احترام متقابل باعث ایجاد اعتماد و فضای گوارا بین زن و مرد میشود» بناءً لازم است تا هر یک نیروی ذهنی و جسمانی خود را برای بهتر سازی جامعه بکار انداخته بسوی پیروزی گام بردارند. ■

خستگی نا پذیر در برابر نا ملایمات و مشکلات زندگی فامیلی و اجتماعی دست و پنجه نرم میکنند.

زن افغان با تاریخچه که دارد از سالیان درازی دوش با دوش برادران خود کار کرده و میکنند در کار های زراعتی، صنعتی، ساختمانی، و بالاخره در همه بخش های تولیدی مستقیم و یا غیر مستقیم سهم بوده اند. امروز زنان در اجتماع با موقف های مختلف و مهارت های گوناگون موجود اند مثلاً: زنان به حیث معلم، قاضی، قانون دان، داکتر و نرس ایفای وظیفه مینمایند. آنها خود مثل صلح نیز میباشند یعنی در پروسه صلح نقش مهم را در جامعه بازی میکنند و این مهارت را دارند که در بر آوردن صلح از فامیل شروع کرده تا محلات و بالاخره تا سطح جامعه نقش مهم و برآورنده را بازی کنند زنان توانائی هر گونه فعالیت ها را داشته و در هر رشته تخصص حاصل نموده اند همین که گفته اند (زن با یک دست گهواره و با دست دیگر جهان را می جنباند) از جمله فوق پیداست که بدون شرکت زن رشد و بالندگی یک جامعه نا ممکن است.

زنان افغان نه تنها در شرایط صلح و ثبات در کشور دوشادوش برادران خویش در رشد و ارتقای کشور سهم بوده اند بلکه در زمان جنگ نیز نیازمندی شرکت زنان در عرصه های مختلف چون پرستاری و مرهم گذاری، رسانیدن آب و نان به صفوف قوتها، رسانیدن مهمات در جبهه های جنگ و دادن روحیه قوی به پسران، شوهران، و

این واقعیت واضح و روشن است که زن و مرد هر دو بنیان گذار یک جامعه سالم اند. بنابراین بهر اندازه و معیاریکه این هر دو با روحیه پاک آسلاهی و احساس وطن دوستی در روند بهتر سازی و شکوفائی آینده جامعه خود بکوشند به همان اندازه مسئولیت های ایمانی و وجدانی خود را در برابر اجتماع خود رفع نموده اند.

امروز در جامعه ما زنان مانند مردان مسئولیت های بس سنگین را به عهده داشته و دارند که در بر آورده شدن این مسئولیت ها دوش با دوش برادران خود قربانی ها داده اند و چه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم دست خوش حوادث ناگوار و رنج و عذاب گردیده اند.

امروز زنان افغان توانندی آنها دارند که در ارتقاء سطح آموزش و تعلیم و تربیه نقش فعالی را ایفاء نمایند. و هم زن افغان میتواند سهم خود را در اقتصاد و توسعه بیشتر سازد و در کمک تعلیم و تکنالوژی معاصر گامهای سودمند بردارند.

ناگفته نباید گذاشت که گذشته از نمونه های که زنان در صدر اسلام چگونه در نبرد ها و امور اجتماعی سهم بوده اند زنان افغان نیز به گواهی تاریخ از خود کار نامه های تحسین آفرین بجا گذاشته اند. که ما همه امروز به آنها میبایم زیرا که ما خواهران و دختران ملالی ها و زرغونه ها و نازو ها هستیم.

همانطوریکه زنان افغان مسئولیت بزرگ فامیل را به عهده دارند مسئولیت بس سنگین را در برابر اجتماع و مردم خود نیز احساس میکنند و با حوصله فراخ و

که از طرف موسسه CoAR ترتیب  
گرفته بود توسط Jan Ahlander  
و Arne Strand برای شاملین  
ورکشاپ توزیع گردید. ورکشاپ با  
خواندن دعائیه — اختتام پذیرفت.

## کورس انکشاف جامعه

تربیه شخصیت های علمی و  
مسلكي کار آساني نبوده و ايجاب  
سرمایه گذاری فیهون و زمان طولانی را  
مینماید بناءً این يك وظیفه و وجیبه هر  
افغان متدین و با احساس است که در  
جهت تربیه شخصیت های علمی و  
مسلكي توجه عمیق را مبذول داشته و  
در رشد انکشاف جامعه بیش از پیش  
توجه و جدیت به خرج دهد. به منظور  
بلند بردن مهارت های مسلكي کارمندان  
مؤسسات ملی و بین المللی کار پرد شیوه  
های نوین عملیه آموزش و پرورش در  
ساحه فعالیت ها يك امر ضروري دانسته  
شد، که روی این ملحوظ کورس  
انکشاف جامعه برای رشد و انکشاف  
کارمندان مهم تلقی میگردد. به همین  
اساس دفتر هماهنگی کمکها برای  
افغانها، کورس تربیوی انکشاف جامعه  
را برای مدت پانزده یوم از تاریخ ۲۳  
فبروري الي ۱۵ مارچ سال ۱۹۹۷ در

دیده میشود تا بخاطر ارتقاء سطح  
دانش مامورین حوزوي و ساحوي همچو  
ورکشاپ ها را وقتاً فوقتاً دایر نمایند.

همان بود که بتاريخ ۱۵-۱۷  
فبروري سال ۱۹۹۷ ورکشاپ فعالیت  
های سالانه خویش را در کابل برگزار  
نمود که در ورکشاپ کمیته اداری دفتر  
مرکزي، مسئولین دیپارتمنت های مرکزي،  
مسئولین دفاتر حوزوي و ساحوي، آمرین  
سکتور های مختلف در ساحه اشتراك  
ورزیده بودند.

ورکشاپ مذکور برای مدت (۳) روز  
دوام داشت که در دو روز اول ورکشاپ  
راپور گزارش دهی دفتر حوزوي، گروپ  
هماهنگی غزني (GCG) مرکز  
انکشاف دهات برکی راجان

BRDC مرکز انکشاف دهات شش  
قلعه Sh, RDC مرکز انکشاف دهات  
بختور شهید B. Sh. RDC و دفتر  
کابل استماع گردید که بعد از گزارش  
دهی، جر و بحث همه جانبه بالای  
نظریات و پیشنهادات ارایه شده، از  
طرف رئیس موسسه هماهنگی کمکها  
برای افغانها و کمیته اداری صورت  
گرفت. در روز سوم ورکشاپ محترم  
Jan Ahlander رئیس موسسه NCA  
و محترم Arne Strand معاون  
موسسه محترم محمد صدیق در جلسه  
اشتراك ورزیدند و که راپور اجمالی  
دفاتر حوزوي و ساحوي را که توسط  
محترم اسد الله ملاخیل ارایه گردید  
استماع نمودند و در ختم ورکشاپ تحایف

## معرفی کتاب سبزیجات

موسسه هماهنگی کمکها برای  
افغانها اخیراً کتابی را تحت عنوان  
سبزیجات به نشر سپرده و بدسترس  
علاقتمندان و اهل مسلك گذاشته است.  
نویسنده این کتاب محمد اکبر بابری  
بوده که معلومات خوب را برای کارکنان  
سکتور زراعت ارایه و هم چنان مد  
دوسی خوب برای مؤسسات عالی  
تعلیمی میباشد.

این کتاب شامل ۳۸ نوع سبزی  
مختلف النواع بوده و هر سبزی بصورت  
مشخص و علیحده تشریح گردیده و  
محتویات آن شامل طرز و تخنیک علمی  
کشت، طرز آبیاری، طرز استعمال کود  
کیمیای، خیشاوه، طرق رفع حاصل،  
نوعیت، توافق نبات با خاک و بالاخره،  
ذخیره و مارکیت سبزی میباشد.

## ورکشاپ تربیوی کابل

دفتر هماهنگی کمکها برای  
افغانهای CoAR از بدو تاسیس  
خویش در سکتور های مختلف برای  
احیای مجدد افغانستان فعالیت های  
مثمر را انجام داده است. پنایر نیاز  
مندی های روز افزون در کشور و باز  
سازی آن علاوه بر پیشبرد کار های  
علمی و تجارب تحقیقاتی در ساحه، لازم

## گردش های آزاد و تاثیرات آن بالای صحت انسان

میشاقیه دوستدار

مینمایند که چنین اشخاص عموماً رنگ صورت شان به زردی گرائیده، چشم ها حلقه زده و به گودی میروند و ایشان از هر کاری به زود ترین فرصت خسته میشود. گردش در هوای آزاد یعنی چه؟ انسان باید حد اقل روزانه برای سی دقیقه از طرف صبح و یا عصر بیرون از منزل قدم بزند به خصوص از طرف صبح موثر تر خواهد بود انجام این عمل نه آنقدر سریع باشد که نفس های انسان به شمارش پیافند و نه آنقدر بطی باشد که هیچ تأثیر بالایی ارگانیزم بدن نکند، یعنی متوسط باشد، اگر شخص این عمل را در طول یک هفته متواتر انجام دهد تأثیر آنرا در بهبود صحت و وجود خویش احساس خواهد کرد.

شاید به همگان معلوم باشد و یا دیده باشید که تمام ورزشکاران مشهور جهان در حالیکه به ثقیلترین ورزش ها دسترسی داشته اند در پهلوی آن از گردش آزاد هم در هوای تازه به حد اعظمی استفاده میکنند. و اصلاً نقش عمده را هم در صحت آن ها و توانائی بیش از حد آن ها را همین گردش در هوای آزاد بازی میکند، یعنی حجات بدن آن ها با گرفتن آکسیجن مورد ضرورت شان همیشه خود را آماده برای انجام هر نوع عمل و لوکه مشکل هم باقی در صفحه (۵۹)

در گذشته ها و عصر کنونی گشت و گذار در هوای تازه و آزاد از هر لحاظ مضر و مفید دانسته شده و کوشیده شده تا از طرق مختلف این نکته برای همه انسان ها گوشزد گردد.

این يك امر واضح و روشن است که گرفتن هوای آزاد از طریق سیستم تنفسی نه تنها باعث سریع شدن جریان خون میگردد بلکه در ترمیم و احیای مجدد حجات بدن مانیز نقش ارزنده را دارد چنانچه میدانیم که انسان ها و سایر موجودات حیه برای ادامه حیات شان به اخذ اکسیجن ضرورت میبرم دارند، یعنی طور فرضی اگر ما به مدت کوتاه و یا لحظه دهن و دماغ خود را ببندیم پلادرنگ تپش شدید قلب در طرف چپ و هم تنگ شدن سینه و شش ها به وضاحت احساس میشود. و اینرا هم میدانیم که اکسیجن مذکور بعد از تصفیه شدر در شش های ما به وسیله کربنات خون به تمام نقاط بدن پخش میگردد و این اساس همیشه توصیه شده که با اطن های ما فراخ و دارای کلشن ها به گ باشد تا اکسیجن مورد نیاز ما سازه کافی داخل اطاق و بدن ما گردد. سی بعضاً دیده شده که در اصطلاحی چک تعداد زیاد از اعضای فامیل است و استراحت

دفتر مرکزی خویش در پشاور دایر نموده بود که از استادان مجرب و ورزیده آن رشته دعوت بعمل آورده بود.

در این کورس بر علاوه از کارمندان ساحوی و دفتر مرکزی از کارمندان سایر موسسات نیز دعوت شده بود. البته محتویات کورس بشکل Outline قبلاً برای شاملین کورس توزیع گردیده بود. برای اینکه مواد کورس انکشاف جامعه به صورت منسجم جمع آوری و به حیث مدد درسی در آینده استفاده شود مدیریت نشرات موسسه CoAR تمام مضامین را که در کورس تدریس گردیده بود بشکل يك نشریه علمی و مسلکی ترتیب و برای اشتراك کنندگان کورس توزیع خواهد نمود، البته در جریان کورس تربیوی اشتراك کنندگان از بخش های مختلف فارم ترناب و فارم مالداري هری چند Hari Chand در چهار صده دیدن بعمل آوردند که از طرف مؤظفین هر بخش معلومات علمی و مسلکی ارائه میگردد.

بعد از ختم کورس برای شاملین آن تصدیق نامه ها و تحایف که از طرف دفتر موسسه CoAR در نظر گرفته شده بود توزیع گردیده است.



# په افغانستان کي د غنمو د اصلاح شوو تخمونو د کولو لنده تاريخچه

ديپلوم انجنير محمد عمر انورزي

سريزه:

نن سبا په نړۍ او په تيره بيا په پرمختلونکو هيوادو کي د نفوس شمير ورځ په ورځ مخ په ډيريدو دي، نوموړي حيرانوونکي ډيرښت ددې سبب گرزي چې نړيوال د مخ پر زياتيدونکي نفوس لپاره د خوراکي موادو د چمتو کولو لاري چاري ولټوي.

د نړۍ نفوس په ۱۶۵۰ ميلادي کال کي ۵۰۰ ميليونه، په ۱۸۵۰م کال کي ۱۰۰۰ ميليونه او په ۱۹۷۳م کال کي ۴ بيليونه ده. پر همدې ترتيب په ۲۰۰۰ ميلادي کال کي د نړۍ د نفوسو شمير بنيايي ۶،۲ بيليونه ته ورسيدی چې د دې نفوسو زياته برخه (په سلو کي ۹۵) زياتوالي په اسيا، افريقا او لاتيني امريکا کي اټکل کيږي (۶،۳).

د مالتوزين د نظريي (Malthusian Theory) پر بنسټ نړيوال کولای شي چې خپل توليدات يوازي د حسابي تصاعد پر حساب زيات کړي، حال دا چې د نفوسو ډيرښت د هندسي تصاعد (Geometric progression) پر بنسټ زياتيږي. چې

پدې ترتيب د توليد د منابعو او د نفوسو د ډيروالي ترمنځ يو لوی نا انډولتوب موجود دی.

نړيوالو ته ددې ستونزې د حل لپاره دوه لاري موجودي دي:

يوه دا چې دوی بايد شاري ځمکي تر کرنې لاندې راولي او اوسني کرنې وړ ځمکه زياته کړي، تر څو د پر مخ زياتيدونکي نفوس لپاره خوراکي مواد چمتو کړي. دا ښکاره خبره ده چې ددې کار تر سره کول زياتي پانگي ته اړتيا لري او زياتره دا ډول شاري ځمکي هم په پرمختلونکو هيوادو کي شته والي لري، ځکه پرمختللو هيوادونو دا کار لاپخوا تر سره کړيدی او نن سبا هغوی د نورو سياراتو د تسخيرولو هلې ځلې کوي. د خوراکي موادو د زياتولو دويمه لاره دا ده چې د نوي تکنالوژي په برکت چې اصلاح شوي تخمونه، کيمياوي سري، د ناروغيو او حشراتو مخنيوی او مناسب کرنيز عمليات دي د کرنې وړ ځمکي د هر واحد څخه زيات حاصلات تر لاسه کړي.

خيرونو ښودلي ده چې د نوي

تکنالوژي په برکت نن سبا په نړۍ کي د غنمو حاصلات دوه او يا څو چنده زيات شوي دي. د افغانستان پرمختللو برخو کي د اصلاح شوو تخمونو څخه په جريب کي ۱۰۰-۱۲۰ منه حاصل يوه معمولي اندازه ده. د هيواد په مختلفو برخو کي ځينو دهقانانو په جريب کي د ۲۰۰-۲۵۰ منو راپور هم ورکړيدی. په پرمختللو هيوادو کي د يو جريب ځمکي څخه د ۲۵۰-۳۵۰ منو حاصلاتو اخيستل دومره غير معمولي خبره نه ده (۱).

د نوموړي نوي تکنالوژي په برکت په نړۍ کي شين انقلاب (Green Revolution) منځته راغلو چې ددې ښه انقلاب ښي زمونږ هيواد ته د ۴۰ هـ ش لسيزي په ترڅ کي راوړسيدی او زموږ وروسته پاتي کرنې ته يې هم يو پرمختلونکی تکان ورکړ.

د هيواد دا حصايي د مرکزي دفتر (CSO) د راپور پر بنسټ د ۱۹۷۵-۱۹۷۶ ميلادي کلونو (۱۳۵۴هـ ش) په ترڅ کي د هيواد د کرل شوو ځمکو په سلو کي ۳۰ کي د غنمو



تخمونو د خیرنی د مرکزونو موقعیت او ځانګړتیاوی په لومړي جدول کې لیدلی شو.

لومړی جدول، په افغانستان کې د اصلاح شوو تخمونو د خیرنو مرکزونو (۹).

دسمندر څخه لوروالی په متر	ساحه په جریب	د تاسیس کال	د خیرنیز مرکز نوم	ګڼه
۵۱۰	۵۱۵	(۱۳۳۶) ۱۹۵۷	پوزه ایشان بغلان	۱
۲۲۵۰	۳۵	(۱۳۳۹) ۱۹۶۰	ملا غلام بامیان	۲
۳۷۸	۳۷۵	(۱۳۴۰) ۱۹۶۱	بلخ	۳
۵۵۲	۷۰	(۱۳۴۲) ۱۹۶۳	شیشم باغ جلال آباد	۴
۴۵۵	۲۷۵	(۱۳۴۵) ۱۹۶۶	کنډز	۵
۹۶۴	۱۱۲۵	(۱۳۴۶) ۱۹۶۷	اردو خان هرات	۶
۱۰۰۵	۲۲۵	-	کوګران کندهار	۷
-	۱۲۵	-	دارالامان کابل	۸

اصلاح شوی ډولونه کرل شوی وه او د همدې کرل شوو ځمکو په سلو کې یوازی په ۱۲ کې کیمیاوی سره استعمال شوی وه (۲). سره ددې چې دا یوه لږه اندازه (فیصدي) ده، خو بیا هم زمونږ هیواد ددې جوګه شو چې په ۱۳۵۴ هـ ش کال کې د غنمو د حاصلاتو له پلوه پر خپل ځان متکی شي. دا ځکه چې په نوموړي کال کې یوازی ۲۵۰۰ تنه غنم د بهر څخه وارد شوی وه چې هغه هم ښايي اصلاح شوی تخمونه وي.

د ۴۰ لسیزې څخه نیولې تر نن (۷۰ لسیزې) پورې د غنمو د اصلاح شوو تخمونو په ډیرولو (تکثیر) او منځته راوړلو کې دولتي خیرنیز مرکزونه او د انقلاب په کلونو کې یو شمیر خیریه غیر حکومتی موسسې په دې هکله فعالیتونه کړيدي چې دا دی هر یو یې د ممکنه لاسته راغلو معلوماتو او د هغه وخت د غنمو د ډولونو سره په لنډ ډول تر خیرنی لاندې نیسو:

#### د دولتي خیرنیزو مرکزونو له لارې د اصلاح شوو تخمونو تکثیر او ویش

د غنمو او نورو کرنیزو نباتاتو د اصلاح شوو تخمونو د تکثیر او منځته راوړلو مرکزونو زموږ په هیواد کې دولتي خیرنیز مرکزونه دي چې هغوی به په مکسیکو کې د جوارو او غنمو د اصلاح کولو د مرکز (CIMMYT)، د نړۍ د خوراکي موادو او کرنې د موسسې (FAO) او نورو منابعو څخه اصلاح شوی تخمونه اخیستل او تر خیرنی وروسته به یې په هیواد کې مناسبو سیمو کې ویشل. د هیواد د اصلاح شوو

دی او داسې اټکل کیږي چې لندنۍ اصلاح شوی غنم ښايي لومړنی غنم وي چې زمونږ هیواد ته د بهر څخه معرفي (Introduce) شوی دی (۴).

تر دې وروسته د غنمو مختلف ډولونه د بهر څخه راوړل شوي او تر ضروري خیرنو وروسته د هیواد په مناسبو ځایونو کې د هغو کرنه رواج شوي ده. هغه اصلاح شوی غنم چې د دولتي خیرنیزو مرکزونو پواسطه تکثیر شوی او یا هم د ویش لپاره ترویج (Released) شوی دی زیات دی چې مونږ به یې یو شمیر مهم او مشهور ډولونه د هغو لنډو ځانګړتیاوو سره ډله وڅیړو.

باید ووايو چې د دارالامان سټیشن د هیواد مرکزي خیرنیز مرکز دی او د هیواد تر ټولو لوی خیرنیز مرکز د هرات د ولایت د اردو خان سټیشن دی چې ۱۱۲۵ جریبه سیمه یې نیولې ده. دا هم باید ووايو چې په نوموړو خیرنیزو مرکزونو کې د غنمو برسیره نور کرنیز نباتات لکه شولې، جوار، وربشی، حبوبات، پومبه، تیلی نباتات، لبلبو، گني، د نارنجو کورنی، سبزیجات او میوه جات تر خیرنی لاندې نیول کیدل.

#### د غنمو لومړنی اصلاح شوی تخمونه

افغانستان ته د لومړي ځل لپاره د غنمو اصلاح شوی تخم په ۱۹۶۴ میلادي (۱۳۴۳ هـ ش) کې راوړل شوی

۱- باختر (Bakhtar): دا يره د غنمو ډيره زړه او پخوانی ورايتی (Variety) ده چې اوس يی د کرلو سپارښتنه نه کيږی. دا ډول غنم پخوا د هيواد په شمالی ولايتونو کې زيات رواج وه.

۲- چيناب (Chenab): دا هم يوه زړه ورايتی ده چې په ۷۰ ميلادی لسيزه کې منځته راغلی وه او اوس يی د کرلو سپارښتنه نه کيږی دا ډول غنم په تودو سيمو کې د منی د غنمو او په سرو سيمو کې د پسرلی غنمو په توگه کرل کيدل. ددی ډول غنمو د ډوډی کيفيت خراب وه (۷).

۳- قفقاز (Qafkaz): دا يوه روسی الاصله ورايتی ده چې د لوړو سيمو سره يی ښه توافق درلود. د نوموړو غنمو خاصيت د بزوستایا غنمو ته ورته دی، خواوس يی کرنه رواج نه ده.

۴- بزوستایا (Bezostaya): د بزوستایا غنم په ۱۹۷۵ ميلادی (۱۳۴۵ هـ ش) کال کې په افغانستان کې رواج شويدي. نوموړی غنم د روسی څخه نشست کړی دی نوموړی غنم ښه حاصلات ورکوی، د ژمی د سرو په مقابل کې مقاوم دی او د ناروغيو پر ضد منځنی مقاومت لری. نوموړی غنم د هغو سيمو لپاره چې تر ۱۸۰۰ مترو زيات لوړوالی لری مناسب دی او د هغو کرنه د هيواد په سرو سيمو کې رواج وه. دا د غنمو ورايتی بيا وروسته کرار کرار د غنمو د نورو ډولونو لکه

مکسيپک او دارالامان يو پواسطه بيځايه شوه خو څرنگه چې اخرنی دواړه د غنمو ډولونه د زنگ (Rust) د ناروغی په مقابل کې حساس شول، نو همدا علت وه چې د بزوستایا غنم د دوهم ځل لپاره بيا خپل مقام تر لاسه کړل او کرنی يی دوام وموند.

دا هم بايد ووايو چې د بزوستایا غنم يو شمير نيمگړتياوی لری چې هغه پدی ډول دی (۷):

الف- څرنگه چې نوموړی غنم ليشکی نه لری (awnless)، نو لدی کبله د مرغانو پواسطه زبان من کيږی.

ب- د غنمو دانه يی سوريځنه ده نو ځکه د ډوډی رنگ يی يو څه تياره او سوريځنه ښکاري او ځينی خلک يی نه خوښوی.

ج- دا يوه وروسته رسيدونکی (ډير رس) ورايتی ده که چيری د سنبلې د ۲۰ څخه د ميزان تر ۲۰ پوری وکرل شوی نو ښه ده، خو وروسته کرل شوی غنم د پخيدو پوری نه رسيږی.

د- ددی غنمو بوس يا وښه (straw) زيره دی او څاروی يی په مينه نه خوری.

۵- GKF 8001: يوه مجارستانی (هنگری) ورايتی ده چې د سرو په مقابل کې مقاومت لری او د بزوستایا غنمو ته ورته ځانگړتياوی لری.

۶- مکسيپک (Maxi Pak): نوموړی ورايتی د مکسيکو او پاکستان څخه نشست کړيدی او د ۶۰ عسيوی

لسيزی په پای او د ۷۰ عيسوی لسيزی په پيل کې يی په افغانستان کې رواج موندلی دی.

دا يوه ډيره بريالی ورايتی وه چې د افغانستان په اکثرو سيمو کې ورسره بزگران بلد دی او عامو خلکو ورته د (نيسی پاک) لقب ورکړيدی، دا ځکه چې ددی ورايتی په رواجيدو سره د هجري لمريزی ۵۰ لسيزی په پيل کې د غنمو حاصلاتو کې يو انقلابی او حيرانوونکی بدلون راغی او ښايی همدا غنم دی چې د غنمو د نورو مروجو ډولو په مرسته يی افغانستان د پنځوسمی لسيزی په نيمايی کې د پر خپل ځان متکی کيدو سویی ته ورسوه.

بايد ووايو چې نوموړی غنم اوس د رنگ يا سرخی د ناروغی په مقابل کې حساس شوی دی او بايد د نوو اصلاح شوو غنمو پواسطه بيځايه شی، دا ځکه چې کرنه يی تر دی وروسته گټوره نه بريښی.

۷- برسیره پردی د غنمو يو شمير نور ډولونه لکه لرماراهو، نکوزاری، دارالامان يو، دارالامان دوه، دارالامان ۳-۴، باميان يو، افغان-۱۴، اسپيگس، نيپهامو-۶۲، ننگرهار-۶۴، AD2232 او نور هم د هيواد د څير نيزو مرکزونو لخوا تکثير او منځته راغلی دی او يو شمير يی تراوسه هم په هيواد کې کرل کيږی. (۷، ۹).

نکوزاری (Nacogari) چې د CIMMYT څخه يی منشا، اخيستی،

خو پدی کلونو کې په سروی شوی سیمو کې هیچا ته د وخت حکومت اصلاح شوی غنم نه دی ورکړی (۷).

د جنگ د کلونو په ترڅ کې یو زیات شمیر غیر حکومتی موسساتو

(NGOs) چې د ډیرو مرکزونو په پاکستان کې وه د افغانستان د جنگ ځپلې هیواد د بیا ودانولو په لړۍ کې د اصلاح شوو تخمونو تکثیر او آن تر دی

شوی ډولونه کرلي وه د هغو څخه په سلو کې ۳۸،۲ بزگرانو خپل کورنی اصلاح شوی غنم ساتلی وه او په سلو کې ۱۶،۳ یی د گاونډیانو څخه د غنمو اصلاح شوی تخمونه اخیستي وه او پاتی ۴۵،۵ په سلو کې یی اصلاح شوی تخمونه د حکومت څخه اخیستي وه (۷). حال دا چې په ۱۳۶۶ هـ ش (۱۹۸۷م) کال کې پاتی نه کاله وروسته



د غنمو د علمی څیړنو یوه کرونده

چې د مختلفو ډولونو څیړنو (Seed Trials) ته ملا وتړله. دغو موسساتو هر یوه د خپل مالی او تخنیکي امکاناتو سره سم د کرنې په بیارغونه کې په عامه توگه او د غنمو د اصلاح شزو ډولونو په ترویج لړۍ کې په خاصه توگه خپله ونډه واخیستله چې د هغو له ډلی څخه یو شمیر نامتو موسسات پدی برخه کې زیات د یادونې وړ دي چې نومونه یی دا

په سلو کې ۶۸،۸ بزگرانو محلی غنم کرل او یوازی په سلو کې ۳۱،۳ بزگرانو د غنمو اصلاح شوی تخمونه کرل چې د هغو د ډلی څخه په سلو کې ۸۵،۶ د خپل کور ساتل شوی هغه پخوانی زاړه اصلاح شوی غنم چې اکثریت یی بنیای مکسیکېک وه کرل او نورو پاتی په سلو کې ۱۴،۴ بزگرانو د گاونډیانو څخه د غنمو اصلاح شوی تخمونه اخیستي وه

HD2232 (یوه هندي وراثتی ده) او افغان ۱۴ په عمومی توگه پسرلنی د غنمو ډولونه دی چې په معتدلو سیمو کې د منی د غنمو په توگه هم کرل کېدای شي.

### د غیر حکومتی څیړیه موسسو (NGOs) له لاری د اصلاح شوو غنمو تکثیر او ویشل:

په افغانستان کې د ثور د کودتا څخه وروسته لکه څنگه چې د ژوند په ټولو برخو کې بدلون راغی، کرنه هم د اقتصاد د نورو سکتورونو په څیر بی اغیزی پاتی نه شوه. نو دا خو طبیعي خبره ده چې د اصلاح شوو تخمونو د تکثیر او څیړنې پروگرام یا په تپه ودریدو او دومره ورو او کم اغیزی شو چې په هیواد کې پاتی او د وخت د حکومت تر کنټرول لاندی سیمو کې یی هم اصلاح شوی تخمونه لکه مکسیکېک او نور چې خپل اغیزمنتوب او ځانگړتیاوی یی کال په کال له لاسه ورکولی کرلي، ځکه چې حکومت د هغو سره پدی برخه کې کومه مرسته نه شوه کولای. ددی لپاره چې د نوموړی ادعا ثبوت مو په موثغو رقمونو کړی وی د هیواد د کرنی یوه سروی ته پاملرنه کوو.

د نوموړی سروی پر بنسټ څرگنده شوی ده چې په ۱۳۵۷ هـ ش (۱۹۷۸ میلادی) کال کې د هیواد په سلو کې ۵۷،۱ بزگرانو محلی غنم کرل او پاتی په سلو کې ۴۲،۹ یی د غنمو اصلاح

دی.

The Swedish committee for Afghanistan, (SCA)

International Rescue committee (IRC)

Danish committee for Aid to Afghan Refugees ( DACAAR)

Afghan aid, Save the Children Fund (SCF),

Austrian Relief committee (ARC), AFRANE,

Afghan Agriculture Experimental center (AAEC) etc.

نوموړو موسساتو خپل د اړتیا وړ د غنمو تخمونه یا د نړۍ خوراکی مواد او کرنی د موسسی (FAO) له لاری او یا هم مستقیما د ځینو پاکستاني دولتی او شخصي د غنمو د تخم تولیدونکو موسساتو څخه اخیستل.

هغه پاکستاني موسسات چې افغانستان ته د غنمو د لیږل شوو اصلاح شوو ډولونو د چمتو کولو منابع گڼل کیدل دا دي:

Cereal crops Research Institute (CCRI) چې د صوبه سرحد په نوبار کې د کابل د سیند پر غاړه موقعیت لري، National Agricultural Research center (NARC) چې په اسلام آباد کې موقعیت لري او همدا ډول په کویت کې (Wheat Re-search Center (WRC) حکومتی موسساتو له ډلي څخه یوه هم

د سویډن کمیټه وه چې د هغی د کرنی د سروی خانگی په ۱۳۶۵ هـ ش (۱۹۸۶) زیات کرل (۷).

کال کې په پیښور کې تاسیس شوه. نوموړی موسسی په ۱۹۸۷/۸۸ کال کې ۲۵ څیړنیزې کروندی (۱۷ د آبی غنمو او ۸ د للمی غنمو لپاره) د افغانستان په ۲۳ مختلفو ځایونو کې او دوه څیړنیز مرکزونه د پاکستان په صوبه سرحد (چهارسده او سوات) کې چې د اګرو ایکالوژیکي پلوه د افغانستان د

دویم جدول: د مختلفو اصلاح شوو غنمو درې کلن منځنی حاصلات (۸).

گڼه	د اصلاح شوو غنمو دورایتی نوم	د کرلو وړ سیمی	درې کلن اوسط حاصلات	
			S/J	Kg/ha
۱	Pirsabak - 85	تودی سیمی	۱۳۵	۴۷۲۴
۲	سپین غر - ۹۴	تودی سیمی	۱۶۱	۵۶۲۲
۳	اریانا - ۹۴	تودی سیمی	۱۶۸	۵۸۹۱
۴	Attay - 85	سری سیمی	۱۷۱	۶۰۰۰
۵	پامیر - ۹۴	سری سیمی	۱۸۱	۶۳۲۱

ځینو سیمو سره یی ورته والی درلود پیل کړی.

د نوموړی موسسی (ASA/SCA) د لومړنیو کلونو څیړنو وښودل چې یو شمیر په پاکستان کې منځته راغلی د غنمو اصلاح شوی ډولونه لکه Pak-81 او Ps-85 د آبی ځمکو او بلوسلور (Blue Silver) د للمی ځمکی لپاره په افغانستان کې مناسب او موافق دی.

نوموړو آبی ډولونو په ترتیب سره په حاصلاتو کې ۳۶-۶ او ۱۶-۶ فیصده زیاتوالی راوست، حال دا چې د بلوسلور د سویډن د کمیټی د کرنی د خانگی د یوه مامور (رحیم شاه) د وینا پر بنسټ د Attay-85 غنمو د وردگو د ولایت

په حيدر خيلو کې د ۱۳۷۵ کال په ترڅ کې په يو جريب کې تر ۲۶۲ منو پوري حاصل ورکړی دی (۸) سره ددی چې نوموړی رقم د يوه کلن او بڼایي د يوه ډير فعال بزگر د حاصل نتيجه وي، خو دا بڼی چې که چيرې شرايط مساعد وي، نو د Attay 85 غنم د سرو سيمو لپاره ددې تر څنګه چې د پانی د زنگ د ناروغی (سرخی) په مقابل کې منځنی مقاومت لري، د لا ډير حاصل ورکولو توان هم لري.

دا بايد ووايو چې پورتنی حيرانوونکی حاصل (په جريب دري خرواره) د سويلن د کميتي د څيړنو د دري کلن اوسط حاصل (171s/J) اود افغانستان د کرنيزو چارو د تجربوي مرکز (AAEC) د څلور کلن څيړنيز حاصل (155.5/J) سره زيات توپير لري (۸، ۵).

يوه بله فعاله موسسه چې د غنمو په هکله يی د يادونې وړ څيړنې کړي دي د افغانستان د کرنيزو چارو تجربوي مرکز (AAEC) دی چې په (۱۹۹۱) کال کې يی په فعاليت پيل کړی دی. د نوموړی مرکز د ۱۹۹۱-۱۹۹۵ کلونو د څيړنو نتايج چې په هغو کې اته ډوله اصلاح شوی غنم لکه Attay-Ps-85-Pak-81، I-MUT-Afghan-14، Shaghasti، Darul Aman-4، Zardana او محلی غنم شامل وه او د هيواد په مختلفو برخو کې لکه د لوگر د ولايت په بره کې او محمد آغه، د غزني د ولايت پر مقرر، د

وردگو په تنګي او د پکتيا په گردیز او زرمټ کې تر څيړنې لاندې نيول شوی وه او د کيمياوي سرو مختلفې اندازی هم پری استعمال شوی وی.

د نوموړو څيړنو پر بنسټ Attay-85 په لوگر، وردگو او غزني کې تر ټولو لوړ حاصلات ورکړی دی، حال دا چې شاغاستی او زردانه غنم په ترتيب سره دويم او دريم مقام تر لاسه کړيدي. نوموړی څيړنی دا هم ښودلی ده چې په عمومي توګه د Ps-85، Pak-81 افغان ۱۴ او دارالامان یک اصلاح شوو غنمو حاصلات د محلی غنمو سره دومره د کتنې وړ توپير نه درلود (۵).

په عمومي توګه هغه د غنمو ډولونه چې د جنگ د کلونو په ترڅ کې د غير حکومتی خپريه موسسو (NGOs) له لاری په افغانستان کې تکثير شوی او بزگرانو ته ویشل شوی دی زيات دی چې يو شمير مهم ډولونه يی دلته تر کتنې لاندې نيسو:

۱- Pak-۱۸: دا ډول غنم په هغو سيمو کې چې لوړوالی يی د سمندر د سطحې څخه تر ۱۸۰۰ مترو لږه وي مناسب دی. نوموړی غنم په سرو سيمو کې ښه نتيجه نه ورکوي او د سرو پواسطه زيانمن کيږي. د AAEC څلور کلنې څيړنې دا حقيقت څرګندوي چې د هيواد په سرو سيمو کې ددی غنمو حاصلات د محلی غنمو څخه د کتنې وړ توپير نه درلود (۵).

۲- Seri-82: دا ډول غنم د Pak-

81 غنمو ته ورته دی او په ورته شرايطو کې ښه حاصل ورکولی شی.

۳- Pirsabak-85: دا ډول غنم په هغو سيمو کې چې لوړوالی يی د سمندر د سطحې څخه له ۱۸۰۰ مترو لږ وي ښه توافق لري.

نوموړی غنم د سرو په مقابل کې هم يوه اندازه مقاومت لري، خو د AAEC د څلور کلنو څيړنو د نتايجو پر بنسټ د هيواد په سرو سيمو کې د هغو حاصلات له محلی غنمو څخه د کتنې وړ توپير نه درلود (۵). دا هم بايد ووايو چې نوموړی غنم پدی وروستيو وختونو کې د زنگ دناروغی (Rust) په مقابل کې خپل مقاومت له لاسه ورکړيدی. نوموړی غنم په هغو سيمو کې چې کلنی منځنی اورښت يی له ۴۰۰ ملی مترو څخه زيات وي د للمی غنمو په توګه هم کرل کيدای شی (۶).

۴- څيبر ۸۷ (Khyber-87): دا ډول غنم هم په هغو سيمو کې چې تر ۱۸۰۰ مترو لږ لوړوالی ولري کرل کيدای شی او په هغو سيمو کې چې کلنی منځنی اورښت يی تر ۴۰۰ ملی مترو زيات وي د للمی غنمو په توګه هم کرل کيدای شی (۹). د ASA په څيړنو کې ددی ډول غنمو حاصلات دومره زيات نه وه نو ځکه يی د کرلو سپارښتنه نده شوی (۷).

۵- زرغون ۷۹ (Zarghoon-79): نوموړی غنم په بلوچستان کې منځته راغلی دی او په هغو سيمو کې چې تر

۱۸۰۰ متروزیات لوروالی لری او کلنی منځنی اوربیت یی تر ۴۰۰ ملی مترو لړوی د منی د غنمو په توگه کرل کیدای شی. دا ډول غنم باید د اکتوبر د میاشتې څخه وروسته ونه کرل شی. نوموړی غنم د زنگ ناروغی ته یو څه حساس دی (۹،۷).

TVFO-12-6: دا ورایتی د Cartaya په نامه هم یادېږي. د هسپانیې څخه یی نشست کړی دی. د AAEC د څیړنو پر بنسټ د غزنی او وردگو په ولایتونو کې دی ورایتی تر نورو ټولو په څیړنه کې شاملو ورایتو په پرتله او آن تر دی چې دمحلې ډول په پرتله هم لږ حاصل ورکړی دی (۵).

Blue Silver-7: نوموړی غنم د Sonalika په نامه هم یادېږي. دا ډول غنم په آبی او لنډو شرایطو کې د زنگ د ناروغی په مقابل کې حساسیت لري. د بلو سلور غنم د هیواد په شمالی ولایتونو کې چې د کفشک (Sunm pest) د حشراتو د يرغل امکانات ډیر دی د للمی غنمو په توگه ښه نتیجه ورکوي او حاصلات یی په سلو کې ۴۶ زیات کړی دی (۷). دا ځکه چې نوموړی غنم ډیر ژر رسیږي او د کفشک د يرغل تر وخته پوری ددی غنمو دانه کلکېږي نو ځکه د کفشک حشرات دا ډول ډیر نه شی زیان من کولای. باید ووايو چې د کفشک حشرات د غنمو د دانې شیره څکي، نو هر څومره ژر چې غنم ورسړي په هماغه

اندازه یی د زیان امکانات لږوي.

S 19-8: دا ډول غنم د Junco-s په نامه هم یادېږي. نوموړی غنم هم د هیواد په للمی ځمکو کې چیرې چې د زنگ د ناروغی امکانات نه وی کرل کیدای شی. د ASA په څیړنو کې دی غنمو ښه نتیجه ورکړی ده.

د پورتنیو څیړل شوو موسساتو یعنی دولتي څیړنیز مرکزونو او غیر حکومتی څیړیه موسسو برسیره پدی وختونو کې د نړی د خوراکی موادو او کرنی (FAO) موسی د ۱۹۹۶ کال د اپریل په میاشت کې (حمل ۱۳۷۵) په افغانستان کې د یوی اوږدی مودی (3-5) کلونو لپاره د غنمو د ډولونو د ازمویني (Seed Trials) پروگرام هم پیل کړی دی.

FAO په ننگرهار، غزنی، هرات، مزار شریف او کندز کې څیړنیز مرکزونه لري او ښایي په راتلونکو کلونو کې د غنمو نوو اصلاح شوو ډولونه (lines) په معرفی کولو کې یوه مهمه سرچینه وي. د نوموړی موسسی د څیړنیزو مرکزونو د سړني کال د نتایجو په هکله له بده مرغه تراوسه څه معلومات په لاس کې نشته.

### سپارښتنې

د غنمو د اصلاح شوو تخمونو ددی لنډی تاریخچې څخه څرگنده شوه چې په افغانستان کې د ۴۰ هـ ش لسيزی را پدیخوا د وخت د دولتي او د مختلفو غیر حکومتی موسسو پواسطه مختلف

د غنمو ډولونه تر څیړنې لاندې نیول شوی دی او په مناسبو سیمو کې د هغو د ویش او ترویج کار تر سره شوی دی. د نوموړو غنمو څخه هر ډول لږ او یا ډیره موده دوام کړی دی او بیا له منځه تللی دی.

په پخوانیو غنمو کې مکسپیک او بزوستایا غنم تر نورو ټولو ډولونو زیات وخت دوام کړی دی او په تودو سیمو کې د مکسپیک غنم آن تر نن ورځې پوری سره ددی چې د زنگ د ناروغی په مقابل یی مقاومت له لاسه ورکړیدی بیا هم کرل کیږي. نو ښه دا ده چې دا ډول زاړه اصطلاح شوی غنم چې نور ورته د اصلاح شوی غنم اصطلاح نه شی استعمالیدی او خپل اصلی خاصیت یی له لاسه ورکړی دی د نور اصلاح شوو غنمو پواسطه بیځایه شی.

د مختلفو څیړنو پر بنسټ د هیواد د تودو سیمو لپاره اوسنی د سپارښتنی وړ د غنمو ډولونه له Afghan-14, Ps-85, AD 2232 (یوه هندي ورایتی ده)، Nacogari، سپین غر-۹۴ او آریانا-۹۴ او نورو څخه عبارت دی. همدا ډول د هیواد په سرو سیمو کې د Zardona, Shaghasti, Attay-85 او پامیر-۹۴ او نور غنم ښه نتیجه ورکوي.

د هیواد بزرگران کولای شی نوموړی تخمونه د مرستندویو غیر حکومتی موسساتو، د گاونډیو بزرگرانو او یا هم هغو د اوسیدو د سېمو د شرایطو سره د



# معلومات دلچسپ

تهیه کننده «ذخ» محصله سال چارم  
پوهنحي شرعيات پوهنتون امهات المومنين

درجه حرارت در زهره 480 درجه  
سانتي گراد است.

درجه حرارت اوسط در زمين 22 درجه  
سانتي گراد است.

درجه حرارت در مريخ 23 درجه سانتي  
گراد است.

درجه حرارت در مشتري 150 درجه  
سانتي گراد است.

درجه حرارت در زحل 180 درجه  
سانتي گراد است.

درجه حرارت پلوتو 230 درجه سانتي  
گراد است.

22 دسمبر کوتاهترین روز سال است.

22 جون طویلترین روز سال است.

در فضا تقریباً 78 درصد گاز  
نایتروجن وجود دارد.

روشنی آفتاب در 8 دقیقه و 17 ثانیه  
به ما «زمین» میرسد.

روشنی آفتاب مشتمل بر هفت رنگ  
است.

سرعت گردش خون در وجود انسان 75  
میل در ساعت است.

در وجود انسان 65 درصد آب است.

در خون 91 درصد آب وجود دارد.

در شیر خالص 75 درصد آب وجود  
دارد.

سرعت رفتار صوت در فضا 1100 فـت

(33.528 متر) في دقیقه مي باشد سرعت آن در آب

4860 فـت (1481.33 متر) في دقیقه است.

در قرآن کریم نام حضرت محمد (ص) ۴  
بار، نام حضرت آدم (ع) ۲۵ بار، نام  
حضرت نوح (ع) ۴۳ بار، نام حضرت هوا  
(ع) ۷ بار، نام حضرت ابراهیم (ع) ۶۸  
بار، نام حضرت هارون (ع) ۱۵ بار، نام  
حضرت یحیی (ع) ۴ بار، نام حضرت  
ادریس (ع) ۲ بار، نام حضرت یونس (ع)  
۶ بار، نام حضرت عزیز (ع) صرف یکبار،  
نام حضرت الیاس (ع) ۲ بار، نام حضرت  
داود (ع) ۱۷ بار، نام حضرت ذکریا (ع)  
۴ بار، و نام حضرت سلیمان (ع) ۷ بار،  
ذکر گردیده است.

در قرآن کریم دنیا ۱۱۵ بار، شیطان ۸۸  
بار، مرگ ۱۴۵ بار، فساد ۵۰ بار، جهنم  
۲۶ بار، صالحات ۱۶۷ بار، نیکی ۲۰ بار،  
مغفرت ۲۳۴ بار، حج ۱۳ بار، کفر و ایمان  
۲۵ بار، رحمن ۵۷ بار، صوم و صبر ۱۴  
بار، شهر «ماه» ۱۲ بار، یوم «روز» ۳۶۵  
بار، برکات ۳۲ بار، اضام، قمر و خنزیر ۵  
بار ذکر گردیده اند.

\*\*\*

نشان ملی هسپانیه اتار است.

عطارد 579,000,000 کیلومتر از  
آفتاب دور است.

زهره 108,200,000 کیلومتر از  
آفتاب دور است.

زمین 149,600,000 کیلومتر از  
آفتاب دور است.

درجه حرارت در عطارد 400 درجه  
سانتي گراد است.

ورته نورو غایو د بزگرانو شخه پیدا او  
ورکری او د لوی خدای (ج) په مرسته او  
د خپلو متبو په زور خپل د جنگ ځپلی  
هیواد د خلکو لپاره د اړتیا وړ غنم تولید  
او بیا خپل هیواد د غنمو د تولید له پلوه  
په خپلو پښو ودری او د پردیو د احتیاج  
شخه مو وژغوری.

## References

1. Azam Gul, Wheat Growing, Agricultural Survey of Afghanistan/SCA, 1989.

2. Central Statistics Office, Afghan Agriculture in Figures, Ministry of Planning, 1978.

3. Martin, J. H. and Others, Principles of Field crops production, Macnillan Publishing Co, Inc. PP. 7-8, 1976.

4. Samin, A. Q., Wheat production, Afghan Agriculture Experimental Center, PP. 7-18, 1992.

5. Samin, A. Q. Seed and Fertilizer Trials in Ghazni, Wardak, Logar, Paktia and Herat Provinces of Afghanistan (1991-1995), AAEC/CoAR, 1996.

6. Us Census Bureall, The New Paily P.8, 10.10.1996.

7. The Agricultural Survey of Aghanistan/SCA, Seeds, 5th Report, PP, 45, 1995.

8. SCA/Agriculture unit, unpublished Feild Data of 1995 and 1996.

۹- افضلی، عبدالباقي، ضرورت  
توليد تخمهای اصلاح شده و اهميت  
تحقيقات زراعتی در افغانستان،  
خپلواکي، سال چهارم، شماره چهارم،  
صص ۹۷-۱۱۲، سال ۱۳۶۸.

# نظري به استعمال كود هاي كيمياوي در افغانستان

نويسنده اسدالله ملا خيل

اندازه مناسب كود عايد زياد را نصيب دهقان ميسازد.

تا همين اواخر عمليه انتقال، ذخيره و توزيع كود ها بسيار مشكل بود چه راه ها قابل اطمينان نبودند خوشبختانه شرايط بهتر گرديده و مشكلات كه در راه انتقال، ذخيره و تقسيم كود موجود بود رفع شده و كدام مشكل در زمينه به نظر نمي رسد. فعلاً مقدار مواد غذائي از طريق موسسات توسط ملل متحد در شهر ها توزيع ميگردد در حاليكه اين عمل قابل تقدير است به مردم دهات خصوصاً دهاقين بي زمين و كمزمين در مناطق پر نفوس كه زندگي ميكند بايد كود هاي كيمياوي توزيع گردد تا مواد غذائي بيشتر تهيه شده تا از يك طرف از خريداري مواد غذائي در شهر جلوگیری شده و از جانب ديگر مواد غذائي بيشتر از منابع محلي به ماركيٲت سرازير گردد. و شرايط توليد مواد غذائي به حالت عادي بر گردد در حالات عادي بايد تناسب بين توليد مواد غذائي، توليدات مواد صنعتي و مواديكه به خارج صادر ميگردد در نظر گرفته شود. چنانچه محترم داکتر عبدالوکیل

بدینمنظور در دهات یعنی جائيكه زمين مساعد و آب وافر ميسر است، بايد كود هاي كيمياوي و ادويه زراعتي بصورت وافر و ارزان عيناً مشابه به توزيع مواد غذائي عاجل كه در شهر ها بدسترس مردم قرار داده ميشود به دهاقين توزيع گردد. بايد بحال دهاقين كمزمين و بيزمين توجه عاجل مبذول گردد، زيرا تعداد كمتر زمينداران در اطراف ميتوانند از منابع كود هاي وطني باكيفيت خويش استفاده كنند. اشخاصيكه از هفت جريب زمين بيشتر داشته باشند ميتوانند كود هاي مورد ضرورت خود را خود تهيه كنند زيرا كه عايد هفت جريب ويا زياد تر از آن كافي بوده و دهاقين خود قدرت تهيه را دارند اما لازم است، در پروگرام هاي تعليمي و تربيتي زراعتي دعوت گردند تا از رهنمائي هاي ضروري مستفيد شوند.

بايد متذكر شد كه با استفاده از كود هاي كيمياوي و ساير مواد ضروريات زراعتي قبلاً در افغانستان توانسته بودند كه خود را به خود كفايي برسانند. همچنان بايد مقدار كافي كود توزيع گردد زيرا كه درصورت تطبيق بيشتر و

مقدمه: افغانستان يك مملكت زراعتي بوده كه ۸۰ فيصد سكنه آن در سكتور زراعت مصروف بوده و حتي فيصدي آن شايد بيشتر شده باشد، چه يك تعداد مردم كه در شهر ها زندگي ميكردند اخيراً منحيث مهاجرين به دهات پناه بردند. با وجود فيصدي متذكره، از خود كفايي فاصله زياد دارم و مقدار زياد مواد غذائي از قبيل آرد، برنج و گندم از خارج وارد ميگردد بر علاوه موسسات ملل متحد مانند W.F.P. نيز مقدار زياد گندم و آرد را وارد مينمايد، كه يك قسمت آن بصورت عاجل در شهر ها توزيع گرديده و يا از طرف موسسات خيره غير دولتي N.G.O. منحيث غذا در مقابل كار در دهات توزيع ميگردد.

تا زمانيكه مواد غذائي در داخل كشور به حدكافي توليد نگردد اين (بوفه) ادامه داشته حتي وضع بدتر از اين هم خواهد شد. براي آنكه وضع مواد غذائي نورمال شده وكمبود رفع گردد، لازم است تا مواد ضروري توليد ازقبيل انواع مناسب كود وادويه زراعتي به قيمت مناسب بدسترس دهاقين گذاشته شود.

وزیر زراعت اسبق و متخصص رشته میوه جات گفته است که با تعویض چار لاری غله یک لاری کود باید وارد گردد تا سطح تولید ارتقا یابد.

تاریخچه استعمال کود:

تاریخچه استعمال کود را میتوانیم به سه مرحله تقسیم نمائیم: قبل از افتتاح شرکت کود و فابریکه کود مزار شریف یعنی زمانیکه کود از منابع مختلف خارجی به منظور تحقیق و تولید وارد کشور میگردد حجم آن کمتر بود در ولایات کندز و بغلان برای تولید پخته و لبلبو امونیم نایتريت و سوپر فاسفیت عادی آورده میشد. این کود ها از نظر خواص کیمیای خویش کود های مناسب بودند. زیرا که مواد عمده پخته و لبلبو تولید کاروبایدريت است بناءً امونیم نایتريت کود مناسب بحساب میرود، چه در کود مذکور هر دو آیون یعنی امونیم و نایتريت بصورت مناسب موجود بوده که بالای موجودیت سایر عناصر مانند پتاسیم و مگنیشیم تأثیر منفی نداشته و خوشبختانه اکثر خاکهای عادی کشور ما دارای مقدار خوب پتاسیم و سایر عناصر میباشد.

کود سوپرفاسفیت عادی گرچه از نظر فاسفیت دارای فیصدی بلند نیست اما موجودیت گچ در سوپرفاسفیت برای پخته که به سلفر زیاد ضرورت دارد کود مناسب بحساب می رفت در مرحله دوم یوریا، امونیم سلفیت، امونیم نایتريت سوپرفاسفیت عادی و سوپرفاسفیت

غلظت به غرض تحقیقات به پیمانہ کمی در کشور وارد گردید. بهمین ترتیب در سال ۱۳۵۴ که فابریکه کود یوریا در مزار شریف به فعالیت آغاز نمود یگانہ منبع مطمئن نایتروجن در کشور بود که زارعین از آن استفاده مینمایند.

در اواخر دهه ۸۰ آموفاس که از شوروی وقت وارد گردید بعوض دای امونیم فاسفیت استعمال می شد. خواص کیمیای خاک های افغانستان:

چنانچه افغانستان دارای توپوگرافی مغلق است بناءً خاکهای آن نیز زیاد مغلق میباشد. خاکهای الویل، کلویل، لوکستین، لس دستی و اند بچول در افغانستان است اما چیزیکه به همه خاکهای افغانستان صدق میکند اینست که خاکهای افغانستان جوان بوده و مقادیر هنگفت چونه و کاربونیت در آن موجود است  $\text{CaCO}_3$ .

فیصدی چونه ۱۲٪ و یا زیادتر از آن است به عبارت دیگر هنوز چونه در قسمت بالای خاک موجود بوده و حتی در بعضی از مناطق خشک گچ دیده شده است. به همین علت است که pH خاک ها معمولاً ۸.۲ بوده بعضاً ازین هم بالاتر است بمنظور استفاده بهتر از کود های فاسفیت دار به کود های ضرورت است که فاسفورس آن در آب منحل بوده باشد در حالیکه در pH اسیدی میتوان از کود های کمتر منحل استفاده نمود. در همین قسمت بعضاً

مخصوصاً متخصصین خارجی زراعت به سوء تفاهم مواجه شده و برداشت حقیقی خواص خاک ما را ندارند.

همچنان نسبت با زندگی کم و درجه، حرارت بلند در تابستان فیصدی مواد عضوی خاکهای ما که در حاصل خیزی خاک مهم است کمتر از یک و بعضاً از یک تجاوز میکند.

برای آنکه اختلاف کیمیای خاکهای افغانستان را که pH جز آن است بهتر تشریح کرده باشیم لازم است چند مثال عملی را ذیلاً مطرح نمائیم.

در مناطق مرطوب جهان که بازندگی زیاد است و اکثر عناصر قلوئی شسته شده اند پودر چونه ( $\text{CaCO}_3$ ) بمنظور

خنثی ساختن تیزاب استعمال مینماید تا pH را به حد مناسب بلند ببرد تا از یک طرف تأثیرات ناگوار المونیم و آهن را که به مقدار زیاد منحل است از بین ببرد ممکن این اشتباه صورت گیرد که باید چونه در افغانستان نیز استعمال شود

در حالیکه نظر متخصص خاکشناسی اینست که باید مواد استعمال شود که تأثیرات معکوس داشته باشد، یعنی موادی که pH خاک ها را پائین میبرد و یا اینکه منتج به تولید تیزاب میگردد.

این مرکبات عبارت اند از پاپرایت، سلفر، امونیم سلفیت و غیره و همچنان کود های نایتروجن دار که دارای رادیکال امونیم باشد در ضمن تهیه نایتروجن این رول را نیز بازی کرده

میتواند از قبیل امونیم سلفیت، یوریا، امونیم نایتریت حتی مونو و دای امونیم فاسفیت این کار را کرده میتواند مثال دوم که موضوع را از نگاه دیگر واضح کرده میتواند اینست که در انگلستان نمک طعام را در مزارع لبلبو استعمال مینمایند. ضرور نیست این کار را ما در افغانستان بکنیم چه نمک طعام یا NaCl برای خاکهای حیثیت زهر را به خاک و نباتات دارد. اما در انگلستان چه آنها با استفاده از خواص کیمیاوی خاک و تغذیه نباتات به خصوص در لبلبو که میتواند تا حدی بعوض پتاشیم از Na استفاده نمایند این کار را میکند که البته اینکار بسیار اقتصادی است.

خواص کیمیاوی کود های کیمیاوی: کود های نایتروجن دار و فاسفیت دار از نظر کیمیاوی بعد از اینکه در خاک مرطوب گذاشته میشوند بسیار فعال بوده و موثریت آن مربوط به مواد پست که بعد از تعامل با خاک بوجود می آید. دهاقین محترم باید به این موضوع اهمیت بدهند تا بطور اعظم از آن بهره گیرند. بطور مثال اگر یوریا بالای خاک مرطوب گذاشته شده آبیاری و یا باران صورت نگیرد یوریای مذکور بعد از تعامل با رطوبت خاک به آمونیا تبدیل میگردد، چون  $\text{H}^+$  خاک و آمونیا هر دو قلوئی است بناءً به هوا متصاعد گردیده و از استفاده خارج میشود.

نامگذاری محلی:

ازینکه کود های کیمیاوی معمولاً

طبق ترکیبات کیمیاوی آن نامگذاری میگردند که این نامها از درک دهاقین خارج بوده و آن ها مجبور میشوند مواد مذکور را خود نامگذاری نمایند چنانچه آنها کود نایتروجن دار را کود بهاری و کود فاسفیت دار را کود تیرماهی نامگذاری نمودند البته در آن زمان کود های متذکره خالص نایتروجن دار مثل یوریا و یا خالص فاسفیت دار مثل سوپر فاسفیت بود در حالیکه بعداً کود های بیان آمد که هم نایتروجن و هم فاسفورس دار است مثل D.A.P و اموفوس که بعداً به مارکیته معرفی گردید البته نتیجه منفی این نامگذاری این بود که باغداران حتی کود فاسفیت دار را در باغهای خویش در تیرماه استفاده میکردند. و امروز نیز این کار ادامه دارد. تطبیق کود فاسفیت دار در گندم زمستانی يك امر طبیعی است چه باید هر دو کود در تیرماه تطبیق گردد چه کود فاسفیت دار در نمو و انکشاف ریشه در مراحل ابتدائی نهایت رول مهم را بازی میکند و از جانب هم ناممکن است آنها را در بهار با کود نایتروجن استعمال نمود که عملی نیست اما استعمال کود فاسفیت با نایتروجن زمانیکه درختان به فعالیت شروع مینمایند بهترین نتیجه را بار می آورد، چه این کار حداظمی تعامل ذات البینی بین نایتروجن و فاسفورس را بوجود میآورد از جانب دیگر استفاده از کود فاسفیت در تیر ماه عملیه کلسی فیکشن

را مساعد می سازد، یعنی زمانیکه درجه حرارت محلول آب پائین است عملیه کلسی فیکشن به سرعت انجام می یابد. و زمانیکه از کود مذکور توسط نبات چندین ساله باید استفاده گردد از اثر عملیه مذکور از استفاده خارج میگردد و نتیجه که باید از کود گرفته شود بدست نمی آید. به عبارت دیگر زمانیکه کود کلسیم فاسفیت و یا امونیم فاسفیت به خاک القلی علاوه میشود نخست به دای کلسیم فاسفیت تبدیل گردیده بعد از مدتی دای کلسیم فاسفیت به اکتو کلسیم فاسفیت و بالاخره به اپی تایت تبدیل میشود که البته قابل استفاده نیات نمیباشد.

از چند سال به این طرف کود یوریا را بنام کود سفید و کود فاسفیت دار را کود سیاه مینامند این نوع نامگذاری هم غلط است چه انواع خالص کود فاسفیت دار مرکبات متبلور بوده و برنگ سفید میباشد تنها مواد اضافی مخلوط سنگ فاسفیت باعث رنگ های تیره میشود نامگذاری از روی رنگ مشکلات را بار می آورد بطور مثال یوریا رنگ سفید دارد اما نوع دیگر آن که توسط سلفر پوش شده دارای رنگ زرد میباشد که علت آن وجود خارجی سلفر میباشد که یوریا را نمی گذارد زود منحل گردد و به تدریج قابل استفاده نیات می گردد. یوریای پوش شده فعلاً بسیار قیمت بوده و در بعضی از ممالک ممکن از آن استفاده شود. در کشور عزیز ما ازین نوع یوریا تنها در تحقیقات استفاده گردیده است. فعلاً اقتصادی نمیباشد. بقیه در صفحه (۵۱)

# په اسلام کې د کار او کارگر ارزښت

لېکونکي احمد فواد

د اسلام سپېڅلي او مقدس دين چې يو بشپړ او مکمل اسماني قانون دي د بشریت د سعادت او نيمکرغی لپاره يې د ژوند په اجتماعي، اخلاقي اقتصادي او نورو ټولو اړخونو کې داسې مفيدی او ارزښتناکې لارښوونې کړي دي چې د انساني نسل نيمکرغی او پرمختگ په هغې پورې تړلي دي او همدغه اسماني لارښوونې او عالي تعليمات دي چې د هغې په ذريعه انسان کولای شي د انساني لوړو پوړيو ته ورسېږي او د خپل ژوند او ټولنې په هره ساحه کې بری او کاميابی ترگوټو کړي د اسلام له حکمت نه د کي لارښوونې او ارشادات چې د بشریت له فطرت سره موافق او د وخت ټولو غوښتنو او اړتياوو ته مثبت ځواب ويلای شي د عمل په ساحه کې پياوړه شي نو بې له شکه به يوه داسې ټولنه رامنځته شي چې له ټولو اقتصادي، اجتماعي، اخلاقي او نورو نيمگړتياوو څخه پاکه وي او وگړي به يې د يوه ريښتنی اسوده، پتمن او خوشحاله ژوند خاوندان وي اسلام يو عملي دېن دی او خپل پيروان د ټولنی د ودانې، رغونې، عمران او پرمختگ په خاطر گټورو هلو ځلو کار هڅو حرکت او يون په لور رهبري کوي او هغوی ته دا درس ورکوي چې د انسان

ترقي او نيمکرغې او د یوې پرمختللي او پر خپلو پښو ولاړې ټولنې جوړېدل او منع ته راتگ د نوموړی ټولنې د افرادو په کار، زحمت او کوښښ پورې اړه لري او پرته له کوښښ او عمل څخه هيڅکله انسان په ټولنيزو ستونزو او نيمگړتياوو نشی بريالي کيدای او نه د حقیقی سعادت او خوښی درشل ته رسيدای شی.

اسلام نه غواړی چې انسان د خپل ژوند د مشکلاتو او کړاوونو له حل کولو نه غافل او د ټولنی د شاپيتی اوسي بلکی هغه د کار کوښښ په لور هڅوی او ددغه اصل په لوري نی متوجه کوي.

نو له دې څخه معلومیږی چې د لوړتیا او پرمختیا معراج ته رسیدل او د یوې هوسا او نيمکرغی ټولنې جوړېدل چې له ټولو اقتصادي او اجتماعي نيمگړتياوو څخه خلاصه وي د انسان په کوښښ او عمل پورې اړه لری او پرته له کار! هاند او هڅو انسان نه شي کولای چې ددغه ستر هدف معراج ته ورسېږی.

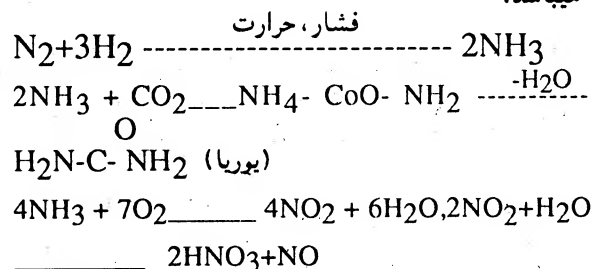
او په خپلو ټولنيزو مشکلاتو او ستونزو بری او کاميابی ومومي همدغه راز د انساني نړی ستر لارښود سرور کائنات حضرت محمد مصطفی (ص) فرمایي چې (الکاسب جيب الله) چې

له همدې څخه په ډاک او جوتنه ده چې کار او کارکونکي په اسلام کې زیات اهمیت او ارزښت لری او د انسان خیر او د ټولنې ترقي د کار او زحمت محصول دی. د حضرت انس «رض» څخه روایت دي وايي چې د انصارو يو سړی رسول کریم (ص) ته د سوال لپاره راغی، رسول الله (ص) ترینه پوښتنه وکړه چې په کور کې دې څه شته؟ نو ده ورته وویل چې هو! د اوس د شا د اچولو فرش لرو چې نیم اغوندو او نیم د ځان لاندې غوړوو او يو د اوبو څکلو لوبښی لرو. رسول اکرم (ص) ورته وفرمایل چې لاړ شه او دواړه شيان راوړه نوموړی لاړ او دواړه شيان یی راوړل او رسول کریم (ص) ته یی ورکړل نو رسول اکرم (ص) اواز وکړ چې دا څوک په بیه اخلی؟ يو سړی وویل چې زه یی په یوه روپي اخلم بیا د خدای (ج) رسول (ص) دوه یا درې ځله اواز وکړو چې څوک یی له یوې روپي څخه په زیاته بیه اخلي؟ بل سړی غږ کړ چې زه یی په دوه روپي اخلم هغه وچې دواړه شيان یی په دوه روپي ورکړل او پیسې یی انصاری ته ورکړی او ورته یی وویل چې په یوه روپي د کور لپاره خواره او په بله روپي تیر واخله او ماته نی راوړه، نوموړی همداسې وکړل.

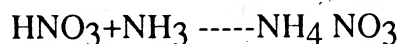
## نظری به استعمال کود ...

کود هاي نایتروجن دار:

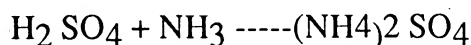
قبل از آنکه کود هاي نایتروجن دار را مورد بحث قرار دهیم لازم است چند نکته راجع به امونیا بحث کنیم چه آمونیا مادهء خام تمام کود هاي نایتروجن دار را که فعلاً در صنایع ساخته میشود تشکیل میدهد. و قرار ذیل میباشد.



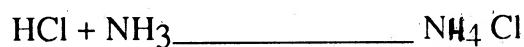
طرز ساختن امونیم نایتریت



طرز ساختن کیمیاوي امونیم سلفیت

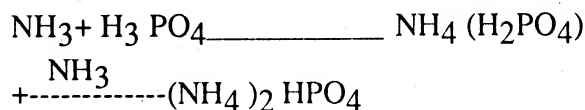
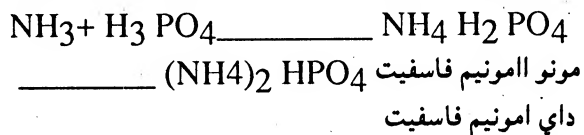


نوشادر يك نوع کود نایتروجن دار



است که برای مزارع شالی مساعد میباشد.

کود هاي مرکب نیز نایتروجن و فاسفیت را دارا می باشد.



امفوسB: تمام کود هايکه دارای رادیکال امونیم باشند بمجرد علاوه شدن در خاکهاي قلوي افغانستان به امونیم تجزیه شده و به هوا فرار میکنند لذا لازم است همچو کود ها مانند یوریا امونیم سلفیت، امونیم نایتریت، امونیم فاسفیت و غیره به زیر خاک در حدود هفت سانتی متر عمیق انداخته شود. و اگر و در روی خاک علاوه میشود باید هر چه زودتر آبیاری گردیده و با در اثنای باران پاش داده شود.

خواهه بی کور ته یورل او تبریی د الله (ج) رسول (ص) ته راورد اسلام ستر پیغمبر ورته په خپلو مبارکو لاسو په تبر کې لرگی وچاوه. او ورته بی وویل چې لار شه لرگی راوړه او خرڅوډ بی او تر پنځلسو ورځو دي دلته ونه وینم نوموړی انصاری لار لرگی بی راوړل او بیایې خرڅول تر دی چې لس روپي بی وگڼلی بیار رسول کریم (ص) ته راغی په ځینو یوه برخه پیسوئی د کور لپاره لباس او په بله برخه یی طعام واخیست نور رسول کریم (ص) ورته وفرمایل چې دا کار ستا لپاره له دی نه چې ته سوال وکړی او په ورځ د قیامت کې دی په مخ باندي د سوال داغوی ښه دی.

دلته یو ځل بیا د اسلام ستر پیغمبر خپلو پیروانو ته دا درس ورکوی چې انسان باید هیڅکله خپل ځان د اجتماع د اوږو پښتی نه کړی او د سوال له کولو نه دي ځان وساتي ددی په ځای چې سوال وکړی کار دی وکړی، خپل لاسونه دی ټناکی کړی او په دغی لاری دی خپل ورځنی احتیاجات او اړتیاوي پوره کړي.

همدغه راز د اسلام ستر پیغمبر د کار گرانو د حقوقو د ادا کولو په باره کې ټینگار کوي او فرمایي چې تاسی د مزدور کار اجوره ډیر ژر ورکړی او تر دی اندازی پوری بیرته وکړی چې دده د تندي د خولو له وچوالي څخه دمخه دده مزد ادا کړی شي همدغه راز الله (ج) فرمایلی چې له دري طایفو سره به زه په ورځ د قیامت مخاصمه وکړم او سخته سزا به ورکړم یو هغه سړی چې زما په نامه به چا سره وعده وکړی او د خپلی وعدی مخالفت وکړی او بل هغه څوک چې اصیل انسان خرڅوی او پیسی پری اخلي، او دریم هغه څوک چې مزدور ورته د مزدوري کار خلاص کړی او دي د هغه مزدوري اجوره نه ورکوي. نو له دي څخه معلومیږي چې اسلام کار کوونکو او زیار ویستونکي د حقوقو کلک حامی او ملاتړ دي.

اسلام هغه چا ته په ډیر درنښت گوري چې هغوي د ټولني په آبادي او ښیرازی کې هلي ځلی کوی او کارونه او خپله گټه او خیر د ټولني په گټه او خیر کې وینی.



# حیات وحش به توجه و عاطفه شما نیاز دارد

نویسنده: پروفسر دلیپ الچینر عطا، محمد نورزاد

نیازمندی عمده حیاتی بخصوص غذا شکار صورت میگرفت که نقش زیان آوری در برهم زدن توازن حیوانات وحشی نداشت.

ولی تغییرات خیلی ها عمده اقلیمی باعث از بین رفتن عده از حیوانات وحشی میگردد که خیلی ها از حیوانات وحشی ازین تغییرات عمده اقلیمی جان به سلامت بدر بردند وعده مثل فیل ماموت Mammot در اروپا و آسیا در حدود ده هزار سال قبل نتوانستند با تغییرات عمده اقلیمی توافق نموده از بین رفتند که امروز صرف بقایای اجساد و یا فوسیل های آنها را در موزیم ها میتوان مشاهده کرد. همخان عده زیادی از حیوانات مثل داینو سورها، شترهای غول پیکر در امریکا، وعده زیاد درندگان و پرندگان ازین قبیل اند.

نقش انسان در از بین رفتن حیوانات وحشی خیلی ها بعد تر شروع میشود که سابقه آن به ۳۰۰-۴۰۰ سال قبل میرسد.

شواهد نشان میدهد که در حدود ۱۰-۱۲ نوع پرندگان تا سال ۱۷۰۰ میلادی از بین رفته اند و در حدود ۲۰ نوع پرندگان تا سال ۱۸۰۰ میلادی و در حدود ۷۰ فورم پرندگان

منبع سرشار ارزش های اقتصادی بوده که گوشت، پر، پوست، شاخ، ناخن و هر قسمت بدن آنها میتواند عواید هنگفتی بدست ما دهد. تاریخچه:

البته انسانها از آغاز پیدایش خود در زمین برای رفع نیازمندی های اولیه خود پیش از هر چیز دیگر متکی به شکار حیوانات وحشی بودند. آن زمانی بود که انسانها ناگزیر بودند با حیوانات وحشی مشترکاً در مغاره ها به زندگی بپردازند و جهت رفع گرسنگی حیوانی را به شکل دسته جمعی به جنگ آورده میل میکردند. بعید نبود که در جریان این روند گاهی خود انسان نیز مورد حمله حیوانات وحشی درنده قرار گرفته و میل میشد. نکته قابل تذکر درین نوع زندگی مشترک اینست که انسان مجبور بود برای بدست آوردن طعمه و شکار خصوصیات، عادات، رفتار، طرز زیست و چگونگی به چنگ آوردن حیوانات وحشی را خوب بفهمد باوجود آنکه از نگاه انکشاف قوه فکری انسان آروز که بنام انسان نیولیتیک (Neolithic) یاد میگردد در سطح پائین قرار داشت. در آنزمان صرف به منظور رفع

حیات وحش عبارت است از مجموعه تمام حیوانات و نباتات که بدون فراهم آوری تسهیلات برای آنها از طرف انسانها به شکل طبیعی و یا وحشی در طبیعت زیست دارند. اهمیت حیات وحش:

حیوانات و نباتات وحشی از دیدگاه های مختلفی میتوانند برای انسانها حایز اهمیت باشند که از جمله صرف بطور مختصر از چند اهمیت آنها نام میبریم:

۱- حیات وحش میراث طبیعی و ایکولوژیکی نیاکان ما بوده و امانت نسل های آینده میباشد.

۲- حیات وحش بهترین بانک جنتیکی Genetic Bank برای اصلاح نسل حیوانات اهلی میباشد.

۳- حیات وحش جزء لاینفک زنجیر غذایی بوده که در حفظ تعادل طبیعت نقش به سزا دارند.

۴- حیات وحش دارای ارزش های تفریحی بوده، خداوند «ج» به قدرت خالقه خود هر یک را به شکلی آفریده که تماشای هر یک انسان را محظوظ میسازد.

۵- حیات وحش بهترین لابراتوار طبیعی برای مطالعه دانشمندان و محققین میباشد.

۶- گذشته از همه حیات وحش

تا آغاز قرن ما از بین رفته اند. سرعت سرسام آور از بین رفتن حیوانات وحشی در ۱۰۰ سال اخیر بود که در حدود يك نوع در سال میباشد.

بر اساس سازمان جهانی حفاظت طبیعت و منابع طبیعی (IUCN) که در سال ۱۹۴۵ تأسیس گردید تا حال در حدود ۷۴ نوع پرندگان، ۶۳ نوع پستانداران و همچنان نژادهای زیادی از هر دو دسته از بین رفته است. بر اساس گزارش D. Fischer از مجموع فوق که از بین رفته اند ۷۵ فیصد پستانداران و ۷۶ فیصد پرندگان مستقیماً توسط انسان از بین رفته اند.

عمدتاً چهار نوع فعالیت های انسانی در از بین رفتن حیوانات وحشی دخیل بوده اند که عبارت اند از:

- ۱- تعقیب مستقیم حیوانات توسط انسان.

- ۲- متضرر ساختن جدی محیط زیست آنها.

- ۳- استعمال مواد کیمای در محیط زیست آنها.

- ۴- Aclimatization یا معرفی حیوانات وحشی از محیط های اصلی آنها به محیط های جدید و مداخله حیوانات اهلی در محیط زیست آنها.

فعالیت های دیگری هم هست که در از بین رفتن حیوانات وحشی دخیل اند که آنقدر عمده و اساسی نمیباشند از قبیل کشتار های تصادفی در

جریان فعالیت های زراعتی توسط ماشین آلات و یا تصادم هائی با طیارات، و وسایط نقلیه وغیره.

در اثر تخریب محیط زیست حیوانات وحشی از قبیل قطع جنگلات، قطع نیزارها تبدیل چراگاه ها به زمین های زراعتی، خشک ساختن با طلاق ها، احداث سرك ها، شاهراه ها و شهر ها در حدود ۱۵۳ نوع پستانداران، ۱۰۲ نوع پرندگان، ۲۷ نوع ذومعشستین، ۴۰ نوع خزندگان، ۱۲۷ نوع ماهی در سراسر جهان در معرض خطر انقراض و یا از بین رفتن قرار گرفته اند.

در اثر شکار بیش از حد حیوانات وحشی در حدود ۴۷ نوع مار ها، ۱۲۱ نوع پستانداران، ۵۳ نوع پرندگان، ۱۵ نوع ذومعشستین و ۱۹ نوع ماهی در معرض خطر انقراض قرار گرفته اند.

در اثر معرفی حیوانات وحشی به جاهای جدید در حدود ۴۶ نوع ماهی آبهای شیرین ۴۹ نوع پرندگان، ۱۳ نوع خزندگان، ۵ نوع ذومعشستین و ۱۴ نوع پستانداران در خطر منقرض شدن قرار گرفته اند.

در اثر استعمال بیش از حد مواد کیمای در حدود ۲۱ نوع فقاریه ها از جمله ۱۷ نوع پستانداران، ۲ نوع پرندگان، ۲۰ نوع خزندگان در معرض خطر انقراض قرار گرفته اند.

در اثر شکارهای تصادفی در جریان عملیات بهره برداری از محصولات زراعتی وغیره در حدود ۷

نوع پستانداران و ۴ نوع خزندگان در خطر از بین رفتن نسل قرار گرفته اند.

بوجود آمدن سازمانهای

بین المللی:

سرعت سرسام آور از بین رفتن حیوانات وحشی باعث آن گردید تا جامعه جهانی اشتراك مساعی بخرج داده جلو نابودی بیشتر حیوانات وحشی را بگیرند. همان بود که در سال ۱۹۶۵ درست بعد از ختم جنگ جهانی دوم سازمان بین المللی حفاظت طبیعت و منابع طبیعی IUCN پا به عرصه وجود گذاشت. بعداً این سازمان در تشکل خود يك کمیسونی را بنام کمیسون خدمات بقاء (Survival Service Commission) در سال ۱۹۴۹ تأسیس کرد که کمیسون مذکور وظایف ذیل را به عهده دارد:

- ۱- تحقیق در مورد حالت (Status) و یا موقف انواع در معرض خطر انقراض حیوانات و نباتات وحشی به سویه جهانی.

- ۲- ارائه مشوره ها به سازمان های دست اندر کار حفاظت انواع حیات وحش.

- ۳- تشکل لست و مشخصات انواع در معرض خطر و سفارش ها در مورد حفاظت آنها اولین گام در راه حفاظت حیات وحش، ترتیب لست حیوانات موجود به سویه جهانی و به سویه هر کشور بود که کار آسانی نبوده و بیشترین زحمات درین عرصه

به مصرف رسید.

اولین کتاب سرخ ارقام سازمان بین المللی حفاظت طبیعت و منابع طبیعی (Red data Book) در سال ۱۹۶۴ از چاپ برآمد. کتاب مذکور در دو جلد بود که در مورد ۲۱۱ نوع و نژاد پستانداران و ۳۱۲ نوع پرندگان معلومات در آن گنجانیده شده بود.

چاپ دوم کتاب سرخ در سه جلد در سال ۱۹۶۶-۱۹۷۱ از چاپ برآمد. در جلد اول آن ۲۳۶ نوع و ۲۹۲ نژاد پستانداران بدست معرفی سپرده شده بود. در جلد دوم ۲۸۷ نوع و ۳۴۱ نژاد پرندگان و در جلد سوم ۱۱۹ نوع و نژاد خزندگان و ۳۴ نوع ذومعشستین معرفی گردیده بود.

درین چاپ حیوانات وحشی نظر به حالت شان (Status) به چهار کتگوری تقسیم شده بودند که تا امروز سروی هائی که از حیوانات وحشی بعمل میآید بر اساس همان تقسیمات به کتگوری های مختلف رده بندی میشوند.

۱- حیوانات در معرض خطر انقراض Edangerad:

درین کتگوری حیواناتی شامل اند که تعداد شان به سرعت کاهش یافته و حفاظت نسل آنها بدون عملیات خاص حفاظوی ناممکن به نظر میرسد.

۲- حیوانات حساس Vulnerable:

درین کتگوری حیواناتی شامل اند که تعداد شان زیاد بوده و قابل ادامه حیات میباشد ولی سرعت کم

شدن تعداد شان زیاد است.

۳- حیوانات نادر و کمیاب Rare:

درین کتگوری حیوانات شامل اند که مستقیماً در معرض خطر قرار ندارند ولی تعداد شان به اندازه کم است و در يك ساحه محدود است که میتوانند به سرعت از بین بروند.

۴- حیوانات نامشخص یا غیر معین Indeterminate:

درین کتگوری حیواناتی شامل اند که در مورد شان معلومات کافی وجود ندارد و کمتر معلومات در مورد شان در دست است.

معلومات در مورد کتگوری اول در کارت های سرخ، در مورد کتگوری دوم در کارت های زرد، در مورد کتگوری سوم در کارت های سفید و در مورد کتگوری چهارم در کارت های خاکستری به چاپ میرسد که صرف خوانندهء کارت نظر به رنگ کارت تشخیص کرده میتواند که حیوان مذکور در کدام کتگوری قرار دارد.

چاپ سوم کتاب سرخ در سال ۱۹۷۲ از چاپ برآمد که در آن در حدود ۵۲۰ نوع و نژاد پستانداران، ۶۱۹ فورم پرندگان، ۱۵۳ فورم خزندگان و ذومعشستین به دست معرفي گرفته شده بود.

بعداً در سال ۱۹۶۱ سازمان جهانی دیگری بنام صندوق جهانی حمایت حیوانات وحشی Word Wildlife Fund تأسیس گردید که مقر این سازمان در سوئیس

بوده و سمبول آنرا خرس پاندا -Pan-da که در کوه های مرتفع پوشیده از بانکس چین غربی و ثبت یافت میگردد تشکیل میدهد. فعلاً نام این سازمان تغییر یافته که بنام صندوق جهانی حمایت از طبیعت World Widefund for Nature که مخفف آن WWF است یاد میشود. هدف ازین سازمان جلوگیری از انقراض نسل حیوانات وحشی حفاظت محیط زیست از آلودگی ها و در مجموع حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی میباشد.

راه های جلوگیری از انقراض حیوانات وحشی:

به منظور حفاظت نسل حیوانات وحشی شیوه های مختلفی از طرف دانشمندان این عرصه بوجود آمده است که ذیلاً از بعضی آنها متذکر میشویم:

۱- احداث ذخیره گاه های حیات وحش Reservior یا Reservation Area:

ذخیره گاه عبارت از ساحه ایست که بعضی ایکو سیستم های برجسته مثل جنگلات، علفچرها، باطلاق ها، کوه ها وغیره و یا انواع حیوانات و نباتات متنوع در معرض انقراض را در خود محافظه مینماید. درین ساحه یعنی ساحهء ذخیره گاه برای انسانها اجازهء دخول داده نمیشود. در سراسر ساحهء ذخیره گاه هر نوع شکار، ماهیگیری، تفریح و یا هر عملی که باعث مزاحمت حیوانات شود دقیقاً

کنترول شده و اجازه داده نمیشود.

## ۲- ایجاد پناه گاه های حیات

وحش Refuges:

پناه گاه به ساحه اطلاق میگردد که حیوانات در آن فعالیت های تغذیوی، تولید نسل، تخم گذاری، استراحت و حرکات نمایشی خود را بصورت آزاد و بدون مزاحمت انجام داده میتواند.

## ۳- مناطق حفاظت شده

Protected Areas:

معمولاً مناطق حفاظت شده ساحه وسیعی را احتوا نموده که به منظور حفاظت و حمایه حیوانات و پرندگان بوده از هرگونه عملیات تخریبی حفاظت میشود.

## ۴- پارکهای ملی National Parks:

پارک ملی يك ساحه وسیعی را در برگرفته که شامل يك یا چندین اکو سیستم بوده عموماً و یا قسملاً انواع و گونه های حیوانی، نباتی و جیومورفولوژیکی که در محیط و یا محل موجود اند به وسیله عملیات تدابیر خاص علمی، تعلیمی، تفریحی و همچنان زیبایی های خاص طبیعی توسط انسان تحت حفاظت و بهره برداری قرار میگردد.

## ۵- مخفیگاه حیات وحش

Sanctuary:

مخفیگاه به ساحه اطلاق میگردد که مشابه به پناهگاه بوده با این تفاوت که در آن فعالیت های نمایشی

حیوانات بصورت آزاد صورت گرفته نمیتواند.

يك ذخیره گاه Reserve، پناهگاه و یا مخفیگاه جهت حفاظه و بقای دسته مشخصی از حیوانات و یا نباتات احداث میگردد. بر علاوه فعالیت های دیگری که به حیوانات و نباتات تحت حفاظه يك پناه گاه مضر نباشد مجاز است.

بطور مثال اگر دره آجر در ولایت بامیان بحیث يك پناه گاه حیات وحش پنداشته میشود به این معنی نیست که اهالی و مردم محل نخواهند توانست به فعالیت های ماهیگیری، شکار مجاز، و یا تعلیف مواشی در ساحه بپردازند. بلکه مردم میتوانند در حدود مشخصی و تحت شرایط خاص فعالیت های فوق الذکر را انجام دهند. اما اگر ساحه يك پارک ملی باشد پس تمام طبیعت آن از قبیل احجار، حیوانات، نباتات، خاک و غیره آن تحت حفاظت بوده که هدف از پارک ملی کاملاً طبیعی نگه داشتن ساحه بوده یگانه استثنائیکه قابل پذیرش است به نحو است که اهالی صرف به منظور محظوظ شدن از طبیعت به آنجا رفته میتوانند و بس و هیچگونه ضرر نمیتواند به ساحه وارد کنند. بناءً احداث سرك ها، راه ها و در بعضی موارد تعمیرات را در پارکها میتوان جهت فراهم آوری تسهیلات برای تفرج اعمار کرد.

## جغرافیای حیوانی افغانستان

افغانستان يك کشور کوهستانی بوده که تقریباً  $3/4$  حصه کشور را ارتفاعات بلند تشکیل داده و این خصوصیت باعث بوجود آمدن اقلیم های کوچک شده (microclimates) که زمینه خوبی را برای توافق انواع و اقسام حیات وحش اعم از حیوانات و نباتات فراهم میسازد.

عمدتاً افغانستان را از دیدگاه جغرافیای حیوانی به پنج حوزه ذیل میتوان تقسیم نمود:

### ۱- سطوح مرتفع مرکزی:

این حوزه از شمال شرق کشور شروع و به طرف جنوب غرب ادامه داشته که قسمت های شمال این کوهستانات را علفچر ها و تپه های خشبی پوشانیده که علوفه خوبی برای حیوانات تهیه میدارد. همچنان جنگلات پسته و سروکوهی (اوبخت) نیز در بعضی حصص به چشم خورده و قسمت های نشیب های جنوبی فاقد گیاه های انبوه میباشد.

حیوانات مشهور منطقه و یا این حوزه را آهوی مارکوبولو، پلنگ برفی، غژگاو، وندک، آهوی یورال، پلنگ حقیقی، گرگ، سیاه گوش، روباه، شاهین ها، عقابها زاغها (زاغ برفی)، کبک، میش مرغ و قاز خط دار تشکیل میدهد.

### ۲- مناطق دشتی و تپه ها:

این حوزه در برگرفته تمام دشت

ها و صحراهای کشور بوده که اکثراً پوشیده از گیاه ها بوده همچنان يك تعداد جهيل ها و آبهای ایستاده هم درین مناطق ملاحظه میگردد که محیط زیست خیلی ها مناسبی را برای پرندگان مهاجر و غیر مهاجر (مقیم) تشکیل میدهد.

ساحه را که این حوزه احتوا میکند شامل دشت های بکوا، مارگو، دشت های نیمروز، دلآرام، دشت ناور و آب ایستاده غزنی، هامون پوزک و هامون صابري، ریگستان و غیره میباشد. حیوانات مشهور این حوزه عبارتند از: آهوی دشتی، گرگ، شغال، کفتار، خرگوش، کبک، انواع کل مرغ ها بونده ها، جل ها و غیره. زمانی درین حوزه گوره خر آسیانی و پلنگ چیتایا تازی پلنگ نیز به وفرت وجود داشت که در اثر شکار بیرحمانه مجبور به فرار به ایران شدند.

### ۳- مناطق نیمه استوایی:

این حوزه بین قله های جنوبی هندوکش و سلسله کوه سپین غر موقعیت دارد که مناطق هموار بوده جلال آباد و خوست را در برگرفته که بنام منطقه گرم معتدله نیز یاد میگردد. این حوزه نقطه تلاقی بین دو حوزه بزرگ جغرافیائی یعنی حوزه Palearctic و حوزه Oriental بوده و به همین دلیل است که حیوانات این دو حوزه بزرگ

جغرافیائی تقریباً باهم مشابه اند. حیوانات مشهور این حوزه را شب پرک چرمی خرگوش، ماهی خورک، بلبلک سیاه دم و انواع دیگر حیوانات تشکیل میدهد.

### ۴- مناطق جنگلی:

این حوزه در مسیر بارانهای مونسونی هند قرار داشته که باعث بوجود آمدن یکی از زیبا ترین منطقه در کشور با جنگلهای انبوه و مناظر دلکش گردیده است.

در نزدیکی دریا ها اکثراً انواع فرن ها، سرخس ها و گل سنگها به مشاهده میرسد. در قسمت نورستان حیوانات دو حوزه، Palearctic و حوزه Oriental باهم مخلوط گردیده است. حیوانات مشهور این منطقه را سیاه گوش، شادی ریزوس، پلنگ حقیقی، آهوی مارخور، پلنگ برفی، خرس سیاه، آهوی خطن، پشک جنگلی و بنگالی، طوطی، بلبل، مرغ های جنگلی، کبک و غیره تشکیل میدهد.

### ۵- نیزار های کنار دریای آمو:

این حوزه در گذشته ساحه وسیعی را احتوا مینمود که از درقد و امام صاحب تا قسمت های پل خمری را در بر میگرفت ولی در اثر اعمار منازل مسکونی فعلاً يك قسمت محدود از جبه زارها و نیزارها به شکل طبیعی باقی مانده است. حیوانات مشهور این حوزه را گوزن،

غزال، خوک وحشی، ببر (در گذشته)، مرغ دشتی و غیره تشکیل میدهد. در اثر قطع نیزارها و تخریب محیط زیست ببر های مسکون درین حوزه مجبور به فرار از منطقه شدند که آخرین فرد ببر کسپینی از درقد به آنطرف مرز فرار نمود.

در سراسر کشور مجموعاً يك پارک ملی بنام بندامیر بنا برداشتن زیبا ترین و عمیق ترین جهيل های طبیعی در جهان وجود داشته و چهار منطقه حفاظت شده، رسماً اعلان شده از طرف دولت و شناخته شده از طرف جامعه بین المللی وجود دارد که عبارتند از پامیر، دره آجر، آب ایستاده و دشت ناور، کول حشمت خان، مناطق دیگری نیز از نقطه نظر تنوع حیاتی دارای اهمیت بوده که در آینده بعد از طی مراحل قانونی و جلب حمایت جوامع بین المللی کوشش بعمل خواهد آمد تا رسماً از طرف دولت بحیث مناطق حفاظت شده اعلان گردیده و ضمن پروگرام های خاص از آنها مواظبت به عمل آید. این مناطق عبارتند از: نورستان، جهيل شیوه، درقد، هامون پوزک و هامون صابري که از نگاه موجودیت انواع مختلف حیوانات و نباتات وحشی غنی بوده و میتوانند حفاظت گاه های خوبی را تشکیل دهند.

حیوانات وحشی در معرض خطر انقراض افغانستان و کنوانسیون تجارت

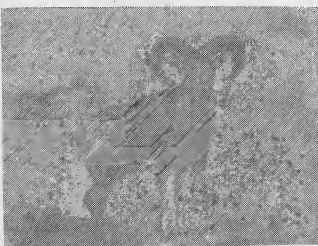
زمین های زراعتی، خشک نمودن با طلاق ها وغیره.

۳- جمع آوری تخم های پرندگان در محلات نسل گیری آنها.

۴- اخلاخ حیوانات وحشی در محلات نسل گیری آنها

#### راه های حل:

۱- آگاهی ذهنیت مردم توسط پروگرام های تعلیمی و تربیتی از طریق مکاتب، رسانه های جمعی و



اهوی نیک سیر

نشرات.

۲- طرح و تطبیق قوانین و نورم ها و جزاء دادن به متخلفین مثلاً طرح قانون شکار.

۳- جرایم نقدی.

۴- ایجاد مصروفیت برای مردمی که مستقیماً در بهره برداری از حیوانات وحشی دخیل اند، در فعالیت های دیگر اقتصادی و اجتماعى از قبیل فعالیت های پیشه وری وغیره.

۵- جلب توجه مؤسسات ملی و بین المللی دست اندر کار و اشتراك مساعی با آنها.

(۲) پروتوكول تجارت بین المللی انواع حیات وحش در معرض انقراض CITES درج گردیده اند. برای تجارت این حیوانات يك جواز صادراتی از کشور مبداء ضرورت بوده لیکن جواز وارداتی ضرورت نیست. انواع ذیل شامل پروتوكول برای افغانستان میباشد.

۱- پستانداران: شادی ریزوس، گورك، روباه خاکی، سگ وحشی یا سگ سرخ، تمام اعضای فامیل پشك، گوره خر، گوزن باختری آهوی مار خور، گوسفند ماركوپولو.

۲- پرندگان: لگ لگ

سیاه، قطان پاخاكستری، كفچه نول، شاهین ها (بصورت عموم)، میش مرغ، شمشیر نول خالدار، تمام انواع بوم.

۳- خزندگان: تمام انواع فامیل سنگ پشت، انواع چلپاسه های دم باریك تمام انواع فامیل مار بوا.

۴- نباتات: تمام انواع فامیل ثعلب (اورشمدی) Orchidaceae. پراپلم های جدی ایكه حیوانات وحشی را در کشور ماتهديد مینماید:

۱- شكار بی حد و بی رویه كه اكثرأ بی مفهوم بوده و غیر قانونی میباشد.

۲- تخریب محیط زیست مثل قطع جنگلات، قطع نیز ارها، شكستن علفچرها و تبدیل آن به

بین المللی انواع حیوانات و نباتات وحشی CITES تمام انواع حیوانات و نباتات را كه خطر انقراض آنها را تهدید مینماید در جدول نمبر يك درج نموده است بناءً برای تجارت چنین انواع يك جواز صادراتی از کشور مبداء و يك جواز و ارداتی از این جواز ها توسط مسئولین منجمنت و تنظیم ملی تهیه شده و ایشان باید تصدیق نمایند كه خارج نمودن حیوان و یا نبات از کشور موجوده برای بقاء نوع مذکور و یا انواع دیگر زیان آور نبوده و این عمل در قدم اول تجارتی نمیشاید.

برای افغانستان انواع ذیل شامل پروتوكول CITES میباشد:

۱- پستانداران: خرس سیاه همالیائی، خرس نصواری، سگ آبی، تازی پلنگ یا پلنگ چیتا، پشك بنگالی، پشك قرقاول، سیرغان، پلنگ معمولی، ببر، پلنگ برفی، آهوی مشك، آهوی مار خور پكتیا، آهوی مارخور كابلی، آهوی یوزال (گوسفند یوزال)

۲- پرندگان: عقاب شاهی، عقاب دریائی دم سفید، شاهین، كلنگ سفید سایبریائی

۳- خزندگان: سوسمار بنگالی، سوسمار انواعی كه تا هنوز به خطر انقراض مواجه نبوده لیكن هرگاه تجارت آنها منع قرار داده نشود، در معرض خطر انقراض قرار خواهند گرفت. این حیوانات در جدول نمبر



## اعطای خون

## خاطرات داکتر پیچکاری

ارسالی: بصیر احمد متعلم لیسہ ننگرہار

میشه؟» جواب سکوت بود. بالاخره بعد از چند دقیقه کاکای قربان به صدا در آمده گفت: «داکتر صاحب، مال ما صدقه سر عزیزه اما اگر ما خون بتیم، خود ما ضایع میشیم، در اینصورت زن و اولاد ما بی سرپرست میمانند و ما این ننگه قبول کرده نمی تانیم.»

داکتر دانست که باید دو باره معملی را شروع کند لذا با فریاد گفت: «خون شما ضایع نمیشه، بدن دو باره خون تولید میکنه... قربان صدای داکتر را برید: «خی چرا بدن عزیزه خون نمی سازه؟»...

و کاکا و پدرش با سر حرف قربان را تصدیق کردند. وقت به سرعت میگذشت و وضع عزیزه رو به وخامت میرفت. داکتر دید که صحبت فایده ندارد. گروپ خون عزیزه را معاینه کرد و با کمال تعجب دید که گروپ خون او و عزیزه با هم می خوانند. به آرامی به طرف فامیل عزیزه نگاه کرده گفت: «خی سیل کنین!»

کسی حرفی نزد. قدیر شروع به کار کرد، و به آهستگی سوزن پیچکاری را در شاهرگ بازوی داکتر فرو برد، سکوت مطلق در اتاق حکمفرما بود. داکتر حتی ضربان قلب خودش را نمیتوانست بشنود... خون سرخ غلیظ داکتر به آرامی از نل پلاستیکی به بوتل سرازیر شد و داکتر با چشمان مطمئن بسوی قربان نگاه میکرد.

ناگهان قربان سکوت را شکسته بازوی خود را لیج کرده پیش آمد و گفت: «نی!» خون دادن آدمه نمی کشه، بگی، داکتر صاحب مه خون میتیم. سپس کاکا و بعد پدر قربان همه پهلوی قربان به صف ایستادند.

خوشبختانه خون بعد کافی جمع شد و جراحی با موفقیت کامل به انجام رسید. آنروز خدا و شهادت داکتر، عزیزه را نجات داد و از آن به بعد عزیزه همیشه از مهربانی داکتر برای مردم قریه قصه مینمود و میگفت: «همیشه محبت و فداکاری یک نفر، دیگران را نیز به کمک کردن رهنمون میشود.»

سوختگی بسیار شدید بود و عزیزه شدیداً درد میکشید و خون زیادی ضایع کرده بود. داکتر، قربان، پدر قربان و کاکای قربان را خواسته به آنها گفت: «عزیزه شدیداً به خون ضرورت دارد، یگانه چیزی که دخترتان را نجات خواهد داد خون است و بس.»

سکوت سرد در اتاق حکمفرما شد. داکتر برای اینکه برای فامیل قربان وقت صحبت داده باشد به آهستگی از اتاق خارج شد.

بعد از چند دقیقه کاکای قربان که کلان فامیل بود به اتاق داکتر آمده به آرامی به داکتر گفت: «داکتر صاحب، عزیزه اولاد. مه اس، ما به هر قیمتی هم که شده باید او را نجات بتیم. از مال خدا مه چند دانه گوسفند و یک قطعه زمین دارم که روز مه به شو می رسانه، گوسفندا و زمینم صدقه سر بیادر زاده ام پرو بخیر، خونه بخیر.»

داکتر که با بی صبری به صحبتهای کاکای قربان گوش میکرد گفت: «جان بیادر خون فروشی کجا و اینجا کجا؟ اینجا خوش شار نیس، اگه کسی تا شار پره و خون بخره تا یکماه دیگر پس نمی آیه، تا او وخت دختر ضایع می شه...»

بابه قربان گفت: «خی چاره کار چیست، ما خواز مال خودم می گذریم، حالی که ای کار هم ممکن نیس تو بگو چکار کنم.»

داکتر گفت: «خودتان خون بتین! مه گروپ خون تانه امتحان میکنم هر کس که گروپ خونش با گروپ خون عزیزه یکی بود خون پته» و سپس رو به سوی دستیارش نموده گفت: «او بچه قدیر، هله سامانها را بیار» اما متوجه شد که از فامیل قربان کسی حرف نزد و همه چشمشان را به زمین دوخته بودند.

داکتر صدا کرد: «حالی کی پیش

یکی از مشکلات عمده داکتر این بود که گهگاه باید برای بعضی از مریضها تشریح میکرد که مریضی اش چیست و چه باعث این مرض شده و برای جلوگیری از پیشرفت مرض چه باید بکند. مردم قریه به نسبت آشنا نبودن با بیولوژی و ساختمان بدن از هر جمله داکتر دهها سوال میپرسیدند و خلاصه داکتر هم باید معالجه میکرد و هم معملی، یکی از این مشکلات قصه خواهر قربان بود.

سردی هوا کم کم زیاد شده و نزدیکی های چله بود که کاکای قربان همراه با اولاد ها و خشوی خود به خانه قربان شان مهمانی آمدند. در خانه جمع و جوشی برپا بود و همه خوشحال بودند، عزیزه و دختران کاکایش در آشپزخانه مشغول پختن غذای شب شدند. عزیزه گیلنه بطرول را گرفت تا اجاق را روشن کند و کمی بطرول روی چوبها ریخت. اما قبل از اینکه گیلنه بطرول را بسته کرده و در جایش بگذارد. متوجه شد لطیفه در گوش شریفه چیزی گفت و هر دو خندیدند. عزیزه که متوجه پس پس شده بود گیلنه بطرول را در جا گذاشته و گرم صحبت با دختران کاکا شد.

بوی پیاز و نان گرم و ... چنان قوی بود که بوی مرغزای بطرول به مشام کسی نفیرسید. و بطرول همچو پلنگ موزی به آهستگی تمام آشپزخانه را فرا گرفته و یکباره فریاد دلخراش «وای سوختم! وای مردم!» بلند شد. آشپزخانه در یک چشم به هم زدن طعمه آتش شده بود خوشبختانه دختران کاکای عزیزه از آشپزخانه بیرون رفته بودند و جز عزیزه کسی در آشپزخانه نبود و اما عزیزه گل بد رقم سوخته بود.

همینکه داکتر عزیزه را دید فوراً مرهم های سوختگی را که داشت بر روی زخمها مالیده عزیزه را پیچکاری کرد تا به خواب برود.

# طرز پختن سبزیها

ارسالی  
محمد گل

## گرددش های آزاد ...

باشد مینماید. تاثیر این عمل را در وجود يك فوتبالیست به خوبی میتوانیم مشاهده کنیم. اگر شما به بازی فوتبال دقیقاً تماشا کنید اهمیت این موضوع را در وجود فوتبالیست حتماً میابید. طور مثال اگر شما برای کار ضروری تقریباً بیست متر فاصله را بدوید به زودترین فرصت خسته شده و احساس ذله گویی کنید. ولي آنطرف روی صفحه تلویزیون میبینید که يك قهرمان بازی فوتبال چقدر به سرعت و پیهم عقب توپ میدود ولي هرگز خستگی احساس نمی کند، دلیل آن اینست که فوتبالیست ها روز ها در هوای آزاد گشت و گذار کرده و حتی دویده تا استعداد اینرا پیدا کرده اند که در يك بازی جهانی سهم بگیرند. مثال واضح و روشن دیگر که شاید در دشت ها و صحرا ها دیده باشیم که عموماً از طرف صبح و یا عصر حیوانات را به چراگاه ها میبرند. و این امر خود نشاندهنده اهمیت موضوع است اگر گاهی تصادفاً گوسفند و یا گاو را در اوقات ظهر و یا بعد از ظهر به چرا ببریم در قدم اول علف های صحرا از اثر تابش آفتاب پژمرده شده و حیوان میل کمتر به خوردن آن پیدا میکند و ضمناً بعد از چند گردش حیوان نیز از گرمی آفتاب رنج برده و در صدمه میشود تا گوشه سرد را برایش پیدا کند. پس گفته میتوانیم که گشت و گذار در هوای آزاد و سرد نه تنها برای انسان بلکه برای حیوان نیز مفید است. و خویست در اخیر مثال دیگر هم بدهیم و آن اینکه: چوپان ها اکثراً صحتمند، و بشاش و خوش برخورد و خوش قلب میباشند در عین حال پرده بار نیز هستند. این هم از تاثیر گردش آزاد آنها میباشد. بناءً بمنظور داشتن صحت بهتر گردش در هوای آزاد به همه توصیه میشود.

برای اینکه سبزیها بعد از طبخ به رنگ خود باقی بماند و رنگ طبیعی خود را حفظ نماید باید حین پختن سبزیجات نکات ذیل را مورد توجه قرار بدهیم.

۱- بطور کلی نخست باید آب را جوش داده سپس سبزی را در آن انداخته و حرارت تند و یکنواخت به آن داد.

۲- حین پختن سبزی نباید سرپوش دیگ را بست.

۳- سبزی تا حدی سر آتش گذاشته شود که پخته و قابل خوردن شود، بیشتر از این حد طعم و رنگ آن را تغییر می کند.

۴- برای سبزیهای نیکه بخواهیم همچنان سبز بماند از قبیل پالک، هامیه و غیره به تناسب هر يك كيلو سبزی يك قاشق مربا خوری جوش شیرین بلا فاصله بعد از ریختن به زودی در آب جوش به آن اضافه نمود، تنها برای لوبیای سبز برای هريك كيلو دو قاشق مربا خوری جوش شیرین لازم است.

۵- برای سبزیهای نیکه بخواهیم سفید بماند. مانند پیاز ریزه... به جوش شیرین احتیاجی نبوده، کافی است بعد از جوش آمدن آب سبزی را بریزیم و سرپوش دیگ را دور سازیم تا سبزی بپزد و در آواخر طبخ نمک را به آن اضافه می کنیم.

۶- بطور کلی نمک تمام سبزیجات بعد از طبخ اضافه می شود.

۷- ظرفیکه سبزی در آن ریخته می شود با لعابی بزرگ و حاوی آب فراوان باشد بطوریکه سبزیها روی هم زیاد انباشته نگردد. باید متذکر شد که این طرز پختن سبزی مزه و طعم سبزی را از بین می برد.

۸- اگر حفظ رنگ طبیعی سبزی مورد نظر نباشد و بخواهیم سبزی دارای طعم بهتری گردد و مواد مغذی آن نیز محفوظ بماند بهتر است آن مقدار آب در سبزی بریزیم که بعد از طبخ آب اضافی بجا بماند.

۹- طرز پختن کدو به شکل حلوانی:

کدو را پوست کرده به قطعات خورد چهار کنجه می بریم، بعد بدو طریق میتوان طبخ کرد!

اول اینکه کدو را در روغن سرخ کرده کمی بوره به آن بریزیم.

دوم اینکه کدو را کمی نمک و بوره زده در ظرف ریخته کمی روغن یا مسکه روی آن بگذاریم و با حرارت ملایم بپزیم تا حدیکه له نشود و شکل خود را از دست ندهد.

# تربوز

ارسالی احمدی

تربوز (Water mellow) از جمله سبزی های است که برای نشو و نمو خود به هوای گرم ضرورت داشته نام علمی آن سترولس و لگیرس (citrullus vulqaris) و به فامیل کیو کرتاسی eCuerbitacea تعلق میگیرد. این سبزی در اکثر ممالک جهان پلر گردیده که بر علاوه هوای آزاد در مزرعه در گل خانه ها نیز رویانیده میشود. مرکز پیدایش اصلی تربوز ممالک افریقائی بوده و تا قرن ۱۶ پلر آن در ممالک اروپائی رواج نداشت. بته تربوز مانند دیگر نباتات این فامیل در مقابل سرما حساس بوده و یک فصل نمونی نسبتاً گرم را ضرورت داشته و تخم تربوز پائین تر از (۲۰) درجه سانتی گراد خوب نمو نمیکند. نمو و جنسیت تربوز در هوای مرطوب نسبت به هوای خشک خویتر میباشد تربوز نسبت به خربوزه فصل نموی اضافتر ضرورت داشته در جاهائیکه فصل نمونی آن کمتر از (۴) ماه باشد تربوز بصورت خوب نشو و نمو کرده نتوانسته، ایجاب مینماید ۳-۴ هفته تحت شرایط خاص محافظوی از سرما پلر گردد. موقع پلر آن در مناطق سردسیر کشور ۱-۲۰ نور و در مناطق گرم سیر در برج حوت میباشد. انواع دیر رس ۱۱۰-۱۲۰ روز و انواع زود رس (۷۵) - (۸۰) روز آماده رفع حاصل میگردد تربوز توافق وسیع در خاکها داشته و سندی لوم (Sandy loam) نسبت به خاکهای دیگر برای نشو و نمو تربوز مساعد تر میباشد. تربوز از جمله سبزی های است که در خاکهای کمی تیزابی یعنی پی اچ (۵) نموی خوب میداشته باشد تربوز هم مانند سایر سبزیجات به بستر خوب برای نشو و نمو خود ضرورت داشته که در قدم اول زمین

بعد از قلبه و دیسک آماده جویه کشی میگردد. فاصله بین قطار ۲۰-۲۵ متر و بین بته در عین قطار ۹۰-۱۰۰ سانتی متر میباشد طرز کشت آن طور است که چقورک برای شانندن خسته تربوز بشکل دایره وی و به ابعاد ۶۰x۶۰x۴۵ سانتی متر آماده گردیده که ابتدا چقورک ها همراهی خاک مخلو از مواد عضوی ۳-۴ کیلو گرام و در حدود ۴۰-۵۰ گرام یوریا و ۳۰-۴۰ گرام دای امونیم فاسفیت همراهی خاک مخلوط در چقورک ها انداخته شده و بعداً در قسمت وسط آن ۳-۴ دانه خسته تربوز به عمق ۲-۳ سانتی متر شاند و توسط خاک مخلوط سطح تخم پوشانیده میشود.

وقتیکه بته ها بصورت درست نشو و نمو کرد یک بته آن را گذاشته متباقی آن از بین برده شود.

تربوز فعلاً در تمام نقاط دنیا جائیکه اقلیم مناسب یعنی تابستان گرم و طولانی دارد میروید با وجودیکه اهمیت غذایی آن کم است اما نسبت مغز گوشتی و شیرینی خود بین مردم بسیار معروف بوده و اکثراً بهقسم میوه بعد از غذا صرف میگردد و بعد از خوردن گوشت آن بعضی مردم از پوست آن ترشی و یا مربا میسازند.

تصور میشود که منشاء اصلی تربوز افریقا باشد لیکن برای مدت مدیدی در هند نیز رویانیده شده است اما تا قرن شانزده در اروپا رواج نداشت است برای مصرف خانگی و مارکیت های محلی در اکثر نقاط دنیا پلر میگردد تربوز بصورت آبی و للمی در افغانستان نتیجه خوب میدهد.

تربوز نسبت به اکثر نباتات بمقابل بلند رفتن و کم شدن مقدار آب مقاومت زیاد دارد.

## مناجات

- ۱- الهی! در دل های ما جز تخم محبت مکار و بر جان های ما جز باران رحمت مبار.
- ۲- الهی! همه شادی ها بی یاد تو غرور است و همه غم ها با یاد تو سرور است.
- ۳- الهی! می پنداشتم که ترا شناختم، اکنون آن پنداشت و شناخت را در آب انداختم.
- ۴- الهی! به حرمت آن نام که تو خوانی و به حرمت آن صفت که تو چنانی، دریاب که میتوانی.
- ۵- الهی! به بهشت و حور چه نازم؟ مرا دیده ده که از هر نظری بهشتی سازم.
- ۶- الهی! تو به رحمت خویش و ما بر حاجت خویشیم، تو توانگری و ما درویشیم.
- ۷- الهی! بنده را از سه آفت نگاه دار: از وسواس شیطانی، از هوای نفسانی، و از غرور نادانی.
- ۸- الهی! هر کس را امیدی و امید رهی دیدار، رهی را بی دیدار، نه به مزد حاجت است نه با بهشت کار، مرا تا باشد این درد نهانی، ترا جویم که در مانم تو دانی.
- ۹- الهی! اگر از دنیا نصیبی است، به بیگانگان دادم و اگر از عقیبی مرا ذخیره بی است به مؤمنان دادم، در دنیا مرا یاد تو بس و در عقیبی مرا دیدار تو بس.





# INKESHAF

Publication of the Coordination of Afghan Relief (CoAR)

SECOND YEAR

JANUARY-JUNE 1997

VOL 5-6

## IN THIS ISSUE

ARTICLES	PAGE
• EDITORIAL .....	1
• SUMMARY OF SHASH QALA RDC ACTIVITIES IN 1996....	2
• A VIEW OF AGRICULTURAL ACTIVITIES IN AFGHANISTAN.	6
• TYPES OF BUDDING .....	12
• ROLE OF MINERALS IN ANIMAL LIFE.....	16
• COMMUNITY DEVELOPMENT .....	19
• ROLE OF LANGUAGE IN PEACE AND DEVELOPMENT .....	23
• NAZUL OR DESCENDING OF THE HOLY QURAN .....	27
• SCIENCE AND KNOWLEDGE .....	29
• POEM AND LITERATURE .....	30
• PLANTATION OF KARABIA (A CEREAL) IN HERAT .....	32
• ROLE OF WOMAN IN THE SOCIETY .....	36
• PUBLICATION OF A TEXTBOOK ON VEGETABLES .....	37
• KABUL TRAINING WORKSHOP .....	37
• EFFECT OF WALKING IN FRESH AIR .....	38
• SHORT HISTORY OF IMPROVED WHEAT SEED IN AFGHANISTAN .....	39
• INTERESTING INFORMATION .....	46
• A VIEW OF FERTILIZER APPLICATION IN AFGHANISTAN.	47
• ROLE OF WORK AND WORKER IN ISLAM .....	50
• WILD LIFE NEED YOUR ATTENTION .....	52
• REMEMBRANCE OF A DOCTOR AND AN INJECTION OF BLOOD TRANSFUSION .....	58
• METHOD OF VEGETABLE COOKING .....	59
• WATER-MELON & HYMNS .....	60

### PUBLISHED BY:

Coordination of Afghan Relief  
(CoAR)

### EDITORIAL BOARD MEMBERS:

Prof. A. Q. Samin

Mohammad Akbar Baburi

Abdul Ahmad Amouzgar

Dr. Ghulam Saeed

### MANAGING EDITOR:

Muhageq M. A. Baburi

### ASSISTANT MANAGING EDITOR:

Zakia Wardak

### DESIGN & PHOTOGRAPHY:

Ahmad Shah

### ADDRESS:

House 93, Street 5, Sector N.3  
Phase 4, Hayat Abad, Peshawar.  
Ph. 818165, Fax/Ph: 813299  
P.O. Box: 1013 (University)

### NOTE:

*The editor of Inkeshaf will be pleased to receive contributions from interested professionals, regarding resettlement of peace and the rehabilitation of Afghanistan. The editors are especially interested in the practical aspects of rebuilding Afghanistan's educational, health, agricultural and other infrastructural systems.*

*The editors believe that Inkeshaf can be a source of useful information enabling people to enrich their ideas and assist in the reconstruction of Afghanistan. All contributions will be gratefully received.*





Coordination of Afghan Relief

# INKESHAF

*Quarterly*  
*Vol: 5-6 / 1997*



A view of Shah Shaheed High School in Kabul City, its repair work is completed by CoAR under NCA funding on May 30, 1997.